

ادراک مردم و سنجش سیاست‌ها براساس اندیشه رهبران انقلاب اسلامی: چارچوبی برای ارزشیابی مردم‌محور سیاست‌ها



لله الحمد لله الرحمن الرحيم

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۱۱/۵

شماره مسلسل:

۲۱۲۷۱



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:

ادراک مردم و سنجش سیاست‌ها براساس اندیشه رهبران انقلاب اسلامی:
چارچوبی برای ارزشیابی مردم‌محور سیاست‌ها

نوع گزارش: طرح / لایحه ☐ راهبردی ☒ نظارتی ☐ پیش‌نویس قانونی ☐

نام دفاتر:

ارزشیابی مردمی سیاست‌ها و قوانین، مطالعات اجتماعی

تهیه و تدوین:

محسن ردادی

(گروه توسعه تعاون و مشارکت‌های مردمی و سرمایه اجتماعی)

مدیر مطالعه:

محسن ابن‌الدین حمیدی

ناظران علمی:

بهرروز طهماسب کاظمی

همکار:

سید محمد احمدنژاد

اظهار نظرکننده:

علی عبدالاحد (گروه حقوق اساسی و اسناد بالادستی)
محمد هادی محمودی (گروه مطالعات فقهی و مطالعات بنیادین حقوق)،
محمد تقی ضرغام افشار (گروه توسعه تعاون و مشارکت‌های مردمی و سرمایه اجتماعی)

اظهار نظرکننده خارج از مرکز:

میلاد موحدیان (کارشناس پژوهش‌های تاریخی و سیاسی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای)

گرافیک و صفحه‌آرایی:

نرجس امیراحمدی

ویراستار ادبی:

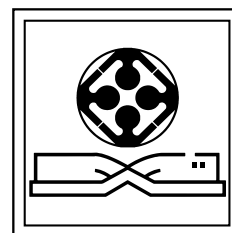
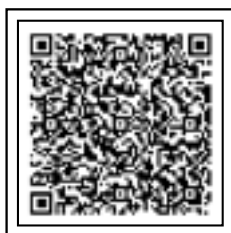
مژگان کاظمی

واژه‌های کلیدی:

۱. ارزشیابی مردم‌محور
۲. حکمرانی مردمی
۳. اندیشه رهبران انقلاب اسلامی

تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۴/۲/۱



فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه.....	۹
۲. پیشینه.....	۱۱
۳. تعریف و مفهوم‌شناسی.....	۱۲
۴. تحلیل مضمونی بیانات رهبران انقلاب اسلامی.....	۱۵
۵. طراحی و تفسیر شبکه مضامین.....	۲۲
۶. جمع‌بندی و پیشنهادها.....	۲۴
۷. پیوست.....	۲۸
منابع و مأخذ.....	۴۴

فهرست جداول

جدول ۱. تحلیل پیشینه پژوهشی.....	۱۱
جدول ۲. پیشنهاد توصیه سیاستی.....	۲۷
جدول ۳. تحلیل مضمون سخنان رهبران انقلاب اسلامی با محوریت ارزشیابی مردم‌محور.....	۲۸

فهرست شکل‌ها

شکل ۱. فرایند ارزشیابی مردم‌محور در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی.....	۹
شکل ۲. عناصر ارزشیابی مردم‌محور و ارتباط میان آنها.....	۱۳
شکل ۳. مبانی ارزشیابی مردم‌محور در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی.....	۲۲
شکل ۴. مدل مفهومی ارزشیابی مردم‌محور در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی.....	۲۵

ادراک مردم و سنجش سیاست‌ها براساس اندیشه رهبران انقلاب اسلامی: چارچوبی برای ارزشیابی مردم‌محور سیاست‌ها

Doi: [10.22034/mrc.report.21271](https://doi.org/10.22034/mrc.report.21271)

چکیده



ارزشیابی مردم‌محور رویکردی نوین در سیاستگذاری عمومی است که با محور قرار دادن مردم در فرایند ارزیابی، به بازتعریف رابطه دولت و جامعه می‌پردازد. در این الگو، مردم نه صرفاً دریافت‌کنندگان سیاست‌ها بلکه بازیگران فعال، آگاه و شریک معرفتی در تصمیم‌سازی‌ها هستند. این گزارش با تحلیل مضمون بیانات رهبران انقلاب اسلامی، بنیان‌های نظری و ارزشی مردم‌محوری شایسته‌محور را استخراج کرده و نشان می‌دهد که این رویکرد ریشه‌ای عمیق در اندیشه انقلاب اسلامی دارد.

تحلیل مضمون بیانات رهبران انقلاب شش محور بنیادین را آشکار می‌کند: ۱. تکریم شأن مردم در سیاستگذاری، ۲. حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت، ۳. لزوم کسب احساس رضایت عمومی، ۴. مهم بودن ادراک کارآمدی حکومت از سوی مردم، ۵. لزوم پاسخ‌گویی به مطالبات مردم، ۶. ضرورت اقناع عمومی و تبیین سیاست‌ها. این محورها بیانگر نوعی «الگوی ایرانی-اسلامی ارزشیابی» است که در آن، مردم به مثابه صاحبان انقلاب، داور عملکرد مسئولان و ضامن و جاهت قانونی نظام تلقی می‌شوند.

گزارش در پایان، مجموعه‌ای از راهکارهای تقنینی، نظارتی و سیاستی برای نهادینه‌سازی ارزشیابی مردم‌محور در ساختار حکمرانی ارائه می‌دهد؛ از جمله: درج شاخص‌های رضایت و پاسخ‌گویی در نظام ارزیابی رسمی، شفاف‌سازی داده‌های عملکردی برای افکار عمومی، استفاده از ظرفیت تشکل‌های مردمی در ارزیابی و نهادینه‌سازی گفت‌وگوی اجتماعی میان دولت و ملت. نتیجه این رویکرد، بازسازی اعتماد عمومی، تقویت و جاهت قانونی و افزایش کارآمدی نظام حکمرانی است.



بیان/شرح مسئله

در نظام حکمرانی ایران، ارزیابی عملکرد دولت‌ها عمدتاً در چارچوب‌های رسمی، اداری و بالابنه‌پایین انجام می‌شود. این الگو، گرچه کارکردهای آماری و بوروکراتیک دارد، اما قادر نیست قضاوت واقعی مردم درباره سیاست‌ها و برنامه‌ها را منعکس کند. «ارزشیابی مردم‌محور» پاسخی نظری و عملی تسبیت به خلأهای موجود است. این رویکرد، مردم را در جایگاه ارزیابان فعال قرار می‌دهد که براساس تجربه زیسته و قضاوت اجتماعی خود، درباره کیفیت سیاست‌ها داوری می‌کنند. در این چارچوب، جامعه‌ای که تحت تأثیر سیاست قرار گرفته، بهترین مرجع برای درک پیامدهای واقعی آن است. گزارش حاضر براساس تحلیل نظام‌مند بیانات رهبران انقلاب اسلامی، می‌کوشد بنیان‌های معرفتی و ارزشی این نوع ارزشیابی را در چارچوب اندیشه اسلامی و انقلابی استخراج کند.

نقطه‌نظرات / یافته‌های کلیدی

تحلیل مضمون بیانات رهبران انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که شش محور اصلی، شالوده نظری ارزشیابی مردم‌محور را در اندیشه انقلاب اسلامی تشکیل می‌دهد:

(الف) تکریم و به رسمیت شناختن شأن مردم: رهبران انقلاب مردم را صاحبان حقیقی قدرت می‌دانند. در این نگرش، مردم نه تابع، بلکه شریک در حکمرانی‌اند. آنان حق دارند عملکرد مسئولان را قضاوت کنند و در تصمیم‌گیری‌ها حضور مستمر داشته باشند.

(ب) حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت: نظارت اجتماعی، حق ذاتی مردم و یکی از مؤلفه‌های اصلی جمهوری اسلامی است. از نظر رهبران انقلاب، مردم باید ناظر، منتقد و مطالبه‌گر باشند و حکومت باید اطلاعات خود را شفاف در اختیار مردم قرار دهد.

(ج) لزوم کسب احساس رضایت عمومی: رضایت مردم اهمیت دارد و دولت موظف است رضایت عمومی را جلب کند. رهبران انقلاب بارها تأکید کرده‌اند که میزان رضایتمندی مردم، معیار سنجش موفقیت حکومت است. خدمت صادقانه، عدالت و حضور در میان مردم سه محور کلیدی در تولید رضایت عمومی معرفی شده‌اند.

(د) مهم بودن ادراک کارآمدی: حاکمیت باید به ادراک مردم از کارآمدی حکومت بها بدهد و در محاسبات و سیاستگذاری‌های خود این ادراک را وارد کند. کارآمدی از دیدگاه مردم زمانی محقق می‌شود که حکومت بتواند در زندگی روزمره آنان تأثیر ملموس بگذارد، رفاه و امنیت معیشتی را بهبود بخشد و در مبارزه با فساد قاطع باشد. مردم براساس این ادراک قضاوت می‌کنند که آیا حکومت شایسته و توانمند است یا نه. بنابراین، سنجش ادراک عمومی از کارآمدی یکی از وظایف اصلی ارزشیابی مردم‌محور است.

(هـ) لزوم پاسخ‌گویی به مطالبات عمومی: مسئولان موظف‌اند گزارش عملکرد خود را صادقانه بیان کنند، از خطاها و ناکامی‌ها بگویند و براساس بازخورد مردم سیاست‌ها را اصلاح کنند. پاسخ‌گویی در کنار شفافیت، شرط تداوم اعتماد اجتماعی است. این نیز یکی از بنیان‌های ارزشیابی مردم‌محور است و مسئولان را موظف می‌کند که با توجه به نتایج ارزشیابی مردم‌محور سیاست‌های خود را تغییر دهند.

(و) ضرورت اقناع عمومی و تبیین سیاست‌ها: اقناع مردم بخشی از فرایند حکمرانی است، نه اقدام تبلیغاتی. رهبران انقلاب تأکید دارند که دولت‌ها باید به‌طور مستمر با مردم سخن بگویند، سیاست‌ها را توضیح دهند و زمینه همراهی عمومی را فراهم سازند. گفت‌وگو، شفافیت و اقناع، زیربنای تعامل مسئولانه دولت با افکار عمومی است. این محور برای ارزشیابی مردم‌محور مهم است و نشان می‌دهد مسئولان باید قضاوت مردم را جدی بگیرند و بتوانند از ارزشیابی مردم‌محور نمره قبولی دریافت کنند.

این شش محور، سه رکن کلیدی مدل ارزشیابی مردم‌محور در اندیشه رهبران انقلاب را شکل می‌دهند:

■ تثبیت جایگاه مردم در حکمرانی،

- انعکاس اجتماعی سیاست‌ها از طریق رضایت و ادراک عمومی،
- تعهد دولت به تعامل مسئولانه با افکار عمومی.

پیشنهاد راهکارهای تقنینی، نظارتی یا سیاستی

الف) پیشنهادهای تقنینی

- استقرار یک نظام ارزشیابی مردمی در قوانین کشور جهت انجام این گونه از ارزشیابی‌ها در دستگاه‌های اجرایی،
- اضافه کردن موادی در آیین‌نامه داخلی مجلس جهت ایجاد سازوکار ارزشیابی مردمی قوانین،
- پیش‌بینی سازوکارهای حقوقی برای مشارکت مستقیم و غیرمستقیم مردم در فرایندهای ارزیابی و اصلاح سیاست‌ها،
- تدوین آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های الزام‌آور برای نهادهای اجرایی در خصوص گردآوری، تحلیل و انتشار داده‌های افکار عمومی و اجتماعی با رعایت قوانین و مقررات موجود،
- اختصاص بودجه و منابع لازم برای اصلاحات اجرایی مبتنی بر مطالبات و انتظارات مردم.

ب) پیشنهادهای نظارتی

- طراحی و سنجش شاخص‌های ارزشیابی مردمی اعم از «سطح پاسخ‌گویی» و «اقتناع افکار عمومی» در چارچوب ارزیابی‌های رسمی مجلس از عملکرد دولت،
- برگزاری جلسات ادواری با حضور نمایندگان دستگاه‌های اجرایی جهت ارائه گزارش‌های شفاف از بازخوردهای مردمی،
- فعال‌سازی کمیسیون‌های تخصصی مجلس در رصد وضعیت رضایت عمومی و پیگیری تعهد دولت به اصلاح سیاست‌ها براساس بازخورد مردمی،
- تقویت ظرفیت‌های تشکل‌های مردمی برای ایفای نقش در فرایندهای ارزیابی، با حمایت قانونی و منابع کافی،
- نهادینه‌سازی سازوکارهای عدالت‌خواهی مردمی و گنجاندن آن در فرایندهای نظارتی رسمی به‌عنوان بخشی از سلامت حکمرانی.

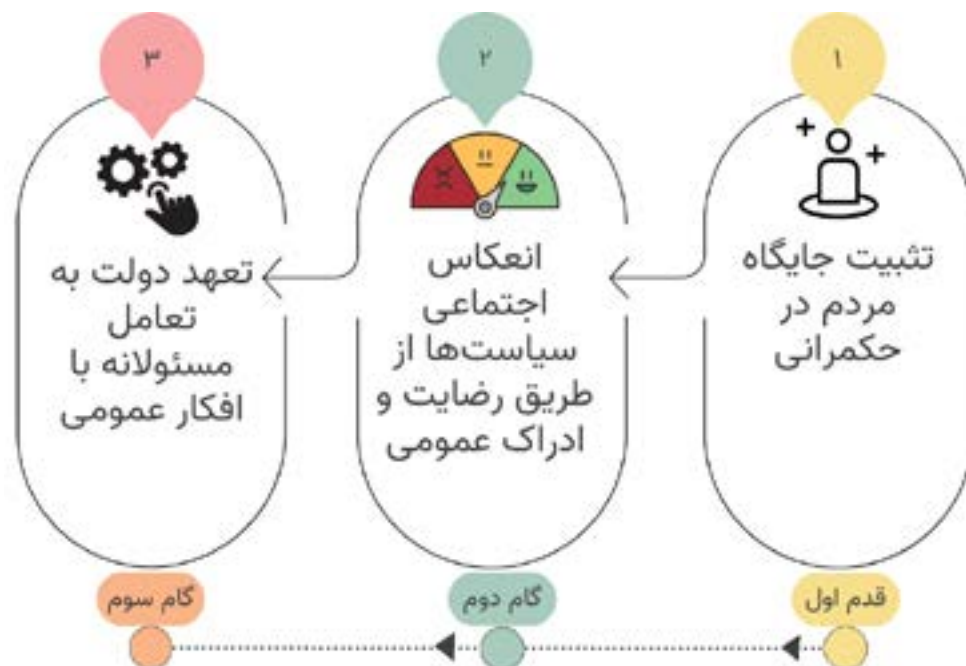
ج) پیشنهادهای سیاستی

- توسعه مدل‌ها و روش‌های ارزشیابی مردمی در راستای سنجش ادراک و رضایت عمومی،
- تقویت ظرفیت‌های نهادی دولت برای تحلیل و به‌کارگیری ارزشیابی مردمی در اصلاح و بازطراحی سیاست‌ها،
- ایجاد شبکه‌های ارتباطی و گفت‌وگوی اجتماعی میان دولت، نخبگان و مردم برای اقناع عمومی و جلب همراهی اجتماعی در اجرای سیاست‌ها،
- نهادینه‌سازی رویکرد ارزشیابی مردمی در شوراها و نهادهای مردمی موجود،
- ارتقای شفافیت و پاسخ‌گویی در نظام حکمرانی از طریق الزام دستگاه‌های اجرایی و نهادهای عمومی به انتشار منظم گزارش‌های عملکردی شفاف و قابل فهم برای عموم مردم،
- فراهم‌سازی بسترهای نهادی برای نقد و مطالبه‌گری مردم، به گونه‌ای که مسئولان ملزم به پاسخ‌گویی عمومی باشند،
- لحاظ کردن شاخص‌های ارزشیابی مردمی اعم از «رضایت عمومی» و «ادراک از کارآمدی» در ارزیابی عملکرد سازمان‌ها و دستگاه‌های حکومتی،
- تقویت رویکردهای «سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد» به گونه‌ای که داده‌های مربوط به احساسات و قضاوت مردم در فرایند تصمیم‌گیری و ادامه یافتن سیاست‌ها لحاظ شود،
- توسعه ظرفیت‌های مدیریتی برای انطباق سریع سیاست‌ها با تغییرها، نیازها و ادراکات عمومی،
- طراحی و اجرای راهبردهای ارتباطی شفاف از سوی دولت و نهادهای حاکمیتی، به گونه‌ای که سیاست‌ها برای مردم تبیین و اقناع شوند،

■ نهادینه‌سازی فرهنگ گفت‌وگوی اجتماعی، از طریق برگزاری نشست‌های مردمی، گفت‌وگوهای تلویزیونی و رسانه‌ای و ایجاد فضاهای مجازی مشارکتی،

■ اجتناب از مصادره جناحی یا تبلیغاتی بازخوردهای مردمی و تلاش برای ارائه تصویری واقعی از ارزشیابی‌های مردمی.

شکل ۱. فرایند ارزشیابی مردم‌محور در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی



مأخذ: یافته‌های پژوهش.

۱. مقدمه

ارزشیابی مردم‌محور^۱ رویکردی نوین در عرصه سیاست‌گذاری و مدیریت عمومی است که بر محوریت «مردم» در فرایند ارزیابی برنامه‌ها، پروژه‌ها و سیاست‌ها تأکید می‌کند. در این رویکرد، ذی‌نفعان مردمی نه صرفاً به‌عنوان دریافت‌کنندگان سیاست، بلکه به‌عنوان «ارزیابان فعال» و «شرکای معرفتی» وارد عرصه می‌شوند و تجارب زیسته، قضاوت‌های اجتماعی و معیارهای بومی آنان، مبنای تحلیل و سنجش قرار می‌گیرد [۱، ۲].

ارزشیابی مردم‌محور را می‌توان یک رویکرد مشارکتی برای ارزیابی برنامه‌ها، پروژه‌ها یا سیاست‌ها دانست که در آن اعضای جامعه به‌طور فعال در فرایند ارزشیابی مشارکت می‌کنند. برای رسیدن به ارزشیابی مردم‌محور لازم است افرادی به‌عنوان تسهیل‌گر قضاوت‌ها و ارزش‌گذاری‌های مردمی را جمع‌آوری کنند. هدف از ارزشیابی مردم‌محور، سنجش برنامه، سیاست یا پروژه از منظر ذی‌نفعان مردمی، با تأکید بر تجربه زیسته و قضاوت اجتماعی آنهاست.

بر این اساس، ارزشیابی مردم‌محور بر این پیش‌فرض استوار است که «جامعه‌ای که تحت تأثیر سیاست یا برنامه قرار گرفته، بهترین موقعیت را برای درک پیامدهای واقعی آن دارد». چنین نگاهی، علاوه بر ارتقای «وجاهت قانونی»^۲ تصمیم‌های حکمرانی [۳، ۴]، موجب افزایش شفافیت، پاسخ‌گویی و اعتماد عمومی نیز می‌شود [۵، ۶]. به بیان دیگر، ارزشیابی

۱. Participatory Evaluation / People-led Evaluation / Community-Based Evaluation

۲. Legitimacy

مردم‌محور نه تنها ابزار سنجش رضایت عمومی است، بلکه خود به سازو کار تولید «سرمایه اجتماعی» [۷] و تقویت پیوند میان دولت و جامعه تبدیل می‌شود.

یکی از ویژگی‌های اساسی این رویکرد، فاصله گرفتن از شاخص‌های رسمی و معیارهای دولتی در ارزشیابی و توجه به معیارهای مردمی است. معیارهایی که مردم براساس آنها قضاوت می‌کنند، الزاماً با شاخص‌های کارشناسی یکسان نیست، اما در عمل، تعیین‌کننده سرنوشت هر سیاست در میدان اجتماعی اند [۸]. این امر بدین معناست که سیاستگذار باید آمادگی مواجهه با قضاوت‌های مردمی – حتی اگر با منافع بوروکراتیک یا برداشت‌های رسمی در تعارض باشد – را داشته باشد [۹]. از این منظر، ارزشیابی مردم‌محور را می‌توان یک «کنش سیاسی» دانست. اگر بپذیریم که به تعبیر وبر، کنش سیاسی هرگونه رفتاری است که با هدف تأثیرگذاری بر فرایندهای تصمیم‌گیری و ساختارهای قدرت انجام می‌گیرد [۱۰]، در آن صورت پذیرش ارزشیابی مردم‌محور نیز معادل پذیرش مداخله سیاسی جامعه در فرایند حکمرانی است. بدین‌سان، این نوع ارزشیابی نه صرفاً سازو کار فنی، بلکه عرصه‌ای از «مذاکره و حقانیت متقابل» میان مردم و نظام سیاسی است [۱۱]. از منظر کارکردی نیز، توجه به ارزشیابی مردم‌محور موجب افزایش حس «مالکیت اجتماعی» نسبت به برنامه‌ها می‌شود؛ شهروندانی که در فرایند قضاوت و بازخورد مشارکت دارند، به‌طور طبیعی احساس تعهد بیشتری به اجرای سیاست‌ها پیدا کرده و با دستگاه‌های اجرایی همکاری گسترده‌تری خواهند داشت [۱۲]. در مقابل، مسئولان نیز با دریافت بازخورد مستقیم مردم، خود را ملزم به پاسخ‌گویی و اصلاح مستمر سیاست‌ها می‌دانند [۱۳].

نکته حائز اهمیت آن است که قضاوت مردمی به هر حال وجود دارد؛ چه نظام حکمرانی آن را به رسمیت بشناسد و چه نادیده بگیرد. جامعه در برابر سیاست‌ها واکنش نشان می‌دهد و به‌طور بی‌واسطه ارزشیابی خود را از آنها انجام می‌دهد. ارزش علمی و سیاسی رویکرد مردم‌محور آن است که این قضاوت‌های پنهان و پراکنده، به شیوه‌ای سازمان‌یافته و نظام‌مند گردآوری، تحلیل و وارد چرخه سیاستگذاری می‌شود [۱۴]. این امر فرصتی منحصر به فرد برای سیاستگذاران فراهم می‌کند تا با درک قضاوت‌های عمومی، مسیر اصلاح یا بازطراحی سیاست‌ها را هموار سازند.

در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی نیز، مفهوم ارزشیابی مردم‌محور جایگاهی بنیادین دارد. مراجعه به سخنان امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌دهد که این رهیافت صرفاً یک الگوی وارداتی از ادبیات توسعه نیست، بلکه ریشه‌ای بومی و دینی نیز دارد. در این نگاه، پذیرش قضاوت مردمی نه تهدیدی برای اقتدار نظام، بلکه شرط پایداری و عمق بخشی به وجاهت قانونی آن است.

با این مقدمه، گزارش سیاستی پیش‌رو در پی آن است که با تحلیل نظام‌مند بیانات نظری رهبران انقلاب اسلامی، بنیان‌های معرفت‌شناختی و ارزشی ارزشیابی مردم‌محور را استخراج و تبیین کند. در این مسیر، سه هدف اساسی دنبال می‌شود:

۱. شناسایی مفاهیم کلیدی مرتبط با ارزشیابی مردم‌محور در گفتمان انقلاب اسلامی (مانند پاسخ‌گویی، مشارکت مردمی، رضایت عمومی، عدالت در ارزیابی، شفافیت و مشروعیت اجتماعی)؛

۲. طراحی چارچوب مفهومی ارزشیابی مردم‌محور بومی بر پایه آموزه‌های انقلاب اسلامی؛

۳. ارائه پیشنهادهایی برای نهادینه‌سازی این چارچوب در سازو کارهای ارزیابی سیاست‌های عمومی با رویکردی ترکیبی از تحلیل گفتمان، تجربه‌های بین‌المللی و شرایط فرهنگی ایران.

تدوین چارچوبی بومی برای ارزشیابی مردم‌محور می‌تواند پاسخی نظری و کاربردی به خلأهای موجود در نظام ارزشیابی سیاستی کشور باشد؛ خلأهایی که در شرایط بحران‌های پی‌درپی اجتماعی، اقتصادی و اعتماد عمومی، نیاز به بازطراحی جدی دارند. همچنین این چارچوب می‌تواند زمینه‌ای برای تقویت گفت‌وگوی اجتماعی، بازسازی اعتماد میان مردم و حاکمیت و حرکت به سوی حکمرانی مردم‌پایه فراهم سازد.



ایده مشارکت معنادار ذی‌نفعان در داورى و سنجش برنامه‌ها از ادبیات «مشارکت شهروندی» و «پژوهش مشارکتی» سر بر آورد. «نردبان مشارکت» آرنشتاین^۱ با تمایز میان اطلاع‌رسانی نمادین تا «کنترل شهروندی»، معیاری کلاسیک برای تشخیص کیفیت مشارکت است و به‌طور غیرمستقیم معیارهای سنجش در ارزشیابی‌های مشارکتی را صورت‌بندی می‌کند [۱۵].

نقطه عطف نظری در ارزشیابی مشارکتی، مقاله کلاسیک کازینز و ویت‌مور^۲ است که دو جریان «مشارکت عمل‌گرایانه» (برای ارتقای استفاده و یادگیری سازمانی) و «مشارکت دگرگون‌ساز» (برای توانمندسازی و برابری قدرت) را تفکیک و بر ابعاد «کنترل، سطح و دامنه مشارکت» تأکید می‌کند [۱].

«ارزشیابی توانمندساز»^۳ (فترمن^۴ و همکاران) مشارکت را نه فقط ابزار، که هدف می‌بیند: انتقال ابزار ارزشیابی به گروه‌های محلی برای خودارزیابی و خودتصمیمی [۱۶]. در مقابل، «ارزشیابی مبتنی بر استفاده» (پاتن^۵) بر ارزشیابی به‌عنوان یک ابزار برای رسیدن به نتایج واقعی تکیه دارد [۱۷]؛ هر دو جریان در عمل، به مشارکت هدفمند ذی‌نفعان برای ارتقای اعتبار و کاربست نتایج متکی‌اند.

نهادهای بین‌المللی توسعه، از دهه ۱۹۹۰ به بعد، «پایش و ارزشیابی مشارکتی» را وارد دستور کار کردند. بانک جهانی و یونیسف نیز در جعبه ابزارها و راهنماهای خود، مشارکت ذی‌نفعان را جزء الزام‌های کیفیت گزارش‌های ارزشیابی و استفاده سیاستی از نتایج قید کرده‌اند [۱۸].

جدول ۱. تحلیل پیشینه پژوهشی

ردیف	عنوان گزارش	سال انتشار	شماره مسلسل	نام دفتر/سازمان/نهاد	توضیحات
۱	اظهار نظر کارشناسی درباره: لایحه برنامه هفتم توسعه، پیرامون ارزشیابی مردم‌محور	۱۴۰۲	۱۹۱۲۴	اداره ارزشیابی مردمی قوانین و سیاست	در منطق جمهوری اسلامی، مردم به‌عنوان ذی‌نفعان اصلی، بهترین ارزیابان برای ارزشیابی حاکمیت هستند. چرا که امر به معروف و نهی از منکر حاکمان با این مهم، ارتباط مفهومی دارد؛ بر همین اساس مردم باید بتوانند با استفاده از همه ابزارهای مشروع و قانونی در جامعه اسلامی، بر عملکرد حاکمان نظارت کنند. در این راستا، اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی اعم از قانون اساسی، منویات امامین انقلاب اسلامی و سند تحول دولت مردمی، با این نگاه مورد مطالعه قرار گرفتند. در آخر، با رهیافت‌های حاصل از این مطالعه، لایحه برنامه هفتم توسعه مورد واکاوی قرار گرفته و پیشنهادهایی در جهت زمینه‌سازی و نیل به تحقق ارزشیابی مردم محور ارائه شده است.
۲	الزام‌های ارزشیابی مردم‌محور خط‌مشی‌های عمومی	۱۴۰۳	۱۹۹۰۳	اداره ارزشیابی مردمی قوانین و سیاست	پژوهش حاضر به بررسی الزام‌های ارزشیابی مردم‌محور خط‌مشی‌های جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. در این پژوهش سه محور دارای اهمیت و توجه قرار گرفته است: ۱. توسعه دانش ارزشیابی مردم‌محور به‌مثابه پیش‌رسان یک الگوی ارزشیابی شامل شاخص‌ها و روش‌های قابل سنجش آن، ۲. استفاده از ظرفیت‌های قانونی موجود و بهبود قوانین به‌عنوان بستر شکل‌گیری ارزشیابی ^۳ ، فرهنگ‌سازی در خصوص ارزشیابی مردم‌محور به‌مثابه اتمسفر حاکم بر آن، که بدون وجود آن دو بایسته قبلی در قالب شکلی خود باقی می‌ماند و عملاً ارزشیابی عملیاتی نخواهد شد. روش این تحقیق، ترکیبی بوده و پس از مطالعات مختلف در ادبیات موضوع، در بخش کیفی آن مصاحبه‌های عمیق با نخبگان موضوع صورت گرفته است.

۱ . Arnstein
۲ . Cousins and Whitmore
۳ . Empowerment Evaluation
۴ . Fetterman
۵ . Patton



ردیف	عنوان گزارش	سال انتشار	شماره مسلسل	نام دفتر/سازمان/نهاد	توضیحات
۳	مقدمه‌ای بر ارزشیابی مردم‌محور: بایسته نظری	۱۴۰۳	۱۹۸۲۲	اداره ارزشیابی مردمی قوانین و سیاست	یکی از اهداف ارزشیابی سیاست‌ها و قوانین از نگاه مردم، درک چگونگی اجرای یک خط‌مشی و مدیریت کردن عواقب ناخواسته مداخلات (تحقیقات حین اجرا) بر ذی‌نفعان آن و نیز میزان پایداری تغییرهای ایجاد شده در جامعه (تحقیقات پس از اجرا) برای خط‌مشی گذار است. همچنین این نوع ارزشیابی بعضاً امکان بازنگری را در مداخلات مهیا می‌کند. در واقع، قدرت و اثربخشی برخاسته از «خواست اجتماعی» می‌تواند به بهبود اجتماعی مستمر و فراینده کمک بیشتری کند. در بخشی از این گزارش برجسته‌ترین چالش‌ها و محدودیت‌های ارزشیابی مردم‌محور شامل: ۱. نزدیک‌بینی سیاسی مردم، ۲. تعدد موضوع‌های دولت و محدودیت تمایلات مردم، ۳. دوراهی انتخاب رویکرد تعاملی یا خطی در ارزشیابی مردم‌محور مورد واکاوی قرار گرفته است.

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

۳. تعریف و مفهوم‌شناسی



برای فهم بهتر ارزشیابی مردم‌محور، مناسب است که آن را در یک چارچوب مفهومی بررسی کنیم. چارچوب مفهومی ارزشیابی مردم‌محور شامل مجموعه‌ای از مفاهیم، ساختارها و فرایندهای هم‌پیوند است که نحوه مشارکت مردم در فرایند ارزیابی سیاست‌ها، برنامه‌ها و عملکرد دولت را تبیین می‌کند. چهار عنصر بنیادی این چارچوب عبارت‌اند از: «مردم (ارزشیاب)»، «دولت (مورد ارزیابی)»، «فرایند ارزشیابی» و «پیامدهای سیاستی». مفهومی‌سازی دقیق این ساختار به سیاست‌گذاران کمک می‌کند زمینه، امکانات و محدودیت‌های ورود مردم به فرایندهای ارزیابی را شناسایی و تنظیم کنند.

مفاهیم کلیدی این فرایند به این شرح هستند:

۱. **ارزشیابی:** فرایند نظام‌مند تعیین ارزش، کیفیت، اهمیت و موفقیت برنامه یا سیاست براساس معیارهای مشخص. در رویکرد مردم‌محور، ترجیحات و تجربه‌های ذی‌نفعان محلی به‌عنوان معیارهای معتبر به رسمیت شناخته می‌شوند [۱۹].

۲. **مردم‌محوری:** رویکردی که مردم را در مرکز فرایند ارزیابی قرار می‌دهد؛ به این معنا که ادراک و تجربه زیسته آنان اولویت دارد، مردم به‌عنوان ذی‌نفعان اصلی و قضاوت‌کنندگان مستقیم شناخته می‌شوند و معیارهای ارزیابی بر مبنای ادراک‌ها و نیازهای آنان طراحی می‌شود. ۳. **مشارکت:** درگیری واقعی و آگاهانه مردم در مراحل مختلف ارزشیابی که می‌تواند در سطوحی نظیر اطلاع‌رسانی، مشاوره، همکاری برابر و در نهایت توانمندسازی کامل شکل گیرد.

بازیگران فرایند ارزشیابی مردم‌محور عبارت‌اند از:

■ **مردم:** همه ذی‌نفعانی که از سیاست متأثرند؛ نقش آنان شامل تولید قضاوت اجتماعی و مطالبه پاسخ‌گویی است.

■ **دولت و نظام سیاسی:** نهاد تصمیم‌گیرنده و اجرای سیاست؛ موظف به پاسخ‌گویی و اصلاح است.

■ **واسطه‌گران:** مانند رسانه‌ها، سازمان‌های مدنی؛ نقش آنان تسهیل، گویاسازی و برقراری پل ارتباطی میان مردم و دولت است.

ارزشیابی مردم‌محور، رابطه‌ای دوطرفه میان مردم و دولت را در نظر می‌گیرد که از طرف مردم به دولت، «ارائه نظر، فشار، مطالبه پاسخ‌گویی»

صورت می‌گیرد. از سوی دولت به مردم نیز مواردی همچون «شفاف‌سازی، پذیرش بازخورد، اصلاح سیاست» انجام می‌گیرد. واسطه‌گران نقش برقراری دیالوگ معنادار را ایفا می‌کنند و ارتباط میان مردم و دولت را تسهیل می‌کنند (شکل ۲).

شکل ۲. عناصر ارزشیابی مردم‌محور و ارتباط میان آنها



مأخذ: همان.

در ارزشیابی مردم‌محور، هدف اصلی، شنیدن صدای مردم و درک قضاوت‌های آنهاست. حتی در مواردی که نظر مردم با واقعیت یا مصلحت عمومی همسو نیست، باید به این نظرها توجه کرد و در جهت اصلاح و اقناع مردم گام برداشت. ارزشیابی مردم‌محور به دنبال ایجاد تعامل سازنده میان حاکمیت و مردم است.

۴. موضوع‌های مورد ارزشیابی: ارزشیابی مردم‌محور می‌تواند در حوزه‌های مختلف انجام گیرد. برخی از این حوزه‌ها عبارت‌اند از:

■ رویه‌های جاری حکمرانی: اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، قانونگذاری،

■ عملکرد دولت: کیفیت خدمات، پاسخ‌گویی، شفافیت،

■ نتایج و پیامدها: تأثیر بر زندگی روزمره مردم، ادراک عدالت اجتماعی، تحقق اهداف.

۵. ابزارهای ارزشیابی: در ارزشیابی مردم‌محور از ابزارهای کمی (نظرسنجی، پیمایش)، کیفی (مصاحبه عمیق، گروه‌های متمرکز) و مشارکتی (کارگاه‌های شهروندی، جلسات عمومی و انجمن‌های محلی) استفاده می‌شود. با این ابزارها میزان رضایتمندی،^۱ کارآمدی،^۲ کیفیت^۳ و پاسخ‌گویی^۴ مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد.

۶. پیامدها و نتایج: به رسمیت شناختن و اجرای ارزشیابی مردم‌محور، پیامدهای مثبتی دارد و از سوی دیگر چالش‌هایی را به همراه دارد.

1. Satisfaction
2. Effectiveness
3. Quality
4. Accountability



■ پیامدهای مثبت:

— برای مردم: احساس مشارکت در فرایند حکمرانی، رشد و توانمندی،

— برای دولت: تصمیم‌گیری بهتر و وجاهت قانونی بالاتر،

— برای جامعه: سرمایه اجتماعی تقویت‌شده و زیست بهتر جمعی.

■ چالش‌ها:

— استفاده ناکامل از نتایج،

— پیچیدگی فرایند: ارزشیابی مردم‌محور پیچیدگی‌های خاصی دارد. به عنوان مثال در ارزشیابی‌ها معمولاً میان میل، احساس، نظر و رأی خلط صورت می‌گیرد. میل و احساس مردم، آن چیزی است که از احساسات آنها سرچشمه می‌گیرد و بیشتر حاصل هیجان‌هاست. نظر، آن بخش از قضاوت مردم است که با حداقلی از استدلال منطقی همراه است و در یک روایت معنا دار می‌شود. رأی آن بخش از نظر و قضاوت مردم است که منتج به کنش باشد. به عبارت دیگر مردم حاضرند برای آن چیزی که رأی آنهاست، هزینه بدهند، چه مالی، چه جانی و چه عاطفی. این موضوع باعث می‌شود که وزن همه ابراز نظرها و رأی‌دهی‌ها یکسان نباشد. به عنوان مثال اگر در فضای مجازی (مثل توییتر) یک نظرسنجی در مورد موافقت یا مخالفت با جمهوری اسلامی برگزار شود، برخی افراد حامی جمهوری اسلامی و برخی مخالف آن خواهند بود. اما نکته این است که حامیان جمهوری اسلامی اغلب حاضرند برای حفظ جمهوری اسلامی، جان و مال و خانواده خود را فدا کنند؛ اما در میان براندازان چنین آمادگی وجود ندارد. آنها حاضر نیستند برای این اعتقاد خود، هزینه بدهند و حداکثر این است که در فضای مجازی علیه جمهوری اسلامی نظردهی کنند. در واقع، یک تفاوت کیفی میان این دو دسته از نظردهندگان وجود دارد. این یک مثال است و نشان می‌دهد در ارزشیابی مردم‌محور این تفاوت کیفی باید به صورت وزن‌دهی لحاظ شود.

— مقاومت سیاسی: به نظر می‌رسد که مهم‌ترین چالش ارزشیابی مردم‌محور، «مقاومت سیاسی یا بوروکراتیک» باشد. برای «ارزشیابی مردم‌محور» اراده و تصمیم سیاست‌گذاران ضروری است. توجه به قضاوت و ارزش‌گذاری مردمی، نیازمند یک رویکرد خاص است. به همین دلیل اعتقاد بر این است که ارزشیابی مردم‌محور خود یک «کنش سیاسی» است. اگر با ماکس وبر هم‌نوا شویم و کنش سیاسی را هرگونه رفتار یا فعالیتی تلقی کنیم که با هدف تأثیرگذاری بر فرایندهای سیاسی، تصمیم‌گیری‌های حکومتی یا تغییر در ساختارهای قدرت انجام می‌گیرد، در این صورت پذیرفتن ارزشیابی مردم‌محور را می‌توان یک کنش سیاسی دانست. ادراکی که نظام سیاسی از ارزشیابی مردم‌محور دارد اهمیت دارد. در این راستا، سؤالات زیر مطرح است: سیاستمداران و تصمیم‌گیران با پذیرش ارزشیابی مردم‌محور چه هدفی را دنبال می‌کنند؟ آیا این ارزشیابی صرفاً برای توجیه سیاست‌های جاری است؟ یا اینکه برای تغییر مسیر و اصلاح اشتباهات نظام حکمرانی هم به ارزشیابی مردم‌محور توجه می‌کنند؟ در این صورت آیا آمادگی و ظرفیت مواجهه شدن با قضاوت‌های مردمی را دارند؟ پاسخ‌های واقعی به این سؤالات می‌تواند مسیر ارزشیابی مردم‌محور را هموار کند.

— چالش منفعت عمومی: یک اشتباه رایج، که بر فهم از ارزشیابی مردم‌محور نیز اثرگذار است، این است که تصور می‌شود جمع جبری منافع خصوصی، می‌تواند منافع عمومی را رقم بزند. با این تصور، تلاش می‌شود که با تجمیع نظرها و قضاوت‌های اشخاص به منفعت عمومی پی برد و تصمیمی گرفت که به نفع همه باشد. در حالی که این روند درست نیست. منفعت عمومی، شامل اموری است که برای عموم مردم مطلوبیت دارد و همگان را بهره‌مند می‌کند. ممکن است نتایج ارزشیابی مردم‌محور از منفعت عمومی فاصله بگیرد. ارزشیابی مردم‌محور تجمیع منافع فردی را بازتاب می‌دهد اما این به معنای نیل به منفعت عمومی نیست. به عنوان مثال وجود ارتش یا نظام سربازی، ماهیت عمومی دارند و نمی‌توان آنها را صرفاً به نظر سنجی مردمی منوط کرد. این موارد نیازمند تصمیم‌گیری‌های کلان و استراتژیک هستند که ممکن است با نظر عمومی همسو نباشند. ممکن است اکثریت مردم معتقد به این باشند که سود بانکی حذف شود. تمکین به این نظر احتمالاً به فروپاشی نظام مالی و بانکی می‌انجامد و منفعت عمومی از بین می‌رود. در وزن دادن به ارزشیابی مردم‌محور باید به این نکته توجه کرد که این ابزار دارای محدودیت‌هایی است و از جمله از تشخیص و فهم منفعت عمومی عاجز است.

۴. تحلیل مضمونی بیانات رهبران انقلاب اسلامی



در این بخش، بیانات رهبران انقلاب اسلامی (امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای) با محوریت ارزشیابی مردم‌محور بررسی می‌شود. برای رسیدن به این مضامین، ابتدا جملات رهبران انقلاب اسلامی که به نوعی با مفهوم ارزشیابی مردم‌محور مرتبط بود جمع‌آوری کردیم و پس از دسته‌بندی آنها، مضامین پایه‌ای و مضامین سازمان‌دهنده استخراج شدند. در مجموع ۶ مضمون سازمان‌دهنده به دست آمد که در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. تکریم و به رسمیت شناخته شدن شأن مردم در فرایند سیاست‌گذاری

بررسی بیانات رهبران انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که مردم جایگاه ویژه‌ای در نظام سیاسی دارند. فیش‌های استخراج شده از بیانات امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب را می‌توان در سه محور دسته‌بندی کرد که سه مضمون پایه‌ای را شکل می‌دهند.

۴-۱-۱. مردم به مثابه صاحبان انقلاب

امام خمینی (ره) با تأکید بر این نکته که «رئیس جمهوری که بخواهد سلطنت کند به این مملکت، خود مردم باید جلوی او را بگیرند. مجلسی که بخواهد قدرتمندی نشان بدهد و آن مسائلی که سابق و آن افرادی که سابق در مجلس بودند آن کارها را بکنند، خود مردم باید جلوی او را بگیرند» [۲۰]، مفهوم جدیدی از رابطه حکومت و مردم ارائه می‌دهد. این دیدگاه معتقد به نفی هر قدرت سنتی، پذیرش برابری مردم و مقامات سیاسی و نشئت گرفتن قدرت از مردم (نه از بالا) دلالت دارد. آیت‌الله خامنه‌ای نیز بر این نکته صحنه می‌گذارد و می‌گوید: «امام خمینی به معنای حقیقی کلمه احترام برای آرای مردم و افکار مردم و تشخیص مردم معتقد بود؛ ... مردم را ولی نعمت مسئولان معرفی کرد؛ مکرر امام ذکر کردند که این مردم ولی نعمت ما هستند؛ مواردی خود را خادم ملت معرفی کرد» [۲۱].

از جملات رهبران انقلاب چنین برمی‌آید که مردم قدرت عملی بر مسئولان دارند و مختارند که همواره و مداوم مسئولان را پایش کنند.

۴-۱-۲. منزلت اجتماعی مردم

اندیشه انقلاب اسلامی، مردم را دارای شأن دخالت و حضور مستقیم در سیاست می‌داند. «دخالت در امور سیاسی سالم و اجتماعی، یک وظیفه است در این حکومت اسلامی» [۲۰]. بنابراین اگر مردم، عملکرد مسئولان کشور را ارزشیابی کنند، در حیطه اختیارها و مسئولیت‌های آنهاست. با این توضیح می‌توان گفت که ارزشیابی مردم‌محور، قابل جایگزینی نیست؛ زیرا «حضور مردم هیچ جایگزین دیگری ندارد» [۲۲].

۴-۱-۳. مشارکت در حکمرانی

حکمرانی، قلمروی اختصاصی مقامات سیاسی و مدیران نیست. براساس اندیشه رهبران انقلاب اسلامی، مردم و مسئولان در حکمرانی شریک هستند. بنابراین مردم هم به اندازه مسئولان حق حکمرانی دارند. امام خمینی در این زمینه می‌فرماید: «باید مردم خودشان یک کسی را تعیین کنند ... که او دخالت کند در امورشان؛ هر وقت او را نخواستند، بگویند برو گم شو» [۲۳]. تحلیل بیانات رهبران انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که آنها به صلاحیت مردم باور داشتند و بر این اساس است که شراکت مردم در امر حکمرانی را تجویز می‌کردند. «بنای جمهوری اسلامی بر اعتماد به مردم و اعتقاد به مشارکت مردم است» [۲۴] و بر پایه همین اعتماد، ارزشیابی مردم‌محور معنادار می‌شود و باید در نظام حکمرانی جمهوری اسلامی مؤثر باشد.

به‌طور کلی بررسی بیانات رهبران انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که «تکریم و به رسمیت شناخته شدن شأن مردم در فرایند سیاست‌گذاری»، نه تنها یک اصل سیاسی، بلکه یک ضرورت شرعی و عقلانی تلقی می‌شود. این رویکرد پایه‌ای را برای شکل‌گیری الگوی نظری ارزشیابی مردم‌محور فراهم می‌کند که در آن قضاوت و ارزشیابی مردم در مورد عملکرد مسئولان و فرایندهای حکمرانی مهم و مؤثر است. شأن و جایگاه مردم در تصمیم‌گیری‌ها باید رعایت شود و ارزشیابی مردم‌محور، ابزاری است که نشان می‌دهد این ملاحظه محقق شده است.



۴-۲. حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت

دومین محوری که از تحلیل مضمونی بیانات رهبران انقلاب اسلامی استخراج می‌شود، «حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت» است. به این معنا که مردم حق دارند بر دولت نظارت کنند. دولت و حاکمیت نیز موظف است که اقدام‌های خود را شفاف اطلاع‌رسانی کند تا زمینه برای ارزشیابی این اقدام‌ها، از سوی مردم فراهم شود.

در چارچوب ارزشیابی مردم‌محور، نظارت عمومی نه تنها به مثابه یک وظیفه سیاسی بلکه به عنوان یک سازوکار پایدار برای سنجش کارآمدی حکومت معنا می‌یابد. در واقع، حضور مستمر مردم در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی و ایفای نقش ناظر، ضامن اصلی جلوگیری از تمرکز قدرت و فساد ساختاری است.

۴-۲-۱. نظارت اجتماعی

این مؤلفه بیش از مؤلفه‌های دیگر، به ارزشیابی مردم‌محور دلالت دارد. امام خمینی صریحاً می‌فرماید «زنان و مردان همگی باید ناظر باشند. هم به مجلس ناظر باشند، هم به کارهای دولت ناظر باشند، اظهار نظر بکنند. ملت باید الان همه‌شان ناظر امور باشند» [۲۵]. بدون این نظارت و ارزشیابی مردم‌محور امکان انحراف و فساد وجود دارد. «ملت اگر نظارت نکنند در امور دولت و مجلس و همه چیز، اگر کنار بروند، بسپارند دست اینها و بروند مشغول کارهایشان بشوند، ممکن است یک وقت به تباهی بکشد» [۲۶].

۴-۲-۲. نقد قدرت از سوی مردم

در مضمون دوم یعنی نقد، بُعد دیگری از ارزشیابی مردمی برجسته می‌شود: حق انتقاد. تفاوت جمهوری اسلامی با رژیم طاغوت از نظر رهبران انقلاب، در همین امکان انتقاد عمومی و بی‌هزینه از قدرت است. امام خمینی در ابتدای انقلاب فرمود: «این حکومت در همه مراتب خود، متکی به آرای مردم و تحت نظارت و ارزیابی و انتقاد عمومی خواهد بود» [۲۳].

نقد، در اینجا نه تنها حق بلکه یک ضرورت تربیتی و سیاسی است که مانع شکل‌گیری غرور قدرت و خودبسندگی مسئولان می‌شود. پذیرش خطا، اقرار به اشتباه و گشودگی به انتقاد، معیارهای مهمی برای ارزشیابی عملکرد مسئولان به شمار می‌آید. «انتقاد باید انجام بگیرد. گاهی اوقات انتقاد باید عمومی هم باشد؛ ما همیشه معتقد نیستیم که انتقاد باید در گوشه باشد؛ نه، گاهی هم باید عمومی باشد» [۲۷].

۴-۲-۳. عدالت خواهی

عدالت نه یک آرمان انتزاعی، بلکه شاخصی برای سنجش عملکرد حاکمان است. رهبران انقلاب بارها تأکید کرده‌اند که عدالت باید به خواسته‌ای عمومی تبدیل شود، به ویژه در میان جوانان و دانشجویان. «باید عدالت آن چنان از طرف مردم، قشرها و به خصوص جوانان مطالبه شود که هر مسئولی - چه بنده و چه هر کس دیگری که در جایی مسئول است - ناچار باشد به مقوله عدالت ولو برخلاف میلش هم باشد، بپردازد» [۲۸]. مطالبه عدالت از مسئولان، توسط رهبران انقلاب اسلامی به رسمیت شناخته شده است و طبیعی است که در ارزشیابی مردمی، مردم در مورد عدالت‌محور بودن طرح‌ها و اقدام‌ها و رویه‌ها اظهار نظر کرده و مطالبه داشته باشند.

۴-۲-۴. مطالبه

مردم نه تنها می‌توانند، بلکه باید از مسئولان مطالبه کنند، آنها را به پاسخ‌گویی وادارند و از زبان دین و تکلیف الهی، خواسته‌های خود را پیگیری کنند. «آنچه من عرض می‌کنم، فقط این نیست که بخواهم زبانی مسئولان را نصیحت کنم؛ به شما مردم عرض می‌کنم تا بدانید و بخواهید و مطالبه کنید. به مسئولان و دست‌اندرکاران و کارگزاران حکومتی در قوای سه‌گانه و به خودم این را می‌گویم، برای اینکه خودمان را موظف بدانیم و عمل کنیم و پاسخ‌گو باشیم» [۲۹].

این دسته از سخنان رهبران انقلاب، نشان‌دهنده آن است که در اندیشه انقلاب اسلامی، مردم صرفاً ناظر منفعل نیستند، بلکه ارزیابان فعالی هستند که با «مطالبه‌گری» شاخص‌های کارآمدی و سلامت نظام را تعریف می‌کنند. «شما می‌توانید مسیر کشور را اگر چنانچه غلط است، برگردانید به مسیر درست؛ آنجاهایی که اشکال دارد، آنجاها را می‌توانید برگردانید. ... این کاری است که شما جوان‌ها - جوان‌های دانشمند و عالم - می‌توانید بکنید» [۳۰].

۴-۲-۵. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف یک سازوکار همگانی برای نظارت اجتماعی است و محدود به مسائل خرد فردی نمی‌شود؛ بلکه مهم‌ترین عرصه آن، حفاظت از عدالت، اقتدار ملی، سلامت فرهنگی و بقای نظام اسلامی است. «امر به معروف فقط این نیست که ما، برای اسقاط تکلیف، دو کلمه بگوییم. آن هم در مقابل منکراتی که معلوم نیست از مهم‌ترین منکرات باشند. وقتی یک جامعه را موظف می‌کنند که آحادش باید دیگران را به معروف امر و از منکر نهی کنند، این به چه معناست؟ چه وقت ممکن است آحاد یک ملت امر به معروف و نهی از منکر باشند؟ وقتی که همه، به معنای واقعی در متن مسائل کشور حضور داشته باشند؛ همه کار داشته باشند به کارهای جامعه؛ همه اهتمام داشته باشند؛ همه آگاه باشند؛ همه معروف‌شناس و منکرشناس باشند. این، به معنای یک نظارت عمومی است» [۳۱].

در این چارچوب، هر فرد جامعه به منزله یک ارزیاب دینی و اخلاقی عمل می‌کند و با زبان هشدار و تذکر، قدرت را در برابر خطا و انحراف پاسخگو می‌سازد. «شما مسئولید اگر نگویید چرا پایت را کج گذاشتی؟ باید هجوم کنید، نهی کنید که چرا؟ اگر خدای نخواست یک معمم در یک جا پایش را کج گذاشت، همه روحانیون باید به او هجوم کنند که چرا برخلاف موازین؟ سایر مردم هم باید بکنند. نهی از منکر اختصاص به روحانی ندارد؛ مال همه است. امت باید نهی از منکر بکند؛ امر به معروف بکند» [۳۲].

برایند این پنج مضمون نشان می‌دهد که ارزشیابی مردمی در منظومه رهبران انقلاب اسلامی، ترکیبی از نظارت، نقد، عدالت خواهی، مطالبه‌گری و امر به معروف است؛ سازوکاری که هم ریشه در تکلیف دینی دارد، هم در حقوق سیاسی و اجتماعی شهروندان. بدین ترتیب، حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت نه تنها به کارکردهای فنی و نهادی ارزشیابی گره خورده است، بلکه معنای هویتی و فرهنگی خاصی پیدا می‌کند که آن را از الگوهای صرفاً غربی ارزشیابی مردم‌محور متمایز می‌سازد.

۴-۳-۱. احساس رضایت عمومی

احساس رضایت عمومی یکی از ستون‌های اصلی در الگوی ارزشیابی مردم‌محور است. در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی، بقای نظام و جاهت قانونی و پشتیبانی اجتماعی به میزان رضایتمندی مردم گره خورده است. این رضایت نه صرفاً یک شاخص روان‌شناختی بلکه نشانه‌ای عینی از کارآمدی، عدالت و خدمتگزاری حکومت تلقی می‌شود.

۴-۳-۱-۱. رضایت

در بیانات امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای، رضایت عمومی «ملاک و معیار مهم سنجش حکمرانی» دانسته شده است. تأکید می‌شود که پایگاه واقعی قدرت در دل‌های مردم است و اگر دل آنان به دست آید، هم رضایت خداوند حاصل می‌شود و هم پشتیبانی اجتماعی استمرار می‌یابد. «ملاک و مناط و معیار و میزان کار، رضایت و نبود رضایت عامه مردم است... بنابراین بروید سراغ راضی کردن عموم مردم» [۳۳]. این رضایت، برخلاف برداشت‌های سطحی یا پوپولیستی، یک «نشانه واقع‌گرایانه» از درستی عملکرد دستگاه‌هاست. «کاری بکنید که دل مردم را به دست بیاورید. پایگاه پیدا کنید در بین مردم. وقتی پایگاه پیدا کردید، خدا از شما راضی است؛ ملت از شما راضی است؛ قدرت در دست شما باقی می‌ماند و مردم هم پشتیبان شمایند» [۳۴]. بنابراین، رضایت عمومی یک شاخص دوگانه است: هم معیار کارآمدی سیاسی و هم نشانه همسویی نظام با خواست الهی.

۴-۳-۲. خدمت‌رسانی

یکی از راه‌های اساسی دستیابی به رضایت عمومی، خدمت صادقانه و ملموس به مردم است. در اندیشه رهبران انقلاب، فلسفه وجودی حکومت اسلامی «خدمتگزاری» معرفی شده است. «ما اصلاً برای خدمت به مردم آمده‌ایم. فلسفه وجود ما خدمت به مردم است... نباید آرام و قرار داشته باشیم. نهضت خدمت‌رسانی یعنی این. این خدمت را باید برای مردم محسوس کنیم. کارهای بزرگی را که صورت گرفته، باید به زندگی مردم بکشانیم تا لذتش را حس کنند» [۳۵].

خدمت در این نگاه تنها در حد شعار یا پروژه‌های کلان نیست، بلکه باید «محسوس» و «ملموس» باشد تا مردم آن را لمس کنند و به کارآمدی



نظام اعتماد یابند. خدمت‌رسانی صادقانه و بی‌وقفه، خود نوعی ارزشیابی مستمر از سوی مردم ایجاد می‌کند؛ چرا که آنان با چشم خود می‌سنجند که آیا حکومت در کنارشان است یا خیر. «مردم دیده بودند که دولت [زمان طاغوت] به فکر آنها نیست. شما باید آن طوری که به حسب واقع هم همین طور است به مردم حالی کنید که ما برای خدمت آمدیم، ادارات برای خدمت آمدند» [۲۵].

۳-۴-۳. عدالت

عدالت، بنیان رضایت عمومی و ریشه اصلی احساس اعتماد مردم به حکومت است. امام خمینی تصریح می‌کند که «کوشش همه مردم باید این باشد که زیر بار ظلم نروند. همان طوری که ظلم حرام است، زیر بار ظلم رفتن هم حرام است. مظلوم شدن غیر زیر بار ظلم رفتن است. آدم باید تا آنجا که قدرت دارد زیر بار ظلم نرود» [۳۶]. در این منظومه، مردم موظفانده تنها زیر بار ظلم نروند، بلکه عدالت را از مسئولان خود مطالبه کنند. بنابراین اگر ارزشیابی مردم محور نشان داد که در بخشی از روندهای سیاسی، بی‌عدالتی وجود دارد، این وظیفه مردم است که رفع بی‌عدالتی را از مسئولان مطالبه کنند.

آیت‌الله خامنه‌ای نیز بر این باور است که «مهم‌ترین وظیفه مسئولان کشور این است که در جامعه عدالت را معنا ببخشند تا مردم عدالت را احساس کنند؛ عدالت در قانون، عدالت در قضا، عدالت در تقسیم منابع حیاتی کشور، عدالت در برخورداری‌ها و دسترسی‌های همه افراد به امکانات کشور» [۳۷]. از تحلیل عبارت‌های رهبران انقلاب اسلامی چنین برمی‌آید که «احساس رضایت عمومی» در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی نه امری حاشیه‌ای بلکه یک شاخص کلیدی ارزشیابی مردمی است. در ارزشیابی مردم محور این محور باید با معیارهای گفته شده مورد سنجش قرار گیرد و اگر احساس نارضایتی وجود دارد، عامل آن برطرف شود.

۴-۴-۴. ادراک کارآمدی

کارآمدی در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی، معیار مهمی برای قضاوت عمومی نسبت به نظام سیاسی است. مردم نه بر اساس شعارها و وعده‌های سیاسی، بلکه بر اساس تجربه زیسته خود و نتایج ملموسی که در زندگی روزمره می‌بینند، درباره کارآمدی حکومت داوری می‌کنند.

۱-۴-۴. تأثیر در زندگی مردم

رهبران انقلاب بارها تأکید کرده‌اند که مردم به «نام‌ها» یا «جناح‌ها» توجه چندانی ندارند، بلکه به این می‌نگرند که چه کسی توانایی حل مشکلات و رفع موانع زندگی روزمره‌شان را دارد. در این معنا، کارآمدی نه یک برداشت ذهنی، بلکه تجربه‌ای عینی است که مردم آن را در کیفیت خدمات عمومی، روان بودن امور اداری و رفع مشکلات معیشتی می‌سنجند. مردم حق دارند که در مورد کارآمدی مسئولان ارزشیابی خود را بروز دهند. «این مسائلی را که به من گفتید در یک همچو اتاق محدودی، بهتر این است که هر یک از آقایان که متکفل یک امری هستند وقتی کاری انجام می‌دهند بروند در رادیو بگویند و از مردم بخواهند که هر کس اشکالی دارد که مثلاً ما برخلاف می‌گوییم، بیایند اطلاع بدهند. در روزنامه‌ها اطلاع بدهند، خودشان بیایند در محضر عمومی اطلاع بدهند که این حرفی که ما راجع به برق زدیم، راجع به آسفالت زدیم، راجع به کارهای دیگر زدیم چنانچه مردم اعتقادشان این است که این طور نیست و کاری انجام نداده است جمهوری اسلامی، بلکه عقب رفته است از زمان طاغوت، هر که این ادعا را دارد، بیاید بگوید که ما در این مواردی که داریم می‌گوییم که «عمل کردیم»، بیایند بگویند که خیر، شما عمل نکردید» [۲۵].

از این رو، مسئولان موظفند گزارش‌های مستند و شفاف ارائه دهند تا مردم بتوانند خود درباره کارآمدی نظام قضاوت کنند. «مسئولان باید مردم را در قبال یک گزارش درست و متقن، مختار به قضاوت کنند تا مردم بتوانند کارآمدی نظام را به چشم ببینند و نسبت به آن قضاوت کنند» [۳۸].

۲-۴-۴. توانمند و شایسته تلقی کردن حاکمیت در حل مسائل

کارآمدی حکومت، هنگامی تثبیت می‌شود که مردم حاکمیت را توانا و شایسته برای رفع مشکلات زندگی خود ببینند. چنین ادراکی زمینه‌ساز اعتماد پایدار و مشارکت فعال مردم در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی است. «باید تصویر دولت در چشم مردم، تصویر یک گروه توانا و کارآمدی باشد که دارند تلاش می‌کنند. حالا البته انسان که تلاش می‌کند، همیشه موفق نمی‌شود؛ نفس اینکه دارند تلاش می‌کنند، کار می‌کنند، این برای مردم جذاب است» [۳۹].

۳-۴-۴. ادراک رفاه

یکی از ابعاد برجسته کارآمدی، میزان توانایی نظام در تأمین رفاه عمومی است. رهبران انقلاب تصریح کرده‌اند که حکومت اسلامی برای رفاه مردم و بهبود معیشت بنا شده است. «وضع حکومت اسلام یک همچو وضعی است. اداره‌اش برای رفاه مردم است، نظامش برای رفاه مردم است، رئیس‌جمهورش برای رفاه مردم است، نخست‌وزیرش برای رفاه مردم است» [۳۴].

در این چارچوب، دولت‌ها موظف‌اند زمینه‌های اشتغال، ثبات اقتصادی و کاهش فشار تورم را فراهم کنند تا مردم احساس آسایش و امنیت معیشتی داشته باشند. انتظار مردم از نظام سیاسی، رفاه، عدالت و کاهش تبعیض‌ها امری «به حق» معرفی شده است. «انتظار به حق مردم ما، این است که از یک اقتصاد شکوفا بر خوردار باشند، رفاه عمومی باشد، طبقه ضعیف از وضعیت غیرقابل قبول خارج بشود، از مشکلات نجات پیدا کند؛ اینها انتظارات مردم ما است و این انتظارات به حق است» [۴۰].

۴-۴-۴. ادراک مبارزه با فساد

هیچ معیاری به اندازه مبارزه با فساد در شکل‌گیری یا تخریب ادراک عمومی از کارآمدی نظام مؤثر نیست. امام خمینی هشدار داده بود که اگر ساختارها و نهادهای پس از انقلاب دچار همان فسادهای پیشین شوند، مردم نظام جدید را همسان رژیم گذشته تلقی خواهند کرد. اما اگر ما الان مدعی هستیم که اسلامی است رژیم ما ولی وقتی برویم سراغ بازار ببینیم بازار همان بازار سابق است، ربا همان ربای سابق است، چپاولگری همان چپاولگری سابق است، اجحاف و گرانفروشی فوق‌العاده همان است که سابق بود؛ برویم توی ادارات هم ببینیم همان اشخاص و همان وضع و همان نابسامانی آنجا هم هست؛ برویم در مثلاً دانشگاه ببینیم آنجا هم مسائل همان مسائل است؛ هر جا برویم همان مسائل باشد، این موجب این می‌شود که انعکاس پیدا بکند که رژیم فاسدی رفت، یک رژیم فاسدی جایش نشست» [۳۲].

آیت‌الله خامنه‌ای نیز به روشنی تأکید کرده‌اند که حساسیت مردم به فساد و تبعیض، نشانه‌ای از آگاهی اجتماعی و پایبندی به آرمان‌های انقلاب است. از این رو، مبارزه با فساد نه تنها مطالبه مردم، بلکه شرط حفظ و جاهدت قانونی و کارآمدی نظام است. «امروز مردم نسبت به فساد حساسند، نسبت به فاصله طبقاتی حساس‌تر از اول انقلابند؛ این چیز بدی نیست، این چیز بسیار خوبی است؛ این نشان‌دهنده آن است که مردم با آرمان‌های انقلاب آشنایند و دنبال آن آرمان‌هایند، لذا اعتراض می‌کنند؛ به فساد اعتراض می‌کنند و هر جایی که مبارزه با فساد باشد، مردم در آنجاها علاقه نشان می‌دهند و طرف‌داری نشان می‌دهند و دلگرمی نشان می‌دهند» [۴۱].

توجه دولت به ادراک مردم از مبارزه با فساد اهمیت دارد. لازم است به صورت مرتب نگاه و ارزشیابی مردم از مبارزه با فساد، احصا شود و در سیاست‌گذاری‌ها لحاظ شوند. ارزشیابی مردم‌محور به نظام حکمرانی نشان می‌دهد که چقدر دستگاه‌های مختلف توانسته‌اند در مبارزه با فساد موفق ظاهر شوند. براساس دریافت بازخورد مردم، می‌توان سیاست‌ها و ابزارهای مبارزه با فساد را اصلاح کرد.

۵-۴. پاسخ‌گویی به خواسته‌ها و مطالبات مردم

یکی از بنیان‌های محوری در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی که ارزشیابی مردم‌محور را تقویت می‌کند، اصل «پاسخ‌گویی به مردم» است. با توجه به اینکه مردم در نگاه رهبران انقلاب، صاحبان اصلی کشورند، مسئولان باید همواره خود را در جایگاه خدمت‌گزاری و پاسخ‌گویی در برابر آنان ببینند. پاسخ‌گویی به مطالبات عمومی، به معنای شفافیت، مسئولیت‌پذیری، انطباق دادن تصمیم‌ها با نیازهای واقعی جامعه و آمادگی برای پذیرش نقد و اصلاح است.

۱-۵-۴. پاسخ‌گویی

پاسخ‌گویی در گفتمان انقلاب اسلامی ضرورتی بنیادین برای بقای اعتماد عمومی است. رهبران انقلاب بارها تأکید کرده‌اند که مسئولان باید بخشی از وقت خود را به گزارش‌دهی به مردم اختصاص دهند. این گزارش‌دهی صرفاً بیان موفقیت‌ها نیست، بلکه شامل اعتراف به کاستی‌ها، ناکامی‌ها و حتی خطاها نیز می‌شود. مردم از نظر رهبران انقلاب، هم به تلاش و هم به صداقت مسئولان بها می‌دهند: «دو ستون درست کنید: کارها و خدماتی که انجام داده‌اید، کارهایی که انجام نداده‌اید، یا ناکام مانده‌اید در انجامش؛ این‌ها را با مردم در میان بگذارید و بدانید که مردم

قدر خدمت و قدر تلاش را می‌دانند. ما باید هم کارهای کرده خودمان و هم کارهای نکرده خودمان، یا درست نکرده خودمان را با صداقت در میان بگذاریم... این مسائل را برای مردم بیان کنید» [۴۲].

۲-۵-۴. شفافیت

شفافیت به عنوان یکی از کلیدواژه‌های مهم ارزشیابی مردمی، در گفتمان انقلاب اسلامی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. رهبران انقلاب بارها تأکید کرده‌اند که اطلاع‌رسانی صحیح، بهنگام و عمومی باید در اولویت باشد. شفافیت از یک سو موجب افزایش پاسخ‌گویی می‌شود و از سوی دیگر امکان مشارکت مردم در نقد و اصلاح سیاست‌ها را فراهم می‌سازد. به همین دلیل «اطلاعات باید عمومی بشود. باید شفاف‌سازی اطلاعات صورت بگیرد» [۴۳]. فقدان شفافیت باعث می‌شود که مردم احساس کنند غیر خودی و بیگانه هستند و طبیعی است که افراد غیر خودی، اجازه ارزشیابی عملکرد مسئولان نظام را ندارند. اما اگر شفافیت و انتشار اطلاعات وجود داشته باشد، زمینه ارزشیابی مردم محور فراهم می‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای، مناظرات انتخاباتی که شفافیت را افزایش می‌دهد را تأیید می‌کند: «در این مناظره‌ها و در این گفت‌وگوها و در این گفتارهای تلویزیونی، همه شفاف و راحت حرف زدند، حرف دلشان را بر زبان آوردند، یک سیلابی از نقد و انتقاد به راه افتاد و همه مجبور شدند پاسخ‌گویی کنند. به آنها انتقاد شد، آنها در مقام پاسخ‌گویی برآمدند و از خودشان دفاع کردند... مردم احساس کردند که در نظام اسلامی بیگانه به حساب نمی‌آیند، نظام کشور اندرونی و بیرونی ندارد» [۴۴].

شفافیت، زیرساخت اساسی ارزشیابی مردم محور است؛ بدون دسترسی آزاد به داده‌ها و اطلاعات، افکار عمومی قادر به داوری در مورد سیاست‌ها نیست. بنابراین، شفافیت نه فقط یک اصل اخلاقی، بلکه شرط معرفتی برای مشارکت مردم در ارزشیابی محسوب می‌شود.

۳-۵-۴. مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری در کنار پاسخ‌گویی، بخش مکمل این گفتمان است. از دیدگاه امام خمینی و رهبر انقلاب، مسئولان باید بپذیرند که در برابر مردم قابل سؤال و داوری هستند. این پذیرش، زمینه مهمی برای مشروعیت‌بخشی به «ارزشیابی مردم محور» است. دولت، مجلس و سایر نهادها نمی‌توانند و نباید قضاوت عمومی را نادیده بگیرند. «جوری باشد که دولت مسئولیت خودش را داشته باشد تا انسان بتواند سؤال کند از دولت؛ انسان از مجلس هم باید بتواند سؤال کند، در مورد مجلس [هم] بتواند قضاوت کند، داوری کند» [۴۵].

امام خمینی صریحاً بیان کرده‌اند که رئیس‌جمهور منتخب مردم در برابر تک‌تک کسانی که به او رأی داده‌اند مسئول است و باید پاسخ دهد: «شما جواب یکی یکی از این افرادی که به شما رأی دادند و شما را به عنوان رئیس‌جمهور اسلام، رئیس‌جمهوری کشور اسلامی تعیین کردند هر یک از اینها فردا می‌آیند شما را می‌گیرند، جواب از شما می‌خواهند» [۲۶] این سخن نشان می‌دهد که فارغ از دستگاه‌های نظارتی و نهادهای نمایندگی (مثل مجلس)، «یکی یکی از افراد» جامعه حق دارند از رئیس‌جمهور پاسخ بخواهند و دولت وظیفه دارد پاسخ‌گوی تک‌تک مردم باشد.

۴-۵-۴. انطباق تصمیم‌گیری‌ها با نیاز مردم

بر اساس اندیشه رهبران انقلاب اسلامی، باید برنامه‌ها و سیاست‌های کشور بر اساس مطالبات عمومی طراحی و اصلاح شود. امام خمینی تفاهم بین دولت و مردم را در صدر امور قرار می‌دهد: «آن چیزی که در رأس برنامه‌های دولت است تفاهم بین ملت و دولت [است] و آن هم نه اینکه هی بگوییم: «تفاهم داریم» شمایی که وزیر دارایی هستید، آن افرادی که می‌فرستید به اطراف، افرادی باشند که صالح باشند، افرادی باشند که با مردم بسازند؛... استاندارها [بی] که می‌فرستند، استاندارهایی باشند که با علما، با مردم بسازند، نه اینکه اختلاف پیدا کنند» [۲۶]. رهبر انقلاب نیز بارها گوشزد کرده‌اند که مطابق با نقد و نظر مردم، دستگاه‌ها باید اصلاح شوند: «همه دستگاه‌های کشور باید مورد نقد منصفانه قرار بگیرند و همه در جهت اهداف نظام و در چارچوب آن، رفتار خود را اصلاح کنند. دولت، مجلس، قوه قضائیه و سایر دستگاه‌هایی که در کشور هستند و مسئولیت‌های مهمی بر دوش آنهاست، همه مشمول این قاعده کلی هستند» [۴۶].

ارزشیابی مردم محور، به مسئولان کمک می‌کند که تصمیم‌هایی بگیرند که با نیاز و خواسته مردم منطبق باشد.

۴-۶. اقناع عمومی و تبیین سیاست‌ها

۴-۶-۱. گفت‌وگوی اجتماعی

در اندیشه امام خمینی (ره) و رهبر انقلاب اسلامی، گفت‌وگو با مردم صرفاً یک تاکتیک ارتباطی نیست، بلکه بخشی از فرایند حکمرانی مردمی است و جایگزینی ندارد. تأکید بر بیان مسائل اساسی برای افکار عمومی، آشنا کردن جامعه با نیازهای بنیادین و به کارگیری زبان اقناعی و اثرگذار، نشان‌دهنده درکی است که حکومت اسلامی برای پایدار ماندن نیازمند چرخه‌ای مستمر از تبیین، شنیدن و پاسخ‌گویی است. به بیان دیگر، تبیین نه یک اقدام مقطعی، بلکه یک وظیفه دائمی برای جلوگیری از انباشت سوء تفاهم‌ها و شکاف‌های ادراکی میان مردم و حکومت محسوب می‌شود: «تا آنجایی که ممکن است، با مردم مستقیم حرف بزنید... از طریق تلویزیون و با تماس‌های رودررو با مردم برای آنها توضیح بدهید. و البته این [کار] همیشه باید انجام بگیرد؛ این توضیح و تبیین مخصوص هفته دولت نیست، همیشه بایستی انجام بگیرد» [۴۷].

در چارچوب ارزشیابی مردم‌محور، گفت‌وگوی اجتماعی به معنای قرار دادن مردم در جایگاه «ذی‌نفعان اصلی سیاست» است.

۴-۶-۲. جلب همراهی مردم

در گفتمان انقلاب اسلامی، دولت به تنهایی قادر به حل مشکلات ملی نیست و حضور مردم در صحنه شرط موفقیت قلمداد می‌شود. این نگاه، برخلاف دولت‌های مدرن بوروکراتیک که بر «ظرفیت‌های نهادی» تکیه می‌کنند، بر «ظرفیت اجتماعی» متکی است. در این چارچوب، سیاست‌ها زمانی اجرایی می‌شوند که مردم خود را «شریک» در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بدانند. چنین نگاهی با ارزشیابی مردم‌محور همسو است که ارزیابی سیاست‌ها را بدون حضور فعال مردم ناقص می‌داند.

در ابتدای انقلاب که برای شکل‌دهی جدید حکومت تصمیم‌گیری می‌شد، امام خمینی (ره) از مسئولان خواستند که ضمن محترم شمردن آزادی انتخاب مردم، از آنها «تقاضا» کنند که به جمهوری اسلامی رأی دهند و بدون ملزم کردن مردم، آنها را با بیان مزیت‌های این شکل از حکومت، در انتخاب درست راهنمایی کنند. «الان وقت این است که ما فعالیت بکنیم برای اینکه این جمهوری اسلامی را پیاده کنیم و رأی از مردم [بگیریم] تقاضا کنیم از مردم که رأی بدهند به جمهوری اسلامی؛ و همه هم آزادند اما شما هدایت‌شان کنید. الزام نیست... مردم آزادند لکن شما هدایت کنید مردم را... شما معرفی کنید اسلام را، معرفی کنید حکومت اسلامی را، معرفی کنید احکام اسلام را. به آنها بفهمانید که اگر شما یک حکومت عدلی بخواهید، یک حکومت انصافی بخواهید، بخواهید که در رفاه باشید، بخواهید که فقرا را بخواهید، بخواهید که اغنیا به شما ظلم نکنند، بخواهید که دولت‌ها به شما ظلم نکنند، بخواهید که پاسبان‌ها دیگر نتوانند به شما ظلم کنند، ارتش نتواند به شما ظلم کند، اگر یک همچو [حکومتی] را بخواهید، رأی بدهید به جمهوری اسلامی» [۴۸]. حتی برای تصویب جمهوری اسلامی که حاصل خون هزاران شهید بود هم امام خمینی (ره) تأکید می‌کرد که بدون جلب همراهی مردم اقدامی نشود.

جلب همراهی مردم بدین معناست که سیاست‌ها نه تنها برای مردم، بلکه با نظر مردم اجرا می‌شوند. ارزشیابی مردم‌محور نیز در همین منطق عمل می‌کند: مردم بلکه شریک در تعریف شاخص‌ها و معیارهای ارزیابی‌اند.

۴-۶-۳. توضیح سیاست‌ها و اقناع افکار عمومی

اقناع افکار عمومی با تکیه بر توضیح صادقانه سیاست‌ها، یکی از راهبردهای کلیدی در عملیاتی شدن ارزشیابی مردمی است. در ارزشیابی مردم‌محور، «اقناع» فقط ابزار مدیریتی بحران نیست، بلکه بخش جدایی‌ناپذیر چرخه سیاستی است. زمانی که دولت‌ها سیاست‌های خود را توضیح می‌دهند و از مردم بازخورد می‌گیرند، در واقع به بازتعریف مستمر سیاست‌ها بر اساس ادراک عمومی تن می‌دهند.

رهبر انقلاب اسلامی نهادهایی که نسبت به اقناع مردم موفق بودند را تأیید و تشویق می‌کند: «الان مسئله انرژی اتمی مطرح است. افکار عمومی در این قضیه باید توجیه شود. شنیدم ظاهراً پریشب سیما برنامه خیلی خوبی داشته و با دست‌اندرکاران قضیه در تهران و وین تماس گرفته و موضوع را بررسی کرده است؛ این‌طور کارها بسیار مفید است. افکار عمومی باید در جریان مسائل قرار گیرد و به شکل صحیح و منطقی توجیه شود» [۴۹]. در مقابل، دستگاه‌هایی که در گفت‌وگو با مردم کم‌کاری می‌کنند و یا قادر به اقناع مردم نیستند را سرزنش می‌نماید: «ایرادی که من به این دولت وارد می‌کنم، این است که توضیح دادنشان به مردم کم است. این روابط عمومی‌های شما در بخش‌های مختلف باید فعال عمل

کنند. روابط عمومی شماسست که از رسانه ملی یا از مطبوعات می‌تواند استفاده بهینه بکند؛ یاد بگیرند راه بیان کردن را. گاهی انسان توضیح هم می‌دهد، بیان هم می‌کند؛ منتها بی‌فایده! چون نوع بیان، نوع بیان اثرگذار و باوربرانگیز نیست؛ حقیقت را درست روشن نمی‌کند. این یکی از نقص‌هاست که باید حتماً این نقیصه را جبران کنید» [۵۰].

۵. طراحی و تفسیر شبکه مضامین

در این بخش تلاش می‌شود با استفاده از مضمون‌های یافت‌شده در سخنان رهبران انقلاب اسلامی به یک شبکه مضامین^۱ برسیم. این شبکه مضامین می‌تواند روابط بین مضمون‌ها را مشخص کرده و تفسیری از یافته‌ها را در اختیار ما قرار دهد. در شبکه مضامین، روابط مضامین پایه،^۲ مضامین سازمان‌دهنده^۳ و مضامین فراگیر^۴ نشان داده می‌شود.

شکل ۳. مبانی ارزشیابی مردم‌محور در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی



مأخذ: یافته‌های پژوهش

1. Thematic Network
2. Basic Themes
3. Organizing Themes
4. Global Themes

مدل ارزشیابی مردم‌محور در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی را می‌توان به صورت یک شبکه مضمونی تبیین کرد که بر پایه سه رکن اصلی استوار است: تثبیت جایگاه مردم در نظام حکمرانی، انعکاس اجتماعی سیاست‌ها و تعهد دولت به تعامل مسئولانه با افکار عمومی. این سه رکن در پیوندی درونی و متقابل با یکدیگر، چارچوبی منسجم برای فهم و عملیاتی‌سازی ارزشیابی مردم‌محور در عرصه حکمرانی فراهم می‌آورند.

۵-۱. تثبیت جایگاه مردم در نظام حکمرانی

نقطه آغاز این مدل، جایگاه مردم به عنوان صاحبان اصلی انقلاب و حکومت است. در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی، مردم نه تنها مخاطب سیاست‌ها بلکه شریک و صاحب نقش در فرایند حکمرانی‌اند. این رویکرد به رسمیت شناختن منزلت اجتماعی مردم و تکریم شأن آنان در تصمیم‌گیری‌های کلان را ضروری می‌سازد. بدین معنا که مردم صرفاً پیرو یا تابع نیستند، بلکه کنشگران فعال و صاحب‌نظر در فرایند سیاستگذاری به شمار می‌آیند.

این جایگاه از دو منظر قابل توضیح است: نخست، مردم به مثابه صاحبان انقلاب، همان کسانی‌اند که با فداکاری و هزینه‌های سنگین نظام سیاسی را بنیان نهادند و بنابراین، سهمی بنیادین در تداوم و اصلاح آن دارند. دوم، حقوق مردم به عنوان شریک در حکمرانی؛ یعنی وجاهت قانونی نهادهای قدرت از پیوند مستمر با مردم ناشی می‌شود و هیچ نهادی نمی‌تواند خود را مستقل از اراده عمومی تعریف کند. به همین دلیل، حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت به عنوان مضمون فرعی در این بخش جای می‌گیرد. نظارت اجتماعی، نقد، عدالت‌خواهی، مطالبه‌گری و اجرای اصل امر به معروف و نهی از منکر همگی ابزارهایی هستند که از دل اندیشه رهبران انقلاب برای اعمال این حق عمومی استخراج می‌شود. این ابزارها نشان می‌دهند که حکومت باید در برابر مردم پاسخ‌گو باشد و نمی‌تواند خود را فراتر از نقد یا پرسشگری عمومی بداند.

۵-۲. انعکاس اجتماعی سیاست‌ها

گام دوم در این مدل، ناظر به آن است که سیاست‌ها و اقدام‌های دولت باید در ادراک و احساس مردم بازتاب یابند. در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی، ارزش و اعتبار سیاست‌ها نه فقط به نیت و طراحی آنها بلکه به احساس رضایت عمومی و ادراک مردم از کارآمدی حکومت وابسته است.

این بخش خود دو بُعد اساسی دارد:

احساس رضایت عمومی: شاخص‌هایی همچون رضایت مردم از خدمات عمومی، عدالت در توزیع منابع و سطح خدمت‌رسانی دولت معیارهایی‌اند که به صورت مستقیم در ارزیابی مردم از سیاست‌ها بازتاب پیدا می‌کنند. بی‌توجهی به این احساسات، به تعبیر رهبران انقلاب، می‌تواند پایه‌های اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی را تضعیف کند.

ادراک کارآمدی: مردم علاوه بر رضایت، باید حاکمیت را توانمند در حل مسائل بدانند. ادراک از توانایی حکومت در مدیریت بحران‌ها، مبارزه با فساد، ارتقای رفاه اجتماعی و تأمین نیازهای روزمره زندگی، بخش مهمی از سنجش کارآمدی محسوب می‌شود. در اینجا نیز آنچه اهمیت دارد نه صرفاً واقعیت عینی عملکرد، بلکه تصویری است که مردم از این عملکرد در ذهن خود شکل می‌دهند. اگر این تصویر مثبت باشد، اعتماد عمومی تقویت می‌شود؛ اما اگر تصویر ناکارآمدی غالب شود، مشروعیت سیاست‌ها و حتی ساختارها زیر سؤال می‌رود.

۵-۳. تعهد دولت به تعامل مسئولانه با افکار عمومی

رکن سوم این مدل تأکید دارد که دولت و نهادهای حکومتی تنها به دریافت و ثبت ارزیابی‌های مردمی بسنده نمی‌کنند، بلکه موظف‌اند براساس آن واکنش عملی نشان دهند. در واقع، ارزشیابی مردم‌محور در این مرحله از سطح شناخت به سطح کنش سیاسی ارتقا می‌یابد. این رکن نیز در دو مضمون اصلی قابل تفکیک است:



پاسخ‌گویی به خواسته‌ها و مطالبات مردم: دولت باید به مطالبات مردم پاسخ دهد و سیاست‌های خود را با نیازهای واقعی آنان تطبیق دهد. این امر مستلزم مسئولیت‌پذیری در برابر انتقادات و اصلاح فعال سیاست‌هاست. در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی، مسئولیت‌پذیری دولت نه یک انتخاب، بلکه یک الزام اخلاقی و شرعی است؛ چراکه مردم صاحبان حکومت‌اند و حاکمان صرفاً وکالت آنان را در اداره کشور بر عهده دارند. **اقتناع عمومی و تبیین سیاست‌ها:** تعامل مسئولانه تنها در پاسخ‌گویی خلاصه نمی‌شود، بلکه نیازمند اقتناع افکار عمومی است. دولت باید از طریق گفت‌وگوی اجتماعی، ارتباط مداوم با مردم، جلب همراهی آنان و شفاف‌سازی سیاست‌ها، فضای اعتمادسازی را تقویت کند. شفافیت در این معنا نه صرفاً اطلاع‌رسانی یک‌طرفه، بلکه قرار دادن مردم در جایگاه قضاوت‌کننده است؛ جایی که مردم بتوانند با اطلاعات کافی، درباره صحت و کارآمدی سیاست‌ها نظر دهند.

در مجموع، تحلیل شبکه مضمونی اندیشه رهبران انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که ارزشیابی مردم‌محور در اندیشه این رهبران یک سازوکار فرعی یا تکمیلی نیست، بلکه بخشی ذاتی از فرایند حکمرانی است. آغاز این الگو با تثبیت جایگاه مردم در حاکمیت است؛ ادامه آن در بازتاب اجتماعی سیاست‌ها و اهمیت یافتن ادراک و احساس عمومی تبلور می‌یابد؛ و سرانجام، در تعهد دولت به تعامل مسئولانه و اصلاح سیاست‌ها براساس بازخورد مردم به نقطه کمال می‌رسد.

از این منظر، ارزشیابی مردم‌محور تنها یک فرایند ارزیابی نیست، بلکه یک چرخه مستمر از شناسایی جایگاه مردم، توجه به ادراک آنان و اصلاح عملی سیاست‌هاست که هم‌جاهت قانونی و هم کارآمدی نظام را تضمین می‌کند. این چرخه اگر به‌درستی فعال بماند، می‌تواند الگویی متمایز از حکمرانی ایرانی-اسلامی را به نمایش بگذارد که در آن مردم نه صرفاً مخاطب، بلکه قاضی و شریک واقعی حکومت‌اند.

۶. جمع‌بندی و پیشنهادها

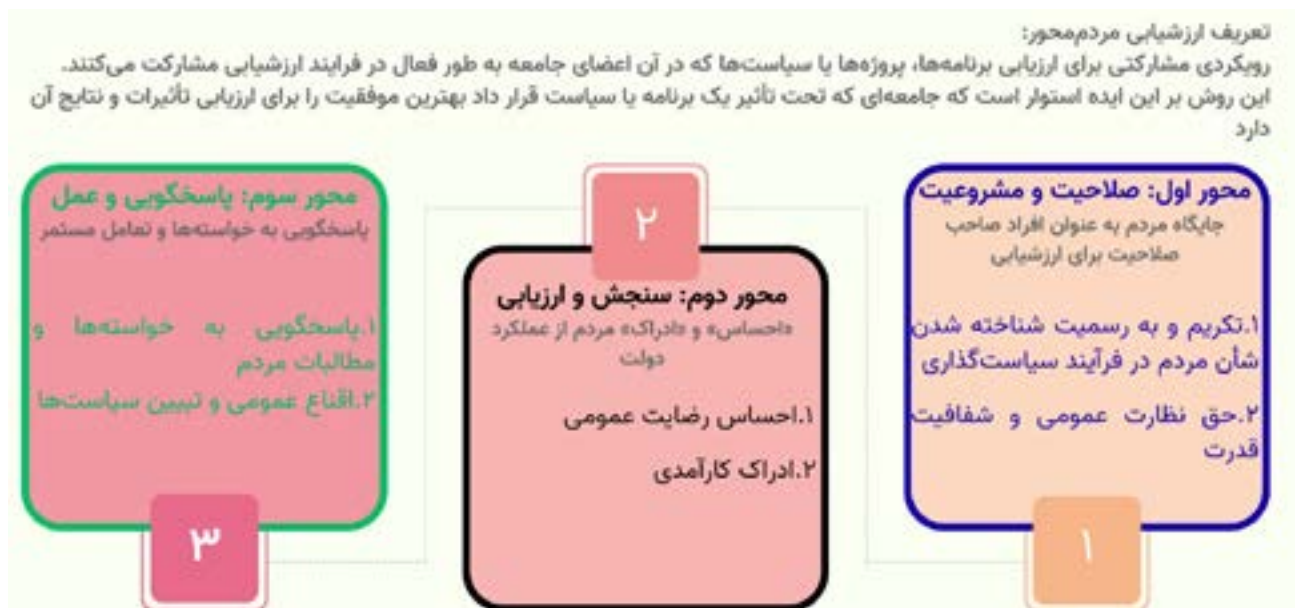


ارزشیابی مردم‌محور در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی نه صرفاً یک ابزار فنی برای سنجش سیاست‌ها، بلکه بخشی از ماهیت حکمرانی مردمی و اسلامی به شمار می‌رود. مردم در این الگو، نه تنها مخاطب سیاست‌ها، بلکه صاحبان اصلی حکومت و داور نهایی عملکرد آن هستند. از این منظر، ارزش و مشروعیت سیاست‌ها در گرو آن است که بتوانند رضایت، اعتماد و همراهی عمومی را جلب کنند و در صورت مواجهه با بازخورد منفی، مسیر اصلاح و بازنگری را بپذیرند.

در این چارچوب، ارزشیابی مردم‌محور به مثابه یک **کنش سیاسی و اجتماعی** عمل می‌کند که شفافیت، پاسخ‌گویی و عدالت را تقویت کرده و سرمایه اجتماعی نظام را بازتولید می‌کند. تحلیل اندیشه رهبران انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که تحقق این نوع ارزشیابی نیازمند سه سطح اقدام مکمل است: تقنین، نظارت و سیاست‌گذاری اجرایی. هر یک از این سطوح اگر به‌طور هماهنگ و در تعامل عمل کنند، می‌توانند ارزشیابی مردم‌محور را به یک رکن نهادی پایدار در حکمرانی ایرانی-اسلامی بدل کنند.

1. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1049795>.

شکل ۴. مدل مفهومی ارزشیابی مردم‌محور در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی



مأخذ: همان.

پیشنهادهای

با توجه به مبانی نظری و تحلیلی پیشین و براساس اندیشه رهبران انقلاب اسلامی در خصوص جایگاه مردم در حکمرانی، می‌توان مجموعه‌ای از توصیه‌های سیاستی را برای ارتقای نظام ارزشیابی مردم‌محور در کشور ارائه داد. این توصیه‌ها با هدف تقویت کارآمدی و جاهت قانونی و سرمایه اجتماعی نظام حکمرانی تنظیم شده و می‌تواند به عنوان نقشه راه عملیاتی در سطوح مختلف سیاست‌گذاری مورد استفاده قرار گیرد:

۱. پیشنهادهای تقنینی

استقرار یک نظام ارزشیابی مردمی در قوانین کشور جهت انجام این گونه از ارزشیابی‌ها در دستگاه‌های اجرایی، اضافه کردن موادی در آیین‌نامه داخلی مجلس جهت ایجاد سازوکار ارزشیابی مردمی قوانین، پیش‌بینی سازوکارهای حقوقی برای مشارکت مستقیم و غیرمستقیم مردم در فرایندهای ارزیابی و اصلاح سیاست‌ها، تدوین آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های الزام‌آور برای نهادهای اجرایی در خصوص گردآوری، تحلیل و انتشار داده‌های افکار عمومی و اجتماعی با رعایت قوانین و مقررات موجود، اختصاص بودجه و منابع لازم برای اصلاحات اجرایی مبتنی بر مطالبات و انتظارات مردم.

۲. پیشنهادهای نظارتی

طراحی و سنجش شاخص‌های ارزشیابی مردمی اعم از «سطح پاسخ‌گویی» و «اقناع افکار عمومی» در چارچوب ارزیابی‌های رسمی مجلس از عملکرد دولت، برگزاری جلسات ادواری با حضور نمایندگان دستگاه‌های اجرایی جهت ارائه گزارش‌های شفاف از بازخوردهای مردمی،

فعال‌سازی کمیسیون‌های تخصصی مجلس در رصد وضعیت رضایت عمومی و پیگیری تعهد دولت به اصلاح سیاست‌ها بر اساس بازخورد مردمی،

تقویت ظرفیت‌های تشکل‌های مردمی برای ایفای نقش در فرایندهای ارزیابی، با حمایت قانونی و منابع کافی،
نهادینه‌سازی سازوکارهای عدالت‌خواهی مردمی و گنجاندن آن در فرایندهای نظارتی رسمی به‌عنوان بخشی از سلامت حکمرانی.

۳. پیشنهادهای سیاستی

توسعه مدل‌ها و روش‌های ارزشیابی مردمی در راستای سنجش ادراک و رضایت عمومی،
تقویت ظرفیت‌های نهادی دولت برای تحلیل و به‌کارگیری ارزشیابی مردمی در اصلاح و بازطراحی سیاست‌ها،
ایجاد شبکه‌های ارتباطی و گفت‌وگوی اجتماعی میان دولت، نخبگان و مردم برای اقناع عمومی و جلب همراهی اجتماعی در اجرای سیاست‌ها،

نهادینه‌سازی رویکرد ارزشیابی مردمی در شوراها و نهادهای مردمی موجود،
ارتقای شفافیت و پاسخ‌گویی در نظام حکمرانی از طریق الزام دستگاه‌های اجرایی و نهادهای عمومی به انتشار منظم گزارش‌های عملکردی شفاف و قابل فهم برای عموم مردم،

فراهم‌سازی بسترهای نهادی برای نقد و مطالبه‌گری مردم، به‌گونه‌ای که مسئولان ملزم به پاسخ‌گویی عمومی باشند،
لحاظ کردن شاخص‌های ارزشیابی مردمی اعم از «رضایت عمومی» و «ادراک از کارآمدی» در ارزیابی عملکرد سازمان‌ها و دستگاه‌های حکومتی،

تقویت رویکردهای «سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد» به‌گونه‌ای که داده‌های مربوط به احساسات و قضاوت مردم در فرایند تصمیم‌گیری و ادامه یافتن سیاست‌ها لحاظ شود،

توسعه ظرفیت‌های مدیریتی برای انطباق سریع سیاست‌ها با تغییرهای در نیازها و ادراکات عمومی،
طراحی و اجرای راهبردهای ارتباطی شفاف از سوی دولت و نهادهای حاکمیتی، به‌گونه‌ای که سیاست‌ها برای مردم تبیین و اقناع شوند،
نهادینه‌سازی فرهنگ گفت‌وگوی اجتماعی، از طریق برگزاری نشست‌های مردمی، گفت‌وگوهای تلویزیونی و رسانه‌ای و ایجاد فضاهای مجازی مشارکتی،

اجتناب از مصادره جناحی یا تبلیغاتی بازخوردهای مردمی و تلاش برای ارائه تصویری واقعی از ارزشیابی‌های مردمی.

جدول ۲. پیشنهاد توصیه سیاستی

ردیف	نوع توصیه		توصیه سیاستی	الزام‌ها و قیود اجرایی	دستگاه متولی	دستگاه معین	زمان‌بندی اجرا (کوتاه‌مدت، میان‌مدت، بلندمدت)	ملاحظات
	اصلاح	تداوم						
	✓		استقرار نظام ارزشیابی مردمی در دستگاه‌های اجرایی		سازمان اداری استخدامی		میان‌مدت	
			گنجاندن ارزشیابی مردمی قوانین در آیین‌نامه داخلی مجلس		مجلس شورای اسلامی		میان‌مدت	
	✓		الزام نهادهای اجرایی به انتشار دوره‌ای داده‌های افکار عمومی و رضایت مردمی		هیئت دولت، مرکز آمار ایران وزارت کشور		کوتاه‌مدت	
	✓		تدوین آیین‌نامه مشارکت مردمی در ارزیابی برنامه‌ها و طرح‌های ملی		معاونت حقوقی ریاست جمهوری وزارت کشور		میان‌مدت	
	✓		گنجاندن شاخص «پاسخ‌گویی و اقتناع عمومی» در ارزیابی سالیانه عملکرد دولت		مرکز پژوهش‌های مجلس، دیوان محاسبات کشور		میان‌مدت	
	✓		تقویت ظرفیت‌های تشکلی مردمی برای ایفای نقش در فرایندهای ارزیابی		نهاد ریاست جمهوری وزارت کشور		بلندمدت	
	✓		طراحی سامانه بازخورد ملی مردم برای دریافت و تحلیل قضاوت‌های اجتماعی در باره سیاست‌ها		نهاد ریاست جمهوری وزارت کشور		بلندمدت	
	✓		الزام دستگاه‌ها به گزارش‌دهی شفاف فصلی به مردم از اقدام‌ها و خطاها		هیئت دولت، سخنگوی دولت، روابط عمومی وزارتخانه‌ها		میان‌مدت	
	✓		تعریف بودجه مستقل برای برنامه‌های اصلاحی بر اساس بازخورد مردم		سازمان برنامه‌بودجه		کوتاه‌مدت	
	✓		تقویت کمیسیون اصل نود و کمیسیون اجتماعی مجلس در رصد رضایت و مطالبه‌گری مردمی		مجلس شورای اسلامی		کوتاه‌مدت	
	✓		ایجاد بانک داده رضایت عمومی برای تحلیل روند اعتماد و نارضایتی		مرکز آمار ایران، شورای اطلاع‌رسانی دولت		بلندمدت	
	✓		پشتیبانی حقوقی از تشکلی‌ها و انجمن‌های مردمی ارزیاب عملکرد دولت		وزارت کشور، قوه قضائیه		کوتاه‌مدت	
	✓		الزام صداوسیما به پخش مناظره‌ها و گفت‌وگوهای اقلیتی در باره سیاست‌های عمومی		سازمان صداوسیما		کوتاه‌مدت	
	✓		اجرای برنامه گفت‌وگوی ملی میان دولت و مردم با حضور گروه‌های متکثر اجتماعی		شورای عالی انقلاب فرهنگی		کوتاه‌مدت	
	✓		گنجاندن شاخص‌های «عدالت در خدمات» و «رضایت عمومی» در ارزیابی عملکرد مدیران		سازمان امور اداری و استخدامی کشور		میان‌مدت	
	✓		الزام نهادهای به انتشار عمومی داده‌های شفاف درباره بودجه و هزینه‌ها		وزارت اقتصاد، سازمان برنامه‌بودجه		کوتاه‌مدت	

مأخذ: همان.

* تداوم یا تقویت آیتم‌ها یا اقدامات
** اصلاح رویه‌ها یا ایجاد سازوکارها



جدول ۳. تحلیل مضمون سخنان رهبران انقلاب اسلامی با محوریت ارزشیابی مردم‌محور [۵۱]، [۵۲]

مضمون پایه‌ای	سازمان‌دهنده	جملات رهبران انقلاب اسلامی
مردم به مثابه صاحبان انقلاب	تکریم و به رسمیت شناخته شدن شأن مردم در فرایند سیاستگذاری	این کلمه فرماندار، مال وقتی است که فرمان باشد و فرمانبر باشد و برادری نباشد و طبقه‌ای طاغوتی باشد، مردم دیگر فرمانبردار آنها، در صورتی که در اسلام مطرح نیست.
مردم به مثابه صاحبان انقلاب	تکریم و به رسمیت شناخته شدن شأن مردم در فرایند سیاستگذاری	از این قرار، عدم دخالت ملت از مراجع و علمای بزرگ تا طبقه بازاری و کشاورز و کارگر و کارمند، همه و همه مسئول سرنوشت کشور و اسلام می‌باشند؛ چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آتی؛ و چه بسا که در بعضی مقاطع، عدم حضور و مسامحه، گناهی باشد که در رأس گناهان کبیره است.
مردم به مثابه صاحبان انقلاب	تکریم و به رسمیت شناخته شدن شأن مردم در فرایند سیاستگذاری	ما بین راهیم. آقا، سستی نکنند ملت ما. اگر وکلاشان خواستند برخلاف اسلام عمل بکنند، مردم مختار ندکه وکلا را عزّالشان بکنند، بریزندشان دور. آنها خیال می‌کنند که نه، این خلاف آرادی است. شما دارید دیکتاتوری می‌کنید! شما دارید در مقابل ملت می‌ایستید.
مردم به مثابه صاحبان انقلاب	تکریم و به رسمیت شناخته شدن شأن مردم در فرایند سیاستگذاری	اگر هم یک وقتی فرض کنید اول صالح بود و قرار دادند بعد وقتی که رسید به [قدرت] چه بشود، نتواند. برای اینکه همین رئیس‌جمهور دست مردم است اختیارش؛ هر روزی مردم گفتند نه، نه می‌شود.
مردم به مثابه صاحبان انقلاب	تکریم و به رسمیت شناخته شدن شأن مردم در فرایند سیاستگذاری	امتیاز بزرگ انقلاب ما این است که تکیه‌اش به مردم بوده است. حل مشکلات هم - از هر نوعی باشد - فقط در سایه ملت ممکن خواهد شد. علت این هم که دشمن تاکنون نتوانسته به این کشور و این نهضت آسیبی وارد کند، همین است که مردم پشتوانه واقعی انقلابند.
مردم به مثابه صاحبان انقلاب	تکریم و به رسمیت شناخته شدن شأن مردم در فرایند سیاستگذاری	یکی دیگر از مبانی، محور بودن مردم است که وقتی ما مردمی بودن را و محور بودن مردم را با اسلام همراه می‌کنیم، ترکیب آن می‌شود جمهوری اسلامی؛ جمهوری اسلامی یعنی این: مردم محورند، مقاصد برای مردم است، هدف‌ها متعلق به مردم است، منافع مال و ملک مردم است، اختیار در دست مردم است؛ اینها مردمی بودن است؛ رأی مردم، خواست مردم، حرکت مردم، عمل مردم، حضور مردم و شرافت مردم در نظام جمهوری اسلامی. این یکی از آن مبانی است و به معنای واقعی کلمه باید به این معتقد بود.
مردم به مثابه صاحبان انقلاب	تکریم و به رسمیت شناخته شدن شأن مردم در فرایند سیاستگذاری	نظام اسلامی یک نظام بوروکراتیک جدای از مردم نشسته در کاخ‌ها و قصرها نیست؛ نظامی است از خود مردم تشکیل یافته، متکی به آحاد مردم و به ایمان مردم و به محبت و عواطف مردم است؛ این نظام اسلامی است.
مردم به مثابه صاحبان انقلاب	تکریم و به رسمیت شناخته شدن شأن مردم در فرایند سیاستگذاری	اعتقاد به مردم و به معنای حقیقی کلمه احترام برای آن مردم و افکار مردم و تشخیص مردم قائل بود؛ ممکن بود آن چیزی را که مردم انتخاب می‌کنند، مورد نظر امام در یک موردی هم نباشد اما در عین حال برای آن مردم احترام قائل بود، آنها را محترم می‌شمرد، این هم یکی از چیزهاست. امام در مورد مردم به اینها هم اکتفا نکرد، مردم را ولی نعمت مسئولان معرفی کرد؛ مکرر امام ذکر کردند که این مردم ولی نعمت ما هستند؛ مواردی خود را خادم ملت معرفی کرد؛ می‌گفت: اگر به من خادم ملت بگویند بهتر از این است که رهبر بگویند.
مردم به مثابه صاحبان انقلاب	تکریم و به رسمیت شناخته شدن شأن مردم در فرایند سیاستگذاری	رئیس‌جمهوری که بخواهد سلطنت کند به این مملکت، خود مردم باید جلویش را بگیرند. مجلسی که بخواهد قدرتمندی نشان بدهد و آن مسائلی که سابق و آن افرادی که سابق در مجلس بودند آن کارها را بکنند، خود مردم باید جلویش را بگیرند؛ اگر مردم بخواهند که اسلام را حفظ کنند، جمهوری اسلامی را حفظ کنند، دولت و مجلس و رئیس‌جمهور و اینها را حفظ‌شان کنند؛ یعنی، حفظ کنند از اینکه - خدای نخواست - یک وقت قدمی از آن ور بردارند.

جملات رهبران انقلاب اسلامی	مضمون پایه‌ای	سازمان‌دهنده
باید جوری باشید که مردم مثل مادر شما را در آغوش بگیرند. الان این جورند مردم، این را حفظش کنید. مملکت‌تان با این ترتیب حفظ خواهد شد. هر روزی برای مملکت مشکل پیدا می‌شود، حالش خود مردم [باشند] الان این مشکلی برای کشور ما پیدا شده، خوب مردم دارند کمک می‌کنند. حالش خود این مردم هستند. این پشتیبانی‌های عظیمی که مردم می‌کنند و آن حضوری که خودشان دارند و خودشان هست.	منزلت اجتماعی مردم	تکریم و به رسمیت شناخته شدن شأن مردم در فرایند سیاستگذاری
دخالت در امور سیاسی سالم و اجتماعی، یک وظیفه است در این حکومت اسلامی.	منزلت اجتماعی مردم	تکریم و به رسمیت شناخته شدن شأن مردم در فرایند سیاستگذاری
همه آن توطئه‌ها و دشمنی‌ها و خیانت‌ها که ذکر شد، در مقابل اراده و عزم ملت‌ها، پوچ و هیچ است. هیچ کار نمی‌توانند بکنند، این، دولت‌ها هستند که آسیب‌پذیرند؛ آن هم دولت‌هایی که به مردم متکی نباشند. دولت‌ها هم، اگر به مردم متکی باشند، مثل دولت‌های جمهوری اسلامی خواهند شد که مشاهده کرده‌اید، بحمد الله محکم و قوی بودند. دولت‌هایی که به مردم خوشان متکی نیستند، آسیب‌پذیرند و مجبورند با امثال امریکا بسازند، برای این که بمانند! اما ملت‌ها و دولت‌های متکی به ملت‌ها، آسیب‌پذیر نیستند.	منزلت اجتماعی مردم	تکریم و به رسمیت شناخته شدن شأن مردم در فرایند سیاستگذاری
و اما آن نکاتی که مورد نظر من است؛ چند نکته را عرض می‌کنم. مهم‌ترین نکته این است که انتخابات نشان‌دهنده حضور مردم در صحنه است. «حضور مردم در صحنه» یعنی چه؟ یعنی نظام جمهوری اسلامی پشتوانه مردمی دارد. این، در اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران و اقتدار کشور تأثیر بی‌نظیری دارد؛ یعنی هیچ چیزی، هیچ ابزار قدرتی به اندازه حضور مردم، قدرت‌افزای برای کشور نیست.	منزلت اجتماعی مردم	تکریم و به رسمیت شناخته شدن شأن مردم در فرایند سیاستگذاری
حضور شما به کشور آبرو داده است، هر جا حضور مردم لازم است – حالا چه بیست و دوم بهمن، چه روز قدس، چه در قضایایی مثل نهم دی و امثال اینها – مردم حاضر می‌شوند؛ آبرو دادید به [کشور]. در انتخابات، در راهپیمایی‌ها، در هر جا که حضور مردمی لازم بوده است، حضور مردم توانسته است [تأثیر بگذارد]؛ آبروی کشور را شما حفظ کردید.	منزلت اجتماعی مردم	تکریم و به رسمیت شناخته شدن شأن مردم در فرایند سیاستگذاری
جمهوری اسلامی – که از انقلاب اسلامی برخاسته است – یک واحدی است که دارای دو بعد است: اسلامی بودن و مردمی بودن؛ هم اسلامی است، هم مردمی است و مردمی است، چون اسلامی است؛ چون اسلام دین جامعه است. دین مسئولیت همگانی است؛ اسلام دین تک‌تک افراد و اشخاص به حیث خودشان فقط نیست؛ آن هم هست، اما افراد به حیث اجتماع‌شان هم مورد خطاب اسلامند. اسلام یک دین مردمی است؛ یک دین مسئولیت عمومی است؛ بنابراین مردمی بودن از خود اسلامی بودن برمی‌آید.	منزلت اجتماعی مردم	تکریم و به رسمیت شناخته شدن شأن مردم در فرایند سیاستگذاری
مسئله اصلی، کلید اصلی، اینجا است: حضور مردم در همه مسائل، حل‌کننده مشکلات است. آن چیزی که حضور مردم را تأمین بکند، مردم را تشویق به حضور در عرصه و در میدان بکند – میدان‌های مختلف مورد ابتلای کشور – مغتنم است و حضور مردم هیچ جایگزین دیگری ندارد؛ هنر اصلی انقلاب هم همین بود؛ هنر اصلی انقلاب این بود که جمهور مردم را از یک مجموعه و توده منفعل و مرفی و فاقد یک نگاه ملی و عمومی، تبدیل کرد به یک مجموعه پراکنجه، علاقه‌مند، همت‌دار، هدف‌دار، آرمان‌خواه و وارد میدان کرد؛ کار بزرگ انقلاب این بود.	منزلت اجتماعی مردم	تکریم و به رسمیت شناخته شدن شأن مردم در فرایند سیاستگذاری
مردم در تشکیل این نظام، در بر روی کار آوردن مسئولان این نظام نقش دارند، پس مردم احساس مسئولیت می‌کنند؛ مردم برکنار نیستند... مردمی است، یعنی باید به عقاید مردم، به حیثیت مردم، به هویت مردم، به شخصیت مردم، به کرامت مردم اهمیت گذاشته بشود. این‌ها مردمی است.	منزلت اجتماعی مردم	تکریم و به رسمیت شناخته شدن شأن مردم در فرایند سیاستگذاری
این قانون اساسی‌ای که الان بنا هست بر آن، دو دفعه در اختیار مردم است: یک دفعه اینکه مردم این اشخاصی را که اطلاعات دارند از قوانین، اطلاعات دارند از اسلام، اطلاعات دارند از آن، برای مردم هستند، دلسوزند برای مردم، امین هستند، یک همچو اشخاصی را تعیین کنند برای بررسی قانون اساسی و درست کردن و این طور چیز هایش. به این اکتفا نکنند، باز یک دفعه دیگر در اختیار مردم بگذارند که حالا بعد از اینکه نمایندگان شما این را تصویب کردند، یا تصدیق کردند به اینکه این بسیار خوب است و صحیح است و موافق با اسلام است و موافق با مصلحت کشور است، ثانیاً بیایند به مردم بگویند آقا – اینی که – کسانی که شما تعیین کردید، تأیید کردند، بیایند خودتان هم باز بفرمایید [رای بدهید] در دنیا یک همچو چیزی نیست.	شریک در حکمرانی	تکریم و به رسمیت شناخته شدن شأن مردم در فرایند سیاستگذاری

سازمان‌دهنده	مضمون پایه‌ای	جملات رهبران انقلاب اسلامی
تکریم و به رسمیت شناخته شدن شأن مردم در فرایند سیاستگذاری	شریک در حکمرانی	باید مردم خودشان یک کسی را تعیین کنند. مثلاً- فرض کنید که- یک وکیلی را تعیین کنند برایشان کار بکند. باید مردم خودشان یکی را تعیین کنند که او دخالت کند در امورشان؛ هر وقت او را نخواستند، بگویند برو گم شو. یک رژیمی که این طور استقرار دارد اگر انسان فهمید به اینکه، هر آدمی بفهمد که هر کاری بکند دیگر از دست مردم خارج است که بگویند برو، دیگر هست او تا آخر. سلطنت این طوری است که یک کسی که سلطان شد دیگر هست او، بیخ ریش مردم هست.
تکریم و به رسمیت شناخته شدن شأن مردم در فرایند سیاستگذاری	شریک در حکمرانی	بدون پشتیبانی مردم نمی‌شود کار کرد و پشتیبانی هم به این نیست که مردم الله اکبر بگویند این پشتیبانی نیست. پشتیبانی این است که همکاری کنند، همکاری این است که در تجارت همکاری کنند، شما مجال به آنها بدهید همکاری کنند.
تکریم و به رسمیت شناخته شدن شأن مردم در فرایند سیاستگذاری	شریک در حکمرانی	خطر بزرگ برای کشور ما جدا شدن از مردم است؛ جدا شدن از ارزش‌های اسلامی است؛ جدا شدن از خط مبارک امام است؛ اینها برای کشور ما خطر است. اگر این استخوان‌بندی محکم که انقلاب به وجود آورد حفظ بشود، خیلی از مشکلات را در گوشه و کنار در طول زمان می‌شود ترمیم کرد. نگذارید این استخوان‌بندی محکم شکسته بشود، که اگر شکسته شد، هیچ زخمی هم دیگر در مان پیدا نخواهد کرد، هیچ گوشه خرابی هم دیگر ترمیم نخواهد شد.
تکریم و به رسمیت شناخته شدن شأن مردم در فرایند سیاستگذاری	شریک در حکمرانی	اعتماد به مردم، عقیده واقعی به مشارکت مردم. بعضی‌ها اسم مردم را می‌آورند؛ اما حقیقتاً اعتقادی به مشارکت مردم ندارند. بعضی اسم مردم را می‌آورند؛ اما به مردم اعتماد ندارند. بنای جمهوری اسلامی بر اعتماد به مردم و اعتقاد به مشارکت مردم است.
تکریم و به رسمیت شناخته شدن شأن مردم در فرایند سیاستگذاری	شریک در حکمرانی	ما باید به این قشرهای توده مردم که بی‌توقع به کشور خدمت می‌کنند و به همه شما هم دارند خدمت می‌کنند به آنها اقتدا بکنیم و خودمان را اصلاح بکنیم.
تکریم و به رسمیت شناخته شدن شأن مردم در فرایند سیاستگذاری	شریک در حکمرانی	دولت چنانچه کار را تذکر داده ام بی‌شرکت ملت و توسعه بخش‌های خصوصی جوشیده از طبقات محروم مردم و همکاری با طبقات مختلف مردم با شکست مواجه خواهد شد.
تکریم و به رسمیت شناخته شدن شأن مردم در فرایند سیاستگذاری	شریک در حکمرانی	اگر فایده‌ای از این جمهوری اسلامی نداشتیم الا همین حضور ملت به همه قشر‌هایش در صحنه و نظارت همه قشر‌ها در امور همه، این یک معجزه‌ای است که جای دیگر من گمان ندارم تحقق پیدا کرده باشد و این یک هدیه الهی است که بدون اینکه دست‌های بشر در آن دخالت داشته باشند خدای تبارک و تعالی به ما اعطا فرموده است و ما باید قدر این نعمت را بدانیم؛ و اقتدا کنیم به این زن‌ها و بانوان و بچه‌های پشت جبهه و آنهایی که در خود شهرهای مخرابه و نیمه مخرابه حاضرند. ماها باید از اینها اخلاق اسلامی و ایمان و توجه به خدا را یاد بگیریم. ماها ممکن است کارهایی که حتی خیلی هم مفید است، برای جامعه بکنیم، لکن برای خودمان مفید نباشد. ممکن است که ماها کارهایی انجام بدهیم که به صلاح جامعه است و جامعه از آن استفاده کند و جامعه را به پیش ببرد، لکن ما را به عقب ببرد و در پیشگاه خدای تبارک و تعالی نه اینکه اجری نبریم، بلکه انحطاط پیدا بکنیم.
حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت	نظارت اجتماعی	حالا بحمد الله آن مسائل گذشته است و باید همه زن‌ها و همه مردها در مسائل اجتماعی، در مسائل سیاسی وارد باشند و ناظر باشند. هم به مجلس ناظر باشند، هم به کارهای دولت ناظر باشند، اظهار نظر بکنند. ملت باید الان همه‌شان ناظر امور باشند، اظهار نظر بکنند در مسائل سیاسی، در مسائل اجتماعی، در مسائلی که عمل می‌کند دولت، استفاده بکنند، اگر یک کار خلاف دیدند.
حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت	نظارت اجتماعی	خود ملت این را تعیین می‌کنند، این نظارت می‌کند بر اینکه مبدا خیانت بشود.
حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت	نظارت اجتماعی	ما اگر فایده‌ای از این جمهوری اسلامی نداشتیم الا همین حضور ملت به همه قشر‌هایش در صحنه و نظارت همه قشر‌ها در امور همه، این یک معجزه‌ای است که جای دیگر من گمان ندارم تحقق پیدا کرده باشد.

جملات رهبران انقلاب اسلامی	مضمون پایه‌ای	سازمان‌دهنده
ملت اگر نظارت نکنند در امور دولت و مجلس و همه چیز، اگر کنار بروند، بسپارند دست اینها و بروند مشغول کارهایشان بشوند، ممکن است یک وقت به تباهی بکشد. ما باید ناظر باشیم به امور مردم. ما باید، ملت باید ناظر باشد به اموری که در دولت می‌گذرد، اموری که - فرض کنید که - در مجلس می‌گذرد.	نظارت اجتماعی	حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت
همه جاهایی که یک عضوی از اعضای ادارات دولتی یا دولت، عضوی از اعضای دولت تکفل می‌کنند، مردم موظفند که نظارت کنند در آن. آنهایی که می‌روند آنجا برای گرفتاری‌هایی که مثلاً دارند، محاکماتی که دارند، می‌روند در کلاتری‌ها، می‌روند در نظمیه، می‌روند در - عرض می‌کنم - دادگستری و امثال اینها، خودشان باید ناظر باشند که چه می‌گذرد.	نظارت اجتماعی	حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت
آگاهی مردم و مشارکت و نظارت و همگامی آنها با حکومت منتخب خودشان، خود بزرگترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه خواهد بود.	نظارت اجتماعی	حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت
من دیدم در یکی از این روزنامه‌ها، از مردم مؤمن - حزب الهی، بسیجی و غیره - خواسته شده که اگر شما به یک جایی دست پیدا کردید و اطلاع پیدا کردید که مثلاً احتکار کرده‌اند، بیایید خبر بدهید. بله، خیلی فکر خوبی است؛ درست است؛ خیلی از این کارهایی که انجام گرفته است، با کمک آحاد مردم [بوده].	نظارت اجتماعی	حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت
از ظرفیت مردمی هم برای نظارت عمومی استفاده کنند. در گوشه و کنار کشور مواردی هست که فساد هست و بزه‌خواری هست که ممکن است از چشم مسئولان ذی‌ربط دور مانده باشد، پنهان مانده باشد؛ اینها را مردم مشاهده می‌کنند، می‌بینند؛ از ظرفیت مردم در این زمینه هم استفاده بشود.	نظارت اجتماعی	حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت
حضرت امام (رحمه‌الله‌علیه) فرمودند: «نگذارید به دست ناهلان بیفتد». بی‌تردید امر امام و کلام امام، یک امر دوسویه است. از سویی همه مسئولان و همه برنامہ‌سازان جامعه را نشانه می‌رود تا آنها در انتخاب تدبیرها و در انتصاب مدیرها به این معنا توجه کنند که هیچ چیزی از اجزای انقلاب، به دست ناهلان نیفتد. امر حضرت امام از سویی دیگر هم متوجه مردم و آحاد جامعه است. مردم جامعه ما با حضور خود در عرصه‌های مختلف سیاسی - اجتماعی، با نظارت دقیق، با حمایت همه‌جانبه و بلکه در جهات و زمینه‌هایی که لازم است، با دخالت‌ها و هدایت‌های به‌جا، باید همه را متوجه مسئولیت‌های خود کنند.	نظارت اجتماعی	حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت
به مسئولان کشور در سه قوه این را تأکید می‌کنم که آنها هم باید با منتقدان خود و با کسانی که از آنها انتقاد می‌کنند رفتار مناسبی داشته باشند، آنها را تحقیر نکنند، به آنها اهانت نکنند؛ تحقیر مخالفان از سوی مسئولان، خلاف تدبیر و خلاف حکمت است. من مردم عزیزمان را به بی‌تفاوتی دعوت نمی‌کنم، به نظارت نکردن دعوت نمی‌کنم؛ آنها را به اهتمام در مسائل اساسی کشور دعوت می‌کنم؛ اما امرار می‌کنم که بر خوردها نه از سوی مردم نسبت به مسئولان و نه از سوی مسئولان نسبت به منتقدان، تخریبی نباید باشد؛ نه تحقیر باشد، نه اهانت باشد.	نظارت اجتماعی	حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت
جامعه فردا، جامعه ارز یاب و منتقدی خواهد بود که در آن تمامی مردم در رهبری امور خویش شرکت خواهند جست.	نقد	حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت
این حکومت در همه مراتب خود، متکی به آرای مردم و تحت نظارت و ارزیابی و انتقاد عمومی خواهد بود.	نقد	حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت
این جمهوری اسلامی با رژیم سابق، هیچ شباهتی ندارد. در رژیم سابق، کسی قدرت حرف زدن نداشت، کسی قدرت انتقاد نداشت. یک کلمه انتقاد با نابودی او تمام می‌شد. یک قلم که یک نصف سطر در انتقاد می‌نوشت نابودش می‌کردند. حالا راه انتقاد باز است، همه می‌آیند انتقاد می‌کنند، همه از دولت انتقاد می‌کنند، همه از هر چیزی که صحیح نیست انتقاد می‌کنند، ارشاد می‌کنند. چطور.	نقد	حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت
همان شیطانی که اغوا می‌کند آدم را، اکثر اغواناتش این است که انسان را بازی می‌دهد و سوسه می‌کند در انسان؛ و سوسه‌های دامنه‌دار از همه طرف، و سوسه می‌کند که تو حالا صاحب قدرت هستی، تو حالا صاحب کذا هستی، دیگران چکاره‌اند؟ شما حالا وزیر هستید، دیگران باید اطاعت بکنند، چشم بسته باید اطاعت بکنند! شما وکیل هستید، دیگران باید از شما اطاعت بکنند و چشم بسته هم باشند! این همه برای این است که انسان خودش را نساخته. اگر انسان خودش را نساخته بود، هیچ بدش نمی‌آمد که یک رعیتی هم به او انتقاد کند؛ اصلاً بدش نمی‌آمد، از انتقاد بدش نمی‌آمد.	نقد	حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت



سازمان‌دهنده	مضمون پایه‌ای	جملات رهبران انقلاب اسلامی
حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت	نقد	امام ما را توصیه می‌کردند به اینکه مغرور نشویم، خودمان را بالاتر از مردم ندانیم، خودمان را بالاتر از انتقاد ندانیم، بی‌عیب ندانیم. همه مسئولان طر از اول کشور این را از امام شنیده بودند که بایستی آماده باشیم؛ اگر چنانچه از ما عیب گرفتند، نگوئیم ما بالاتر از اینیم که عیب داشته باشیم، بالاتر از اینیم که به ما انتقادی وارد باشد. خود امام هم همین‌جور بود. ایشان، هم در نوشته‌های خود – بخصوص در اواخر عمر شریفش – هم در اظهارات خود، بارها گفت من در فلان قضیه اشتباه کردم. اقرار کرد به اینکه در فلان قضیه خطا کرده است؛ این خیلی عظمت لازم دارد. روح یک انسانی باید بزرگ باشد که بتواند یک چنین حرکتی را انجام دهد؛
حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت	نقد	باید ملت بتواند از آن پشتیبانی کند؛ و نقیصه‌ها را به خود دولت گوشزد کند و با آن در رفع آنها همدست شود و دولت نیز لازم است در رفع نقیصه‌ها اهتمام داشته باشد.
حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت	نقد	نگاه نقادانه را من صددرد تأیید می‌کنم. من می‌گویم این نگاه نقادانه و دغدغه‌مند، از دانشجو و محیط دانشگاه نباید گرفته بشود. هم نقادانه، هم آرمان‌گرایی؛ باید دنبال آرمان‌ها باشند. روی کاستی‌ها و کژی‌ها علامت سؤال بگذارند؛ دانشجو باید کاستی‌ها را ببیند، کجی‌ها را ببیند، عیوب را ببیند و سؤال کند. حالا ممکن است طرف، برای جواب ندادن به این سؤال یک عذر موجهی داشته باشد، لکن این موجب نمی‌شود که شما سؤال نکنید؛ شما سؤال کنید. روحیه سؤال کردن، امر به معروف، نهی از منکر، مطالبه جدی آرمان‌ها و ارزش‌ها در دانشجو، روحیه قابل قبول است.
حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت	نقد	انتقاد باید انجام بگیرد. گاهی اوقات انتقاد بایستی عمومی هم باشد؛ ما همیشه معتقد نیستیم که انتقاد بایستی درگوشی باشد؛ نه، گاهی هم باید عمومی باشد، اما اینکه ما به نحوی انتقاد بکنیم که آن شتونده انتقاد به تعبیر رایج بند دلش پاره بشود و بگوید «دیگر همه چیز از دست رفت، پدرمان در آمد»، این جوری نباید انتقاد بکنیم.
حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت	نقد	انتقاد باید انجام بگیرد. گاهی اوقات انتقاد بایستی عمومی هم باشد؛ ما همیشه معتقد نیستیم که انتقاد بایستی درگوشی باشد؛ نه، گاهی هم باید عمومی باشد.
حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت	نقد	چون انتقاد به معنای تضعیف نیست، انتقاد اگر دلسوزانه و منصفانه باشد، کمک هم می‌کند. اگر انتقادی دلسوزانه هم نبود، بالاخره دانسته می‌شود. در مقابل حرکت دولت، اگر یک وقت عیب‌جویی غیر منصفانه‌ای هم بشود، نخواهد توانست افکار عمومی و واقعیت‌های بیرونی را تحت تأثیر قرار دهد.
حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت	عدالت‌خواهی	پیغمبر اسلام مردم را بسیج کرد؟ همین سر و پا برهنه‌ها را بسیج کرد بر ضد مشرکان، قتال کرد و جنگ‌ها کرد تا مشرکان را دماغ‌شان را به خاک مالید و عدالت اجتماعی را ایجاد کرد. عکس آن مطلبی که برای شرقی‌ها، غربی‌ها دیکته کردند و مع‌الأسف بسیاری از ما هم باورمان آمد. تبلیغات آنها تبلیغات دامن‌داری بود.
حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت	عدالت‌خواهی	به هر حال، جنبش عدالت‌خواهی هنگامی که در جمع دانشجویان و خطاب به آنها گفته می‌شود، مقصود این است که این طلب و خواسته و خواهش به عنوان یک خواسته عمده مطرح شود. نباید بگذارید این مطالبه مهم از ذهن‌ها دور شود؛ یعنی بایستی عدالت آن چنان از طرف مردم، قشرها و به خصوص جوانان مطالبه شود که هر مسئولی – چه بنده و چه هرکس دیگری که در جایی مسئول است – ناچار باشد به مقوله عدالت ولو برخلاف میلش هم باشد، بپردازد. یک وقت است که ما مثلاً وزارت اقتصاد داریم می‌گوییم عدالت را رعایت کن، یا به قوه قضائیه می‌گوییم عدالت را رعایت کن؛ اما یک وقت به جوانان می‌گوییم شما عدالت را مطالبه کنید. هر کدام معنای خاصی دارد. مطالبه عدالت به معنای این است که عدالت، گفتمان غالب در محیط‌های جوان و دانشجویی شود؛ عدالت را مطالبه کنند و آن را از هر مسئولی بخواهند.
حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت	عدالت‌خواهی	این جنبش [آرمان‌گرایی] باید دنبال آرمان‌ها باشد؛ یعنی دنبال عدالت، دنبال مساوات، دنبال آزادی معنوی، دنبال آزادی اجتماعی، دنبال عزت اجتماعی، دنبال سرآمد شدن ملی در جهان.
حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت	عدالت‌خواهی	این پرچم آرمان‌خواهی و مطالبه‌گری را زمین نگذارید؛ همه این بحث‌ها و محبتی که در این مدت یک ساعت و نیم شما دوستان در اینجا [بیان] کردید، مطالبه‌گری بود دیگر؛ مخاطب مطالبه‌گری هم گاهی خود این حقیر بودم، گاهی دستگاه دفتر ما بود، گاهی مجموعه‌های دیگر بودند؛ این بسیار چیز بارزشی است؛ این مطالبه‌گری را از دست ندهید، این آرمان‌خواهی را از دست [ندهید].
حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت	عدالت‌خواهی	از جوانان این انتظار وجود دارد که عدالت‌خواهی را از یاد نبرند. آزادی را با همان مفهوم بسیار والای اسلامی – چه آزادی فردی، چه آزادی اجتماعی و سیاسی، چه آزادی معنوی و روحی – جزو خواست‌های همیشگی خود بدانند و از یاد نبرند. مبارزه با فقر و ایجاد رفاه عمومی را جزو مطالبات خود بدانند. امر به معروف و نهی از منکر هم جزو مهم‌ترین مسائلی است که جوانان باید به آن اهتمام کنند.

سازمان‌دهنده	مضمون پایه‌ای	جملات رهبران انقلاب اسلامی
حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت	مطالبه	البته مردم باید از مسئولان بخواهند. من موافقم که مردم به وسیله نمایندگان یا علما و سخنگویان شان مطالبه کنند. مطالبه ایرادی ندارد.
حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت	مطالبه	امروز مردم از مبارزه با فساد خرسند می‌شوند و آن را مطالبه می‌کنند. هر کس به مردم علاقه دارد، هر که از زبان مردم حرف می‌زند و برای آنها کار می‌کند، باید در این مبارزه پیش قدم باشد.
حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت	مطالبه	در یک دوره چهار ساله، او رئیس‌جمهور است. البته مردم باید از او مطالبه کنند و بخواهند؛ ما هم مطالبه می‌کنیم؛ همچنان که تا الان این کار را کرده‌ایم. تا الان هم ما مطالبات مردم و نظام را از کسانی که رئیس‌جمهور بوده‌اند، خواسته‌ایم.
حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت	مطالبه	آنچه من عرض می‌کنم، فقط این نیست که بخواهم زبانی مسئولان را نصیحت کنم؛ به شما مردم عرض می‌کنم تا بدانید و بخواهید و مطالبه کنید. به مسئولان و دست‌اندرکاران و کارگزاران حکومتی در قوای سه‌گانه و به خودم این را می‌گویم، برای اینکه خودمان را موظف بدانیم و عمل کنیم و پاسخ‌گو باشیم.
حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت	مطالبه	اگر چنانچه ایستادگی کردید - همان‌طور که قبلاً هم گفتیم - گفت‌وگو سازی کردید، ذهن‌ها را آماده کردید، آن وقت در هنگام لازم به دردتان می‌خورد، یعنی می‌توانید ذهن مردم را بسیج کنید به سمت یک حقیقتی تا آن را مطالبه کنند. وقتی مطالبه کردند، مسئولان ناچارند انجام بدهند. پس ایستادگی لازم است. مادر کار دانشجویی تکیه مؤکد داریم بر اینکه کسانی که در مجموعه‌های دانشجویی فعالیت می‌کنند، باید ایستادگی بکنند؛ باید محکم باشند.
حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت	مطالبه	مردم سهم خودشان را فراموش نکنند. همت گماشتن مردم، کارهای موکول به هر کسی را با احساس مسئولیت انجام دادن، خواستن و پیگیری کردن، این‌ها وظایف مردم است.
حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت	مطالبه	شما وظیفه الهی و وظیفه وجدانی را فراموش نکنید؛ هر چه می‌توانید تلاش کنید و تلاش‌تان نافع خواهد بود؛ یعنی شما می‌توانید مسیر کشور را اگر چنانچه غلط است، برگردانید به مسیر درست؛ آنجاهایی که اشکال دارد، آنجاهای را می‌توانید برگردانید. ... این کاری است که شما جوان‌ها - جوان‌های دانشمند و عالم - می‌توانید بکنید.
حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت	امر به معروف	شما ملاحظه کنید احکام گوناگون را؛ مثلاً، حکم امر به معروف و نهی از منکر. امر به معروف یعنی شما همه مسئولید که معروف را، نیکی را گسترش بدهید، امر کنید به آن؛ نهی از منکر [یعنی] زشتی را، بدی را، پلشتی را نهی کنید؛ جلوی آن را بگیرید با شیوه‌های مختلف. معنای این چیست؟ معنای این، مسئولیت در قبال سلامت عمومی جامعه است. همه مسئولند؛ من مسئولم؛ شما مسئولی؛ آن یکی مسئول است.
حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت	امر به معروف	قوام حکومت اسلامی و بقای حاکمیت اخیار، به این است که در جامعه امر به معروف و نهی از منکر باشد. امر به معروف فقط این نیست که ما، برای اسقاط تکلیف، دو کلمه بگوییم. آن هم در مقابل منکر اتی که معلوم نیست از مهم‌ترین منکرات باشند. وقتی یک جامعه را موظف می‌کنند که آحادش باید دیگران را به معروف و از منکر نهی کنند، این به چه معناست؟ چه وقت ممکن است آحاد یک ملت امر به معروف و نهی از منکر باشند؟ وقتی که همه، به معنای واقعی در متن مسائل کشور حضور داشته باشند؛ همه کار داشته باشند به کارهای جامعه؛ همه اهتمام داشته باشند؛ همه آگاه باشند؛ همه معروف‌شناس و منکر‌شناس باشند. این، به معنای یک نظارت عمومی است؛ یک حضور عمومی است؛ یک همکاری عمومی است؛ یک معرفت‌بالا در همه است.
حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت	امر به معروف	امر به معروف، مال همه مردم است. مگر می‌شود یک ستاده نغره بنشینند و سازماندهی ستادی امر به معروف در سطح کشور را بکنند؟! این که اصلاً امکان ندارد. شما باید یک کار دیگر را به عهده بگیرید؛ نخواهید مباشرتاً، امر به معروف و نهی از منکر کنید؛ شما باید امر به معروف را در جامعه، احیا کنید. این، آن چیزی است که من خواسته‌ام؛ بارها و مکرراً گفته‌ام و متأسفانه، این حرف به گوش افراد هم نمی‌رود. من می‌گویم: «مردم باید این روحیه را پیدا کنند. مردم، همان‌طور که نماز را واجب می‌دانند، باید امر به معروف را هم واجب بدانند.» باید این به مردم حالی شود که «لتأمرن بالمعروف و لتنهعن المنکر» او لبس‌لطن الله علیکم شرارکم. همان‌طور که در جنگ متوجه شدند که جنگ بر ایشان لازم است، شما، این کار را باید بکنید. اساس کار شما، احیای امر به معروف و نهی از منکر است؛ نه مباشرتاً سازماندهی امر به معروف و نهی از منکر.



سازمان دهنده	مضمون پایه‌ای	جملات رهبران انقلاب اسلامی
حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت	امر به معروف	در حاشیه عرض بکنیم که این معنای مهم امر به معروف و نهی از منکر را نباید به مسائل زیر نصاب اهمیت منحصر کرد؛ بعضی تصور می‌کنند امر به معروف و نهی از منکر منحصر می‌شود به اینکه انسان به فلان زن یا فلان مردی که یک فرع دینی را رعایت نمی‌کند تذکر بدهد؛ البته اینها امر به معروف و نهی از منکر است اما مهم‌ترین قلم امر به معروف و نهی از منکر نیست. مهم‌ترین قلم امر به معروف و نهی از منکر عبارت است از امر به بزرگ‌ترین معروف‌ها و نهی از بزرگ‌ترین منکرها. بزرگ‌ترین معروف‌ها در درجه اول عبارت است از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی؛ این امر به معروف است. معروفی بالاتر از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی نداریم؛ هر کسی که در این راه تلاش کند، امر به معروف است؛ حفظ عزت و آبروی ملت ایران، بزرگ‌ترین معروف است. معروف‌ها اینها هستند: اعتلای فرهنگ، سلامت محیط اخلاقی، سلامت محیط خانوادگی، تکثیر نسل و تربیت نسل جوان آماده برای اعتلای کشور، رونق دادن به اقتصاد و تولید، همگانی کردن اخلاق اسلامی، گسترش علم و فناوری، استقرار عدالت قضایی و عدالت اقتصادی، مجاهدت برای اقتدار ملت ایران و ویرای آن و فراتر از آن، اقتدار امت اسلامی و تلاش و مجاهدت.
حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت	امر به معروف	به هر فردی، لازم کرده‌به اینکه امر به معروف کند. اگر یک فرد خیلی به نظر مردم مثلاً پایین یک فردی که به نظر مردم خیلی اعلایه هم هست، اگر از او یک انحراف دید، بباید - اسلام گفته برو به او بگو نکن - بایستد در مقابلش بگوید این کار انحراف بود نکن. می‌گویند عمر گفت - در وقتی که خلیفه بود - که من اگر چنانچه خلافی کردم به من مثلاً بگویند و چه بکنید. یک عربی شمشیرش را کشید گفت ما با این مقابل نمی‌ایستیم. اگر تو بخواهی خلاف بکنی، ما با این شمشیر مقابلت می‌ایستیم.
حق نظارت عمومی و شفافیت قدرت	امر به معروف	«کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» همه باید نسبت به همه رعایت بکنند. همه باید نسبت به دیگران. مسئولیت من هم گردن شماست؛ شما هم گردن من است. اگر من پایم را کج گذاشتم، شما مسئولید اگر نگویید چرا پایت را کج گذاشتی؟ باید هجوم کنید، نهی کنید که چرا؟! اگر خدای خواسته یک معمم در یک جاپایش را کج گذاشت، همه روحانیون باید به او هجوم کنند که چرا برخلاف موازین؟ سایر مردم هم باید بکنند. نهی از منکر اختصاص به روحانی ندارد؛ مال همه است. امت باید نهی از منکر بکند؛ امر به معروف بکند.
احساس رضایت عمومی	رضایت	اگر ملت یک وقتی ناراضی پیدا کرد، اگر امروز صحبت نکنند، چند روز دیگر صدای شان در می‌آید؛ چند وقت دیگر صدای شان در می‌آید. آن روزی که ملت صدایش در بیاید، دیگر نمی‌تواند یک قدرتی با آن مقابله بکند.
احساس رضایت عمومی	رضایت	کاری بکنید که دل مردم را به دست بیاورید. پایگاه پیدا کنید در بین مردم. وقتی پایگاه پیدا کردید، خدا از شما راضی است؛ ملت از شما راضی است؛ قدرت در دست شما باقی می‌ماند و مردم هم پشتیبان شمایند.
احساس رضایت عمومی	رضایت	خب، مادر این بین وظیفه‌ای که داریم این است که رضایت مردم را جلب کنیم؛ یعنی آن چیزی که بر عهده قضا ئیه است، جلب رضایت مردم است. جلب رضایت مردم هم یک عمل عامیانه نیست و به تعبیر رایج فرنگی مآب‌های امروز با یک کار پوپولیستی به دست نمی‌آید؛ یعنی رضایت مردم نشان دهنده درستی کار دستگاه قضایی است. یعنی اگر مردم راضی بودند، نشان دهنده این است که دستگاه قضایی کار خودش را درست و قوی دارد انجام می‌دهد؛ رضایت به این معنا؛ که خب طبعاً رضایت الهی را هم به دنبال خواهد داشت. خب، ببینیم رضایت مردم چه جوری حاصل می‌شود؟ به نظر من آنچه مورد اهتمام قوه قضائیه باید باشد، این است که نگاه کند ببیند چه جور می‌شود رضایت مردم را جلب کرد؛ چه جور می‌شود دل‌های مردم را نسبت به قوه قضائیه مساعد کرد، ذهن‌ها را مساعد کرد. به نظر من مهم‌ترین مسئله، پاکسازی درونی قوه است.
احساس رضایت عمومی	رضایت	ملک و مناط و معیار و میزان کار، رضایت و عدم رضایت عامه مردم است. چرا؟ چون اگر عامه مردم ناراضی داشته باشند، رضایت و خشنودی گروه‌های خاص از تو به کلی پامال می‌شود و از بین می‌رود. ای بسا جماعتی به اسم روشن فکر و نخبگان سیاسی، طرفدار حکومت و حاکمی هستند، اما عامه مردم ناراضی اند؛ این ناراضی عمومی مردم، خشنودی و رضایت آن جماعت ویژه را لگدمال می‌کند و از بین می‌برد؛ کما اینکه دیدیم همین کار را کردند. عکس این هم صادق است؛ «و ان سخط الخاصه یغفر مع رضی العامه»؛ اگر مردم را راضی کردی و رضایت عمومی را به دست آوردی، سخط و ناخشنودی گروه‌های خاص قابل بخشش است؛ یعنی خیلی اهمیتی ندارد و خیلی تأثیری نمی‌گذارد؛ بنابر این بروید سراغ راضی کردن عموم مردم.
احساس رضایت عمومی	رضایت	یک مسئله این است که در اقدام‌های خودمان، تصمیم‌های خودمان، رضایت مردم را که در نظر می‌گیریم، چیز خوبی هست؛ اما این جور نباشد که یک جایی رضایت مردم، خوشایند مردم را در نظر بگیریم، اما رضایت خدا را در نظر بگیریم. اگر یک جایی عملی را باید انجام بدهید که اگر انجام دادید، خوشایند مردم نیست ولی شرعاً واجب است، انجام بدهید. یا یک کاری را باید نکنید؛ به حسب موازین شرعی و عقلایی و کارشناسی درست است، اما مردم خوشایندشان این است که شما این کار را بکنید. اینجا باید کدام را انتخاب کنید؟ اینجا بایستی آن چیزی را که تکلیف هست، انتخاب کرد. رضایت مردم، قناعت مردم، خدمت به مردم، چیز بسیار ارزشی است؛ اما تا آن وقتی که خوشایند مردم، معارض با تکلیف نشود.

سازمان‌دهنده	مضمون پایه‌ای	جملات رهبران انقلاب اسلامی
احساس رضایت عمومی	رضایت	بتوانید ان‌شاء‌الله آنچه را گفتید عمل کنید و مردم را از مشکلات‌شان خلاص کنید و مردم را از خودتان راضی کنید ان‌شاء‌الله. رضایت مردم ان‌شاء‌الله رضایت خداوند متعال را هم در پی خواهد داشت.
احساس رضایت عمومی	رضایت	ما باید برای خدا در صدد رضایت این مردم باشیم.
احساس رضایت عمومی	رضایت	ما می‌خواهیم یک حکومت الهی باشد موافق میل مردم، رأی مردم و موافق حکم خدا. آن چیزی که موافق با اراده خداست موافق میل مردم هم هست. مردم مسلمانند، الهی هستند وقتی ببینند عدالت را می‌خواهد اجرا بکند، خدا می‌خواهد عدالت در بین مردم اجرا بشود. خدا می‌خواهد که به حال این ضعیفاً و طبقه سوم یک فکری بشود نه مثل حالا که همه قدرت‌ها را روی هم گذاشتند، یک عده‌ای می‌خورند تا تخمه می‌کنند، یک عده‌ای از گرسنگی ریختند اطراف تهران و نه آب دارند و نه برق دارند و نه نان دارند و نه چیزی دارند. می‌خواهد عدالت باشد!
احساس رضایت عمومی	رضایت	آن که همه چیز است به دست آوردن رضای خداست و آن به این است که رضای مخلوق خدا را به دست بیاورید. با مردم که شما سروکار دارید این مردم را باید رضایشان را به دست بیاورید. همین مردم کوچه و بازار و کشاورزهای بسیار عزیز و کارمندان و کسانی که در کارخانه‌ها زحمت می‌کشند اینها هستند که مایه افتخار یک ملت و مایه پیروزی یک ملت است. پیروزی را برای ما و شما اینها به دست آوردند و اینها ولی نعمت ما هستند و ما باید این معنا را در قلب‌مان احساس کنیم که با این ولی نعمت‌های خودمان رفتاری بکنیم که خدا از آن رفتار راضی باشد. گمان نکنند آن کسی که فرماندار یک جایی است باید به رعیت آنجا، به مردم عادی آنجا، به بازاری آنجا یک وقت خدای نخواستہ یک بالاتری بفرشد، آن طوری که ساخت فرمانداران زمان سابق بود. فرق ما بین جمهوری اسلامی و شاهنشاهی این است که جمهوری اسلامی از مردم است و جمهوری اسلامی رهین همین مردم عادی کشور است و شاهنشاهی می‌گفت نه، من این طور نیستم که به مردم کار داشته باشم، ما خودمان باید کارها را، مردم باید تحت سلطه ما باشند و با مردم آن طور می‌کردند. با بندگان خدا رفتار خوب بکنید و پیروزی از آنها به دست ما آمده است.
احساس رضایت عمومی	رضایت	امروز واقعیت در کشور ما، یک واقعیت استثنایی است؛ لاقابل در این منطقه استثنایی است. مردم، دولت‌ها و نمایندگان مجلس را با اراده و میل و تشخیص خود انتخاب می‌کنند و آنها را در معرض آزمایش می‌گذارند. اگر از آنها راضی بودند، باز بار دیگر آنها را بر سر کار می‌آورند و اگر نخواستند، بار دیگر به سراغ دیگری می‌روند. این هم یک فرصت بسیار بزرگ است.
احساس رضایت عمومی	رضایت	ما امروز دچار مشکلیم، نمی‌شود مشکلات مردم و گلایه‌های مردم را نادیده گرفت؛ مسئولان باید جدی بگیرند.
احساس رضایت عمومی	رضایت	همه‌مان و شما آقایان همه و آنهایی که در اختیار شما هستند، همه باید کوشش بکنید که رضایت مردم را جلب بکنید در همه امور.
احساس رضایت عمومی	خدمت به مردم	ارزش آقای رجایی، ارزش آقای باهنر، ارزش آقای بهشتی و ارزش این ائمه جمعه مظلوم ما به این نبود که یک-مثلاً- دستگاهی دارد، ارزششان به این بود که «خودی» بودند، با مردم بودند، برای مردم خدمت می‌کردند، مردم احساس کرده بودند که اینها برای آنها دارند خدمت می‌کنند و لهذا آن همه تبلیغاتی که با دست‌های فاسد بر ضد مرحوم بهشتی- بالخصوص- آن قدر کارها کردند و نسبت به مرحوم رجایی هم، آن آدم فاسد آن قدر پافشاری کرد و اذیت کرد، مردم اعتنایی هیچ به او نکردند و همان‌طور با آنها رفتار کردند.
احساس رضایت عمومی	خدمت‌رسانی	وقتی شما خوب کار کنید برای ملت، آنها هم پشتیبان‌اند، وقتی دولت خوب کار کند برای ملت، پشتیبان‌اند، وقتی مجلس خوب کار کند برای مردم، پشتیبان هستند.
احساس رضایت عمومی	خدمت‌رسانی	مقصد عالی ما، مقصدی بود که خدای تبارک و تعالی آن را به ما امر کرده و آن اینکه حکومت باید حکومت الهی باشد، اسلامی باشد، حکومتی باشد که خود مردم می‌خواهند آن حکومت را. وقتی حکومت در خدمت مردم باشد، یک همچو حکومتی می‌تواند حکومت کند.
احساس رضایت عمومی	خدمت‌رسانی	وقتی مردم ببینند که کسی مشغول به خدمت است دیگر دعوا ندارند با او. دعوا آن جا پیدا می‌شود که ببینند آمده است که مردم را داغ کند و دائماً در نظرتان باشد که ما یک بنده خدایی هستیم که این مردم ما را به این محل رساندند و ما برای آنها باید خدمت بکنیم.
احساس رضایت عمومی	خدمت‌رسانی	مردم دیده بودند که دولت به فکر آنها نیست، شما باید آن طوری که به حسب واقع هم همین‌طور است به مردم حالی کنید که ما برای خدمت آمدیم، ادارات برای خدمت آمدند، مردم با دل راحت ببینند تو ادارات، من آن تلخی‌هایی که در زمان سابق بود، در زمان رضا خان بود، بعدش هم در زمان این.

سازمان‌دهنده	مضمون پایه‌ای	جملات رهبران انقلاب اسلامی
احساس رضایت عمومی	خدمت‌رسانی	حکومت‌ها باید عبرت بگیرند از این وضعی که در ایران پیش آمد و بدانند که وضع برای این بود که محیط اختناق به طوری پیش آوردند که اختناق انفجار آورد. برادر باشند با هم. با ملت دوست باشند. ملت احساس کند که دولت از خود اوست؛ دولت خدمتگزار اوست.
احساس رضایت عمومی	خدمت‌رسانی	همه سعی و همت مسئولان کشور و مدیران بخش‌های مختلف، خدمت محسوس و ملموس به مردم باشد. جوان‌های عزیز و آحاد مردم کشور مان باید طعم شیرین خدمات دولتی را در کام خود حس کنند.
احساس رضایت عمومی	خدمت‌رسانی	ما اصلاً برای خدمت به مردم آمده‌ایم. فلسفه وجود ما خدمت به مردم است. در روایات وارد شده است که والی و حاکم اسلامی - حاکم در همه سطوح؛ وزیر و استاندار و بالاتر و پایین‌تر و همه، مشمول این جمله‌اند - با مردم باید مثل پدر مهربان نسبت به فرزندان باشد. اگر به شما خبر برسد که فرزندان از بیماری، از سرما، از گرما، از گرسنگی، از تحقیر، از اهانت و از غربت رنج می‌کشند، چه حالی پیدا می‌کنید؟ می‌توانید تحمل کنید؟ در سطح کشور نسبت به هر کس چنین اتفاقی بیفتد، تا آنجایی که شما علم و اطلاع دارید، باید همین احساس را داشته باشید؛ نباید آرام و قرار داشته باشیم. نهضت خدمت‌رسانی یعنی این. این خدمت را باید برای مردم محسوس کنیم. کارهای بزرگی را که صورت گرفته، باید به زندگی مردم بکشانیم تا لذتش را حس کنند.
احساس رضایت عمومی	خدمت‌رسانی	مجموع عملکرد دولت - چه شخص رئیس‌جمهور محترم، چه مسئولان در بخش‌های مختلف - به مردم این احساس را داد که دولت وسط میدان است، مشغول کار است، دارد تلاش می‌کند و برای آنها خدمت می‌کند، می‌خواهد خدمت‌رسانی بکند؛ این [کار]، امید مردم را و اعتماد مردم را تا حدود زیادی احیا کرد. در مواردی، این تلاش‌ها نتایج محسوسی هم داشت که مردم به چشم دیدند، مثل بخش سلامت، بخش‌های دیپلماسی، بعضی بخش‌های فرهنگی و غیره که نتایج روشن و مشخصی هم داشته؛ بعضی از آنها هم نتایجی داشته است لکن برای مردم باید این نتایج نشان داده بشود؛ نتایجی وجود داشته، منتها باید به مردم گفته بشود که این نتیجه حاصل شد، این اتفاق افتاد. در بعضی از کارها هم هنوز تلاش‌ها به نتیجه نرسیده، لکن احساس می‌شود که کار دارد انجام می‌گیرد. این به‌نظر من بزرگ‌ترین توفیق شماست.
احساس رضایت عمومی	خدمت‌رسانی	یکی از بزرگ‌ترین چیزهایی که کام مردم را شیرین می‌کند، این است که ببینند، حس کنند و ببینند که مسئولان امور آنها در پی خدمت صادقانه و پیگیرانه و عالمانه به آنها هستند. خود همین، مردم را خوشحال می‌کند. گاهی گفته می‌شود باید مردم را شاد و افسردگان را از افسردگی خارج کرد؛ این حرف درستی است. اگر کسانی به معنای حقیقی کلمه دنبال این موضوع هستند، راهش همین است؛ به مردم نشان دهند که در پی کار صادقانه و پیگیرانه و عالمانه‌اند. این بیش از همه چیز فضا را شادمانه خواهد کرد.
احساس رضایت عمومی	عدالت	مع ذلک آن حکومتی که در صدر اسلام بود، در خدمت مردم بود. این طور نبود که حکومت بخواهد حکومت کند و مردم همین طور بی‌خود اطاعت کنند. این طور نبود که حکومت بخواهد به وسیله قدرتی که دارد اجحاف کند به مردم و ظلم کند که مردم به واسطه آن ظلم از او متنفر باشند.
احساس رضایت عمومی	عدالت	نارضایتی مردم به این مناسبت ابراز شد. مسلماً مردم خدمتگزاران خود را دوست می‌دارند و مرا و نیز پسر مرا خدمتگزار خود می‌دانند. دنبال این جریان هر کشتاری که رژیم ترتیب داد، تظاهرات تازه‌ای را به مناسبت چهلم کشته‌شدگان موجب گردید. اما مطلب اصلی و اساسی، پسر من نیست. مسئله اساسی، عصیان و قیام همه مردم بر ضد ستمگرانی است که بدان‌ها ستم می‌کنند.
احساس رضایت عمومی	عدالت	مهم‌ترین وظیفه مسئولان کشور این است که در جامعه عدالت را معنا ببخشند تا مردم عدالت را احساس کنند؛ عدالت در قانون، عدالت در قضا، عدالت در تقسیم منابع حیاتی کشور، عدالت در برخورداری‌ها و دسترسی‌های همه افراد به امکانات کشور.
احساس رضایت عمومی	عدالت	نباید انسان تن در بدهد به اینکه یک کسی بیاید به او ظلم کند. حکومت اسلامی اگر پیدا شد قطع ریشه ظلم است. یعنی حاکم هم نمی‌تواند ظلم بکند. رئیس دولتش هم نمی‌تواند ظلم بکند. اولاً موظف است نکند. ثانیاً بخواهد بکند نمی‌گذارد او را. حکومت‌های اسلامی، حکومت‌های عدالت است. برای عدالت آمده‌اند.
احساس رضایت عمومی	عدالت	کوشش همه مردم باید این باشد که زیر بار ظلم نروند. همان طوری که ظلم حرام است، زیر بار ظلم رفتن هم حرام است. مظلوم شدن غیر زیر بار ظلم رفتن است. آدم باید تا آنجا که قدرت دارد زیر بار ظلم نرود.

سازمان‌دهنده	مضمون پایه‌ای	جملات رهبران انقلاب اسلامی
احساس رضایت عمومی	عدالت	در جمهوری اسلامی ظلم نیست. در جمهوری اسلامی این طور مسائلی که زورگویی باشد نیست. فقیر و غنی؛ نمی‌تواند طبقه غنی بر طبقه فقیر زور بگوید، نمی‌تواند استثمار کند، نمی‌تواند آنها را با اجر کم و اداری به عمل‌های زیاد بکند. باید مسائل اسلامی حل بشود در اینجا و پیاده بشود. باید مستضعفین را حمایت بکنند، باید مستضعفین تقویت بشوند؛ زیر و رو بشوند مستکبر باید مستضعف بشود و مستضعف باید مستکبر بشود. نه مستکبر به آن معنی بلکه باید همه با هم برادر وار در این دنیا - در این مملکت - همه با هم باشند. اگر شما به ذهنیت عامه مردم و به ذهنیت اسلامی نگاه کنید، می‌بینید که توقع از قوه قضائیه این است که عدالت در زندگی مردم ملموس شود؛ عدالت را احس کنند و این عمومیت پیدا کند.
احساس رضایت عمومی	عدالت	بله؛ من اعتقاد دارم این است که باید مردم نسبت به مسئله عدالت اجتماعی و خواست عدالت اجتماعی، مجدانه و منطقی، با مسئولان‌شان صحبت کنند و از دولت‌ها و از نمایندگان مجلس این را بخواهند. باید آن کسی را که شعار عدالت اجتماعی می‌دهد، موظف و مسئول کنند و از او مطالبه نمایند.
احساس رضایت عمومی	عدالت	بایستی عدالت آن‌چنان از طرف مردم، قشرها و به‌خصوص جوانان مطالبه شود که هر مسئولی - چه بنده و چه هر کس دیگری که در جایی مسئول است - ناچار باشد به مقوله عدالت ولو برخلاف میلش هم باشد، بپردازد.
احساس رضایت عمومی	عدالت	یک جامعه و یک کشور و یک ملت بیدار از مسئولینش این چیزها را مطالبه می‌کند: مطالبه عدالت، مطالبه انصاف، مطالبه خدمت، مطالبه ارتباط صمیمی با مردم، مطالبه دین، پایبندی به ارزش‌های دینی، پایبندی به شرع.
احساس رضایت عمومی	عدالت	و من به همه اقشار ملت - به تمام - عرض می‌کنم که در اسلام هیچ امتیازی بین اشخاص غنی و غیر غنی، اشخاص سفید و سیاه، اشخاص [و] گروه‌های مختلف، سنی و شیعه، عرب و عجم و ترک و غیر ترک - به هیچ وجه - امتیازی ندارند. قرآن کریم امتیاز را به عدالت و به تقوا دانسته است. کسی که تقوا دارد امتیاز دارد، کسی که روحیات خوب دارد امتیاز دارد؛ اما امتیاز به مادیات نیست، امتیاز به دارایی‌ها نیست. باید این امتیازات از بین برود؛ و همه مردم علی‌السواء هستند با هم و حقوق تمام اقشار به آنها داده.
ادراک کارآمدی	تأثیر در زندگی مردم	این مسائلی را که به من گفتید در یک همجو اطاق محدودی، بهتر این است که هر یک از آقایان که متکفل یک امری هستند وقتی کاری انجام می‌دهند بروند در رادیو بگویند و از مردم بخواهند که هر کس اشکالی دارد که مثلاً ما بر خلاف می‌گوییم، بیایند اطلاع بدهند. در روزنامه‌ها اطلاع بدهند، خودشان بیایند در محضر عمومی اطلاع بدهند که این حرفی که ما راجع به برق زدیم، راجع به آسفالت زدیم، راجع به کارهای دیگر زدیم چنانچه مردم اعتقادشان این است که این طور نیست و کاری انجام نداده است جمهوری اسلامی، بلکه عقب رفته است از زمان طاغوت، هر که این ادعا را دارد، بیاید بگوید که ما در این مواردی که داریم می‌گوییم که «عمل کردیم»، بیایند بگویند که خیر، شما عمل نکردید.
ادراک کارآمدی	تأثیر در زندگی مردم	مردم ما به اسلام اعتقاد دارند، لذا توقع‌شان از مسئولان امر در کشور در هر رده‌ای این است که به این مسئولیت‌ها عمل کنند و آنچه را که به‌عنوان وظیفه بر عهده آنهاست، انجام دهند. کارآمدی حکومت به این معناست. اگر مردم این کارآمدی را در مسئولان کشور مشاهده کنند، اعتقادشان به آنها و به نظام اسلامی و اسلام روز به روز بیشتر خواهد شد.
ادراک کارآمدی	تأثیر در زندگی مردم	عامه مردم و عموم مردم دنبال اسم این و آن نیستند؛ عامه مردم دنبال این هستند که ببینند چه کسی دارای یک مدیریتی است، [دارای] یک قوت عمل یا قوت اراده‌ای است، [دارای] یک کارآمدی‌ای است که می‌تواند مشکلات کشور را از میان بردارد؛ دنبال این هستند. اینکه حالا چه کسی با چه نامی، با چه عنوانی و از چه جناحی وارد میدان بشود، برای عموم مردم مطرح نیست؛ برای گروه‌های خاص چرا، اما برای عموم مردم نخیر. اگر نامزدهایی که امروز در صحنه‌اند بتوانند بیان کنند و به مردم نشان بدهند که دارای این کارآمدی هستند، مردم پای صندوق‌ها هم می‌روند و مشارکت بالایی هم خواهد بود.
ادراک کارآمدی	تأثیر در زندگی مردم	مسئولان باید مردم را در قبال یک گزارش درست و متقن، مختار به قضاوت کنند تا مردم بتوانند کارآمدی نظام را به چشم ببینند و نسبت به آن قضاوت نمایند.
ادراک کارآمدی	تأثیر در زندگی مردم	یک مسئله دیگر را به صورت کوتاه عرض می‌کنم که به نظر من برای ما ملت ایران از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و آن رعایت توصیه‌ای است که در اول سال به همه مسئولان و همه مردم عرض کردیم: مسئله کوشش همگانی برای خدمت‌رسانی به مردم و نشان دادن کارآمدی نظام در عمل.
ادراک کارآمدی	تأثیر در زندگی مردم	مردم تشنه خدمتند؛ واقعاً هم احتیاج دارند؛ بنابراین دولت باید کارآمدی خودش را نشان دهد.
ادراک کارآمدی	تأثیر در زندگی مردم	اول باید کارآمدی نظام را نشان داد.

سازمان‌دهنده	مضمون پایه‌ای	جملات رهبران انقلاب اسلامی
ادراک کارآمدی	تأثیر در زندگی مردم	یکی از مسائل مهم در اداره کشور و زندگی عمومی مردم این است که مسائل مردم روان باشد؛ دچار مشکل و عایق و مانع [نباشد]؛ مثل همین که حالا اخیراً مسئولان محترم تصمیم گرفتند که پنجره واحدی برای سرمایه‌گذاری و مانند اینها باز کنند؛ شبیه این چیزها؛ کارها روان انجام بگیرد، آسان انجام بگیرد. اینها یک چیزهایی است که به مردم مرتبط می‌شود. اگر این چیزها تأمین شود، حضور مردم در محنه تأمین خواهد شد؛ یعنی اگر ما توانستیم این مسائلی را که مستقیم به خود مردم ارتباط پیدا می‌کند تأمین کنیم، حضور مردم در محنه صد در صد خواهد بود.
ادراک کارآمدی	توانمند و شایسته‌تلقی کردن حاکمیت در حل مسائل	بایستی تصویر دولت در چشم مردم، تصویر یک گروه توانا و کارآمدی باشد که دارند تلاش می‌کنند. حالا البته انسان که تلاش می‌کند، همیشه موفق نمی‌شود؛ نفس اینکه دارند تلاش می‌کنند، کار می‌کنند، این برای مردم جذاب است.
ادراک کارآمدی	توانمند و شایسته‌تلقی کردن حاکمیت در حل مسائل	دولت، کارگزار ملت است؛ و ملت، کارفرمای دولت است. هرچه بین ملت و دولت صمیمیت بیشتر و همکاری بیشتر و همدلی بیشتری باشد، کارها بهتر پیش خواهد رفت. باید به یکدیگر اعتماد کنند؛ هم دولت، ملت را به معنای واقعی کلمه قبول داشته باشد و ارزش و اهمیت و توانایی‌های ملت را به درستی بپذیرد، هم ملت به دولت که کارگزار کارهای او است به معنای حقیقی کلمه اعتماد کند.
ادراک کارآمدی	ادراک رفاه	انقلاب ما بر اساس یک ایمان بود؛ اما معنایش این نیست که انقلاب نباید به زندگی مردم، به اقتصاد، به نان و به رفاه مردم بپردازد. این چه حرفی است؟! امام به این مسائل می‌پرداخت و دستور می‌داد و آنچه در درجه اول، مورد نظر امام بود، عبارت بود از طبقات محروم و مستضعف.
ادراک کارآمدی	ادراک رفاه	نظام مردمی و نظام عدالت و نظام اعلای کلمه اسلام و نظام گسترش معنویت و نظام ایجاد رفاه برای مردم است.
ادراک کارآمدی	ادراک رفاه	پیشرفت امور اقتصادی و رفاهی انسان‌ها و بایستی مردم را به سمت رفاه و تمتع هرچه بیشتر از امکانات زندگی پیش ببرند. این یکی از وظایف همه است.
ادراک کارآمدی	ادراک رفاه	روش انقلاب و انقلابیون به تبع آموزش اسلام، اعراض از زندگی رفاه‌طلبانه برای خود بود. برای مردم هرچه می‌توانید، رفاه ایجاد کنید؛ هرچه می‌توانید، درآمد ملی را زیاد کنید؛ هرچه می‌توانید، در کشور ثروت تولید کنید؛ اما خودتان نه. مسئولان لااقل تا وقتی مسئولند، به زندگی رفاه‌طلبی رو نکنند.
ادراک کارآمدی	ادراک رفاه	در کشوری که تورم در حد مطلوب باشد، اشتغال در حد مطلوب باشد، آنجا عموم مردم در راحتی و آسایش و رفاه زندگی خواهند کرد. ما به هیچ وجه به مردم نمی‌گوییم ریاضت [بکشند] ما می‌گوییم ریخت و پاش نباشد؛ مصرف کردن یک حرف است، بد مصرف کردن یک حرف دیگر است.
ادراک کارآمدی	ادراک رفاه	انتظار به حق مردم ما، این است که از یک اقتصاد شکوفا برخوردار باشند، رفاه عمومی باشد، طبقه ضعیف از وضعیت غیر قابل قبول خارج بشود، از مشکلات نجات پیدا کند؛ اینها انتظارات مردم ما است و این انتظارات به حق است.
ادراک کارآمدی	ادراک رفاه	وضع حکومت اسلام یک همچو وضعی است. اداره‌اش برای رفاه مردم است، نظامش برای رفاه مردم است، رئیس‌جمهورش برای رفاه مردم است، نخست‌وزیرش برای رفاه مردم است و محیط، محیط محبت؛ یک محیط محبت. اگر ما موفق بشویم به اینکه اسلام را به آن معنایی که بوده است، به آن معنایی که بنای اسلام بر آن بوده، در خارج متحقق بکنیم، هم نظام راحت می‌شود، هم شهربانی. دیگر احتیاج به اینکه به مردم تعدی نکند ندارد. هم ژاندارمری، هم ارتش. همه دوست و همه رفیق و باهم دوست و برادر و من امیدوارم که یک همچو چیزی پیش بیاید و یک همچو حکومتی تحقق پیدا بکند؛ فقط آرزو نباشد واقعیت باشد.
ادراک کارآمدی	ادراک رفاه	ما می‌خواهیم به خواست خدا پیش برویم. ما می‌خواهیم این نهضت را به جلو برانیم تا برای این مملکت رفاه، زندگی سعادت‌مند دنیایی و آخرتی تحقق پیدا بکند. این شیاطین نمی‌خواهند این مسائل تحقق پیدا بکند.
ادراک کارآمدی	ادراک رفاه	معیشت مردم جزو اولین اهداف همه دولت‌هاست در همه جای دنیا و در همه دوران تاریخ؛ البته دولت‌های علاقه‌مند به مردم؛ آن دولت‌های مستأثر و زورگو و جبار، مورد نظرمان نیستند. هر دولتی که بخواهد به مردم خودش خدمت کند، اولین مسئله‌اش، مسئله معیشت مردم است، که بتواند مردم را اداره کند. خب، این به اقتصاد وابسته است. یک اقتصاد خوب، سالم وافر و پیشرو می‌تواند وضع زندگی مردم را خوب کند.
ادراک کارآمدی	ادراک رفاه	یک بخش دیگر، مسئله اقتصاد و رفاه عمومی است؛ این هم بسیار مؤثر است که مردم از لحاظ معیشت دچار آسایش خاطر باشند.

جملات رهبران انقلاب اسلامی	مضمون پایه‌ای	سازمان‌دهنده
خدا از ما مسئولان خواسته است که در خدمت مردم باشیم، خادم مردم باشیم، برای مردم کار بکنیم. حرف مردم را باید [گوش کرد]؛ حرف مردم شکایت از فساد است، شکایت از تبعیض است؛ این حرف مردم است. مردم خیلی از مشکلات را تحمل می‌کنند؛ البته فساد را، تبعیض را نمی‌پسندند، شکوه دارند، شکایت می‌کنند. شکایت مردم از فساد و از تبعیض است که باید مسئولان - چه مسئولان قوه قضائیه، چه مسئولان قوه مقننه - به‌طور جد دنبال کنند.	ادراک مبارزه با فساد	ادراک کارآمدی
اما اگر ما الان مدعی هستیم که اسلامی است رژیم ما ولی وقتی برویم سراغ بازار ببینیم بازار همان بازار سابق است، ربا همان ربا سابق است، چپاولگری همان چپاولگری سابق است، اجحاف و گرانفروشی فوق‌العاده همان است که سابق بود؛ برویم توی ادارات هم ببینیم همان اشخاص و همان وضع و همان نابسامانی آنجا هم هست؛ برویم در مثلاً دانشگاه ببینیم آنجا هم مسائل همان مسائل است؛ هر جا برویم همان مسائل باشد، این موجب این می‌شود که انعکاس پیدا بکند که رژیم فاسدی رفت، یک رژیم فاسدی جایش نشست. کاری ما نکردیم جز اینکه یک رژیم فاسدی را از بین بردیم که آن رژیم فاسد کارهایش پای اسلام حساب نمی‌شد. این خطر نبود که اگر چنانچه محمدرضا یک ظلمی بکند، یا سازمان امنیت مردم را چه بکند، این به اسلام مربوط است. هیچ. جدا بود. حساب اسلام جدا، حساب آنها هم جدا بود. این خطر آن روز هیچ نبود بلکه هر چه آنها ظلم می‌کردند اسلام تقویت بیشتر می‌شد: لَا زَالَ يُؤْبَدُ هَذَا الدِّينَ بِالرَّجُلِ الْفَاجِرِ رَجُلِ فَاجِر، آدم فاسق، آدم ظالم.	ادراک مبارزه با فساد	ادراک کارآمدی
مردم ما هم امروز از اوایل انقلاب نسبت به این نابسامانی‌ها حساس‌ترند. امروز مردم نسبت به فساد حساسند، نسبت به فاصله طبقاتی حساس‌تر از اول انقلابند؛ این چیز بدی نیست، این چیز بسیار خوبی است؛ این نشان‌دهنده آن است که مردم با آرمان‌های انقلاب آشنا شدند و دنبال آن آرمان‌هایند، لذا اعتراض می‌کنند؛ به فساد اعتراض می‌کنند و هر جایی که مبارزه با فساد باشد، مردم در آنجاها علاقه نشان می‌دهند و طرفداری نشان می‌دهند و دلگرمی نشان می‌دهند؛ آنجایی که حرکت به سمت کمک به مردم ضعیف باشد، ایجاد عدالت و استقرار عدالت باشد، مردم طرفداری و حمایت نشان می‌دهند؛ این خیلی مهم است و نشان‌دهنده گرایش مردم است؛ همین را باید تقویت کرد.	ادراک مبارزه با فساد	ادراک کارآمدی
مردم به قوه قضائیه کمک کنند. حالا شما دارید با فساد مبارزه می‌کنید، خیلی خوب، یکی از عواملی که می‌تواند شمارا در این راه کمک کند گزارش‌های مردمی است؛ وقتی مردم به شما گزارش دادند در زمینه مسائل مربوط به فساد، شما می‌توانید از آن استفاده کنید و بهره‌برید که البته بعد راجع به این توضیح خواهم داد؛ این نکته‌ای است که مربوط به آن بخش بعدی ما است که مربوط به مسائل فساد است.	ادراک مبارزه با فساد	ادراک کارآمدی
مبارزه با فساد اداری، جزو درخواست‌های مردم است؛ این‌ها باید برآورده شود.	ادراک مبارزه با فساد	ادراک کارآمدی
امروز مردم از مبارزه با فساد خرسند می‌شوند و آن را مطالبه می‌کنند. هر کس به مردم علاقه دارد، هر که از زبان مردم حرف می‌زند و برای آنها کار می‌کند، باید در این مبارزه پیش‌قدم باشد.	ادراک مبارزه با فساد	ادراک کارآمدی
یک جنبه دیگر از مردمی بودن عبارت است از مبارزه با فساد. اگر ما به‌معنای واقعی کلمه می‌خواهیم در کنار مردم باشیم، باید بی‌امان با فساد و مفسد مبارزه کنیم.	ادراک مبارزه با فساد	ادراک کارآمدی
سال گذشته سال پاسخ‌گویی بود؛ پاسخ‌گویی مسئولان در برابر مطالبات ملت ایران... یک غرض عمده از طرح این شعار در سال ۸۳ این بود که روح پرسشگری در ذهن ملت ایران زنده شود و مسئولان احساس کنند که در مقابل مردم باید پاسخ‌گو باشند.	پاسخ‌گویی	پاسخ‌گویی به خواسته‌ها و مطالبات مردم
شما بخشی از وقت امسال را برای گزارش دادن به مردم صرف کنید. اینکه ما گفتیم امسال، سال پاسخ‌گویی است، مظهر این پاسخ‌گویی همین گزارش‌هایی است که شما به مردم خواهید داد.	پاسخ‌گویی	پاسخ‌گویی به خواسته‌ها و مطالبات مردم
این کسانی که کشور در اختیارشان است یا در اختیارشان بوده، اینها دیگر حق ندارند علیه کشور حرف بزنند، موضع [بگیرند]؛ باید موضع مسئولان [بگیرند]، باید پاسخ‌گو باشند. بنده‌ای که امکانات در اختیارم است، نمی‌توانم مدعی باشم، [بلکه] باید پاسخ‌گو باشم و جواب بدهم که چه کار کردم یا این امکانات، به‌جای اینکه پاسخ‌گویی کنند، بیایند نقش مدعی را ایفا کنند علیه این، علیه آن حرف بزنند؛ این نمی‌شود؛ مردم قبول نمی‌کنند این را. حالا ممکن است کسی خیال کند که در مردم تاثیر می‌گذارد؛ نه، مردم آگاه‌اند، می‌فهمند، نمی‌پذیرند این حالت را.	پاسخ‌گویی	پاسخ‌گویی به خواسته‌ها و مطالبات مردم

سازمان‌دهنده	مضمون پایه‌ای	جملات رهبران انقلاب اسلامی
پاسخ‌گویی به خواسته‌ها و مطالبات مردم	پاسخ‌گویی	دوستون درست کنید: کارها و خدماتی که انجام داده‌اید، کارهایی که انجام نداده‌اید، یا ناکام مانده‌اید در انجامش؛ این‌ها را با مردم در میان بگذارید و بدانید که مردم قدر خدمت و قدر تلاش را می‌دانند. ما باید هم کارهای کرده خودمان و هم کارهای نکرده خودمان، یا درست نکرده خودمان را با صداقت در میان بگذاریم. مطمئناً آن تلاش و همت و اهمیتی که انجام گرفته برای ستون مثبت‌ها، عذر خواهد بود برای ما نسبت به ستون ناکرده‌ها؛ چون ناکرده‌ها از روی تعمد، ناکرده نمانده، بلکه به خاطر کمبود امکان، کمبود منابع و گاهی به خاطر دیر رسیدن فکر به ذهن انسان و مسائلی از این قبیل، ناکرده مانده است. این مسائل را برای مردم بیان کنید؛
پاسخ‌گویی به خواسته‌ها و مطالبات مردم	مسئولیت‌پذیری	«مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی»؛ در هر بخشی که ما هستیم، مسئولیت آن کاری که بر عهده گرفته‌ایم، این را بپذیریم. زیرمجموعه، زیرمجموعه ماست، احساس مسئولیت کنیم. در هر نقطه‌ای مسئولیت تعریف‌شده‌ای وجود دارد، آن مسئولیت را بایستی بپذیرفت.
پاسخ‌گویی به خواسته‌ها و مطالبات مردم	مسئولیت‌پذیری	جوری باشد که دولت مسئولیت خودش را داشته باشد تا انسان بتواند سؤال کند از دولت؛ انسان از مجلس هم باید بتواند سؤال کند، در مورد مجلس [هم] بتواند قضاوت کند، داوری کند.
پاسخ‌گویی به خواسته‌ها و مطالبات مردم	مسئولیت‌پذیری	یک غرض عمده از طرح این شعار در سال هشتاد و سه این بود که روح پرشگری در ذهن ملت ایران زنده شود و مسئولان احساس کنند که در مقابل مردم باید پاسخ‌گو باشند. پاسخ‌گویی و روحیه پرشگری و احساس مسئولیت مسئولان در مقابل مطالبات ملت، مخصوص سال هشتاد و سه نیست؛ همه سال‌ها به همین کیفیت است. البته نوع و مواجهه و پاسخ‌گویی مسئولان در قبال این شعار، بقیه برای ذهن مردم در انتخاب‌ها و قضاوت‌های آینده آنان مؤثر خواهد بود.
پاسخ‌گویی به خواسته‌ها و مطالبات مردم	مسئولیت‌پذیری	شما جواب یکی یکی از این افرادی که به شما رأی دادند و شما را به عنوان رئیس‌جمهور اسلام، رئیس‌جمهوری کشور اسلامی تعیین کردند هر یک از اینها فردا می‌آیند شما را می‌گیرند، جواب از شما می‌خواهند.
پاسخ‌گویی به خواسته‌ها و مطالبات مردم	مسئولیت‌پذیری	انقلاب این طور است وضع انقلاب این طور است؛ طوری است که مردم دیگر سر بسته و در بسته تسلیم کسی نمی‌شوند، مردم هر یکی‌شان نظر دارند. شما می‌بینید که وقتی که در تلویزیون نظرخواهی می‌کنند از افراد، از زن، از مرد، از جوان، از پیر، همه نظر می‌دهند، این طور نیست که بی‌تفاوت باشند. اگر هر یک ما تخطی کنیم از آن خواستی که ملت دارد و آن خواستش اسلام است و احکام اسلام، اگر هر یک از ما تخطی کنیم علاوه بر آنکه در محضر خدای تبارک و تعالی در آن روزی که همه وارد می‌شوند و حساب است در کار، جوابی نداریم، همین مردم هم در همین جا به حساب می‌رسند. اینها نمی‌گذارند که – آنجا حسابش علی‌حده [است] – همین مردم در همین جا، شما می‌بینید که الان به مقام ریاست‌جمهور رسیدید اگر فردا – خدای نخواسته تخطی کنی از آن راحی که ملت است و اسلام پیش پای ما گذاشته همین ۱۳ میلیون و زیادتیر که به شما رأی داده‌اند و اعتماد به شما کرده‌اند بر می‌گردند.
پاسخ‌گویی به خواسته‌ها و مطالبات مردم	مسئولیت‌پذیری	همیشه این ملت نیاز دارد به این که مسئولان او پاسخ‌گوی مسئولیت‌های بزرگ خودشان در مقابل ملت باشند و روح پرشگری در مردم وجود داشته باشد و همیشه زنده بماند. اینها شعارهای گذرا نیست؛ ابعاد و جوانب گوناگون وظایف ما مسئولان و همچنین مطالبات ملت را برای ما روشن می‌کند.
پاسخ‌گویی به خواسته‌ها و مطالبات مردم	انطباق با نیاز مردم	بنابر این، آن چیزی که در رأس برنامه‌های دولت است تفاهم بین ملت و دولت [است] و آن هم نه اینکه می‌گوییم: «تفاهم داریم»، شمایی که وزیر دارایی هستید، آن افرادی که می‌فرستید به اطراف، افرادی باشند که صالح باشند، افرادی باشند که با مردم بسازند؛ نخواهند بروند آنجا مثل سابق انجام بدهند. آن کسی هم که وزیر کشور است، می‌خواهد بفرستد، حکومت‌هایی که می‌فرستند، استاندارها [بی] که می‌فرستند، استاندارهایی باشند که با علما، با مردم بسازند، نه اینکه اختلاف پیدا کنند، آن اختلاف کم کم زیاد بشود.
پاسخ‌گویی به خواسته‌ها و مطالبات مردم	انطباق با نیاز مردم	شما نمی‌توانید کارهایی که الان در ایران هست انجام بدهید، الا با هماهنگی با ملت. هماهنگی با ملت هم این است که شما توجه کنید به خواست‌های اینها.
پاسخ‌گویی به خواسته‌ها و مطالبات مردم	انطباق با نیاز مردم	اگر چنانچه این محمدرضا گوش کرده بود آن چیزی که به او تزریق می‌شد، گفته می‌شد که با مردم ملت باید آن کسی که خیال می‌کند که رأس است با ملت باید بسازد تا اینها پشتیبان او باشند؛ اگر ملت پشتیبانش بود، خوب، این قضایا پیش نمی‌آمد، کاری کرده بودند.

جملات رهبران انقلاب اسلامی	مضمون پایه‌ای	سازمان‌دهنده
اگر یک کشور بخواهد یک کشور سالمی باشد، باید بین دستگاه حاکمه با ملت تفاهم باشد و مع الأسف در رژیم‌های شاهنشاهی و به‌خصوص در رژیم اخیر، آن معنا عکس بود، یعنی دستگاه حاکمه، همه دستگاه حاکمه، در یک قطب واقع شده بود و ملت هم در یک قطب. آن دستگاه حاکمه کوشش می‌کرد که با ارباب و با فشار و با آزار و شکنجه و حبس و امثال اینها با ملت رفتار کند و ملت هم اگر زور نداشت کوشش می‌کرد که مالیات نپردازد؛ از زیر بار همه چیز در برود؛ هر چه بتواند کار شکنی کند برای دولت و از این جهت هی شکاف بین مردم و دولت حاصل می‌شد و دولت هم هیچ پشتیبان نداشت و دستگاه حاکمه یک امر به خیال خودش مستقلی بود که هیچ ارتباطی با ملت نداشت. ملت هم به آن هیچ اعتماد نداشت، آن را دشمن خودش می‌دانست. ارتش وقتی می‌آمد توی مردم، مثل اینکه دشمن آمده است، همه جمعیت از آن فرار می‌کردند و پشت می‌کردند به آن و پاسبان وقتی که می‌آمد در بین مردم، مردم از او فرار می‌کردند؛ تنفر داشتند و اینها اسباب این شد که نتواند حکومت باقی بماند و با پایگاه نداشتن در پیش ملت ناچار باید کنار برود و رفت. این باید یک عبرتی باشد برای دولت‌ها، در رژیم اسلامی شاید در رأس برنامه همین تفاهم ما بین دولت و ملت باشد.	انطباق با نیاز مردم	پاسخ‌گویی به خواسته‌ها و مطالبات مردم
ملت ایران، با رژیم سلطنتی مخالف است، زیرا رژیمی است که تحمیلی که هرگز متکی به آرای ملت نبوده و از این جهت به شکل بنیادی، مخالف با اراده و خواست مردم است و خود را موظف به تأمین هدف‌ها و خواسته‌های مردم نمی‌داند و حکومت چنین رژیمی، حکومت طاغوتی است و اسلام اطاعت از این حکومت را بر مردم حرام کرده و مبارزه با حکومت طاغوتی را واجب شمرده است.	انطباق با نیاز مردم	پاسخ‌گویی به خواسته‌ها و مطالبات مردم
حرف مردم را باید [گوش کرد]؛ حرف مردم شکایت از فساد است، شکایت از تبعیض است؛ این حرف مردم است. مردم خیلی از مشکلات را تحمل می‌کنند؛ البته فساد را، تبعیض را نمی‌پسندند، شکوه دارند، شکایت می‌کنند. شکایت مردم از فساد و از تبعیض است که باید مسئولان – چه مسئولان قوه مجریه، چه مسئولان قوه قضائیه، چه مسئولان قوه مقننه – به‌طور جد دنبال کنند.	انطباق با نیاز مردم	پاسخ‌گویی به خواسته‌ها و مطالبات مردم
هیچ دستگاهی نباید خود را از انتقاد و نقد مصون و از عیب خالی بداند؛ همه دستگاه‌های کشور باید مورد نقد منصفانه قرار بگیرند و همه در جهت اهداف نظام و در چارچوب آن، رفتار خود را اصلاح کنند. دولت، مجلس، قوه قضائیه و سایر دستگاه‌هایی که در کشور هستند و مسئولیت‌های مهمی بر دوش آنهاست، همه مشمول این قاعده کلی هستند؛ نقد، اصلاح و پاسخ‌گویی، این، معنای حقیقی اصلاح نظام مورد نظر اسلام است.	انطباق با نیاز مردم	پاسخ‌گویی به خواسته‌ها و مطالبات مردم
مردمی بودن فقط سفرهای استانی نیست؛ ارتباط با مردم، شنیدن از مردم، شنیدن نکات، که گاهی نکاتی از مردم عادی شنیده می‌شود که از مشاوران کارگرفته کار کرده نزدیک انسان شنیده نمی‌شود؛ انسان از آن بیشتر استفاده می‌کند؛ ارتباط با مردم و گزارش‌های مردمی این [خسن] را دارد.	گفت‌وگوی اجتماعی	اقتناع عمومی و تبیین سیاست‌ها
مسائل اساسی باید با افکار عمومی مطرح بشود، افکار عمومی با نیازهای اساسی آشنا بشوند؛ [این‌گونه] اندیشه‌ها فعال خواهد شد.	گفت‌وگوی اجتماعی	اقتناع عمومی و تبیین سیاست‌ها
بنده هم غالباً برادران دولت را تشویق می‌کنم که به افکار عمومی توضیح بدهند و حرف بزنند.	گفت‌وگوی اجتماعی	اقتناع عمومی و تبیین سیاست‌ها
تا آنجایی که ممکن است، با مردم مستقیم حرف بزنید. البته این روزها محدودیت هست، لکن از طریق تلویزیون و با تماس‌های رودررو با مردم برای آنها توضیح بدهید و البته این [کار] همیشه باید انجام بگیرد؛ این توضیح و تبیین مخصوص هفته دولت نیست، همیشه بایستی انجام بگیرد. مردم از گزارش‌های صادقانه خرسند می‌شوند، امیدوار می‌شوند و خوشحال می‌شوند.	گفت‌وگوی اجتماعی	اقتناع عمومی و تبیین سیاست‌ها
لکن حکومت‌ها خودشان را جدا ندانند از مردم. رؤسا این طور نباشد که بروند هر کس در هر جایی یک ریاستی داشت بخواهد اعمال قدرت بکند؛ اعمال ریاست بکند؛ مردم را پایین‌تر بدانند؛ با مردم رفتاری بکند که رفتار یک مثلاً زورمند خیلی کذا است با دیگران. اسباب این می‌شود که مردم از آن جدا بشوند؛ مردم مالیات ندهند، فرار کنند از مالیات. این باید یک سرمشقی باشد برای دولت‌ها، برای ادارات، برای همه جا، که مردم را از خودشان جدا نکنند. مردم از خودشان بدانند. مردم هم آنها را از خود بدانند. اینها را هم مردم از خود بدانند. اگر یک همچو تفاهمی بین دولت و ملت پیدا شد، این دولت متکی به ملت است و سقوط ندارد؛ این دیگر قابل سقوط نیست. خوب، یک همچنین مملکتی مملکت خود مردم است و دولت می‌خواهد حفاظت کند آن را، انتظامات را ایجاد کند، شهرداری می‌خواهد شهر را آباد کند، دولت می‌خواهد راه‌ها را درست بکند و این چیزی است که مال خود مردم است و به دسترس خود مردم، برای خود مردم دارد انجام می‌دهد.	جلب همراهی مردمی	اقتناع عمومی و تبیین سیاست‌ها

سازمان دهنده	مضمون پایه‌ای	جملات رهبران انقلاب اسلامی
اقتناع عمومی و تبیین سیاست‌ها	جلب همراهی مردمی	مبادا یک وقت یک کسی احتیاج به استنادار داشته باشد، نتواند او را ببیند. این همان طاغوت است که نمی‌گذارد این طور بشود. اگر بنا باشد که حالا هم باز این تشریفاتی که در آن زمان بود باشد، نمی‌شود که ما جمهوری را اسلامی حساب کنیم.
اقتناع عمومی و تبیین سیاست‌ها	جلب همراهی مردمی	مسائل اساسی باید با افکار عمومی مطرح بشود، افکار عمومی با نیازهای اساسی آشنا بشوند.
اقتناع عمومی و تبیین سیاست‌ها	جلب همراهی مردمی	توجه کنید به اینکه هم صلاح خود شماست و هم صلاح کشور شماست و هم صلاح ملت است که شما با مردم دوست باشید. مردم احساس کنند که اینها دوست‌های آنها هستند که آمده‌اند. برای اینکه مثلاً فرض کنید که ژاندار مری مثل آن وقت نباشد که مردم از ترس او نمی‌توانستند عبور کنند نه از دست دزدها!
اقتناع عمومی و تبیین سیاست‌ها	جلب همراهی مردمی	مردم را در همه امور شرکت بدهیم. دولت به تنهایی نمی‌تواند که این بار بزرگی که الان به دوش این ملت هست بردارد.
اقتناع عمومی و تبیین سیاست‌ها	جلب همراهی مردمی	هر چی داریم از اینهاست و هر چی هست مال اینهاست، دولت عامل اینهاست، قوه قضائیه عامل اینهاست، قوه اجراییه عامل اینهاست. قوه مقننه عامل اینهاست؛ ادای تکلیف باید بکنند، شرکت بدهند مردم را در همه امور. همان طوری که با شرکت مردم در این جنگ، شما بحمد الله پیروز شدید و پیروز تر هم خواهید شد، با شرکت اینها شما می‌توانید اداره کنید این کشور را. مردم را در امور شرکت بدهید، در تجارت شرکت بدهید، در همه امور شرکت بدهید. مردم را در فرهنگ شرکت بدهید، مدارسی که مردم می‌خواهند درست کنند کارشکنی نکنید برایشان، البته نظارت لازم است، انتقاد هم لازم است، لکن کارشکنی نکنید.
اقتناع عمومی و تبیین سیاست‌ها	جلب همراهی مردمی	و حالا را ملاحظه کنند که هر مشکلی که برای دولت پیش بیاید، ملت قدم می‌گذارد جلو برای حل او. در مشکل کردستان ملاحظه کردید که تمام قشرهای ملت، بلکه مسلمین جاهای دیگر، بلاد دیگر، مسلمین خلیج، جاهای دیگر، همه آمادگی خودشان را برای پشتیبانی و برای سرکوبی اشرار اعلام کردند و ما دیدیم احتیاج به بسیج عمومی نیست، خود قوای انتظامیه آنها را سرکوب می‌کنند، از این جهت خواهش کردیم از آنها که دست نگه دارند. آن طرز حکومت با این طرز حکومت، این دوتا را باید حکومت‌ها به نظر بیاورند. آن طرز حکومت که اگر مشکلی پیدا بشود، مردم به مشکلات می‌افزایند و این طرز حکومت که مردم حکومت را از خودشان می‌دانند و همان طور که از عاقله خودشان دفاع می‌کنند؛ از حکومت خودشان دفاع می‌کنند. اگر همه حکومت‌های اسلامی، بلکه همه حکومت‌های جهانی، این طور بشوند که با مردم تفاهم داشته باشند.
اقتناع عمومی و تبیین سیاست‌ها	جلب همراهی مردمی	در هر صورت، الان وقت این است که ما فعالیت بکنیم برای اینکه این جمهوری اسلامی را پیاده کنیم و رأی از مردم [بگیریم] تقاضا کنیم از مردم که رأی بدهند به جمهوری اسلامی؛ و همه هم آراءند اما شما هدایت‌شان کنید. الزام نیست که بروید مأمور بگذارید مثل سابق که مأمور می‌گذاشتند سر مردم که رأی بدهید، بعد هم که از مردم رأی نمی‌گرفتند خودشان رأی می‌دادند! رأی‌ها را خودشان می‌خواندند و خودشان می‌دادند و تمام می‌شد قضیه – نه، مردم آراءند لکن شما هدایت کنید مردم را. مردم ما مسلمانند، اسلام را می‌خواهند؛ شما معرفی کنید اسلام را، معرفی کنید حکومت اسلامی را، معرفی کنید احکام اسلام را. به آنها بفهمانید که اگر شما یک حکومت عدلی بخواهید، یک حکومت انصافی بخواهید، بخواهید که در رفاه باشید، بخواهید که فقرای شما در رفاه باشند، بخواهید که اغنیا به شما ظلم نکنند، بخواهید که دولت‌ها به شما ظلم نکنند، بخواهید که پاسبان‌ها دیگر نتوانند به شما ظلم کنند، ارتش نتواند به شما ظلم کند، اگر یک همچو [حکومتی] را بخواهید، رأی بدهید به جمهوری اسلامی تا اینکه ان شاء الله اسلام و احکام اسلام پیاده بشود.
اقتناع عمومی و تبیین سیاست‌ها	جلب همراهی مردمی	خود دولت، خود قوه قضائیه، خود دستگاه‌های دیگر بایستی رفتارشان، عمل‌شان جوری باشد که جلب اعتماد بکند؛ این بخش به عهده آنهاست.
اقتناع عمومی و تبیین سیاست‌ها	توضیح سیاست‌ها و اقتناع افکار عمومی	دولت بدون پشتیبانی مردم نمی‌تواند کار انجام بدهد. یعنی آن دولت‌هایی می‌توانستند بدون پشتیبانی مردم انجام بدهند – که کارشان را انجام بدهند – که برای مردم نمی‌خواستند کار کنند؛ آنها می‌خواستند برای ارباب‌های خودشان کار بکنند و روی آن مبنا مجهز برای آن جهت بودند. اما کاری به این نداشتند که حالا در بلوچستان چه می‌گذرد، در کرمان چه می‌گذرد، در جاهای دیگر چه می‌گذرد؟ به آن کاری نداشتند. و شما که می‌خواهید برای همه خدمت بکنید، برای چهل میلیون جمعیت، یک دولت محدود نمی‌تواند کار بکند، باید چهل میلیون جمعیت را در صحنه نگه دارد، و نگهداری به این است که شما بازار را می‌خواهید نگه دارید، بازار را شریک کنید در کارها، بازار را راکتار نگذارید. کارهایی که از بازار نمی‌آید و معلوم است که نمی‌تواند بازار انجام بدهد، آن کارها را دولت انجام بدهد. کارهایی که از بازار می‌آید، جلوی آن را نگیرید، یعنی، مشروع هم نیست. آزادی مردم نباید سلب بشود، دولت باید نظارت بکند. مثلاً، در کالاهایی که می‌خواهند از خارج بیاورند مردم را آزاد بگذارند، آن قدری را که می‌توانند؛ هم خود دولت بیاورد، هم مردم. لکن دولت نظارت کند در اینکه یک کالاهایی که برخلاف مصلحت جمهوری اسلامی است، برخلاف شرع است، آنها را نیاورد. این نظارت است.

سازمان‌دهنده	مضمون پایه‌ای	جملات رهبران انقلاب اسلامی
اقتناع عمومی و تبیین سیاست‌ها	توضیح سیاست‌ها و اقتناع افکار عمومی	ایرادی که من به این دولت وارد می‌کنم، این است که توضیح دادنشان به مردم کم است. این روابط عمومی‌های شما در بخش‌های مختلف باید فعال عمل کنند. روابط عمومی شماست که از رسانه ملی یا از مطبوعات می‌تواند استفاده بهینه بکند؛ یاد بگیرند راه بیان کردن را. گاهی انسان توضیح هم می‌دهد، بیان هم می‌کند؛ متناهی فایده! چون نوع بیان، نوع بیان اثرگذار و باوربرانگیز نیست؛ حقیقت را درست روشن نمی‌کند. این یکی از نقص‌هاست که باید حتماً این نقیصه را جبران کنید. آن کسانی که دلسوزانه انتقاد می‌کنند، با این تبیین، با این توضیح دلشان آرام می‌گیرد.
اقتناع عمومی و تبیین سیاست‌ها	توضیح سیاست‌ها و اقتناع افکار عمومی	با مردم در میان بگذارید، با مردم حرف بزنید، از مردم کمک بخواهید در موارد مختلف، هم کمک فکری، هم کمک عملی. در یک جاهایی یک خطایی اتفاق می‌افتد - خب همه ماها اشتباه می‌کنیم دیگر؛ خطا در کار ماها کم نیست - از مردم عذر خواهی کنید؛ صریحاً [بگویید] این اشتباه شده، از مردم عذر خواهی کنید. مردمی بودن این جهات مختلف را دارد. گزارش خدمات خودتان را هم به مردم بدهید؛ گزارش صادقانه، بدون مبالغه، بدون بزرگ‌نمایی؛ صادقانه [بگویید] این کارها را انجام داده‌اید. مردمی بودن اینهاست؛ اینها جهات مختلف مردمی بودن است.
اقتناع عمومی و تبیین سیاست‌ها	توضیح سیاست‌ها و اقتناع افکار عمومی	مثلاً الان مسئله انرژی اتمی مطرح است. افکار عمومی در این قضیه باید توجیه شود. شنیدم ظاهر اُپریشب سیما برنامه خیلی خوبی داشته و با دست‌اندرکاران قضیه در تهران و وین تماس گرفته و موضوع را بررسی کرده است؛ این‌طور کارها بسیار مفید است. افکار عمومی باید در جریان مسائل قرار گیرد و به شکل صحیح و منطقی توجیه شود.
اقتناع عمومی و تبیین سیاست‌ها	توضیح سیاست‌ها و اقتناع افکار عمومی	البته امروز در این جنگ ترکیبی موجود، حمله نظامی نیست؛ دشمن حمله نظامی نمی‌کند، کارهای دیگر می‌کند؛ اینجا هم اطلاع‌رسانی لازم است، تا مردم بدانند که دشمن از چه راه‌هایی و با چه سیاست‌هایی وارد می‌شود و با روشن‌بینی به حوادث نگاه کنند. وقتی که مردم عزیز ما با اوضاع آشنا شدند، هر حادثه‌ای پیش بیاید، با روشن‌بینی به آن حادثه نگاه می‌کنند.
اقتناع عمومی و تبیین سیاست‌ها	توضیح سیاست‌ها و اقتناع افکار عمومی	امروز خبرهای بزرگ و مهمی به وسیله رئیس‌جمهور محترم و آقایان وزرا داده شد که خیلی از آنها برای ما تازه بود. انتشار این خبرها و نقد این خبرها مهم است؛ هم دستاوردها را بگویید، هم تنگناها را بگویید، هم آنچه را توانستید انجام بدهید بگویید، هم آنچه را باید انجام می‌دادید و انجام نشده بگویید؛ مردم خوش‌شان می‌آید. این جور انسان بتواند همی ابعاد قضیه را بیان کند، این برای مردم شیرین و دلپذیر است، به خصوص در تماس مستقیم با مردم.
اقتناع عمومی و تبیین سیاست‌ها	شفاف‌سازی	هیچ اشکالی ندارد که مجموعه دولت مشخص کند که این بخش از مجموع عملکردش مثبت است؛ این بخش، منفی؛ چون آن بخش که مجموع عملکردش منفی است، معنایش این نیست که بدکار کرده، بلکه ممکن است کمبود منابعش، نداشتن امکانات و نبودن زیرساخت‌هایش در عملکردش مؤثر بوده است، که البته کاملاً عملی و ممکن است. حداقل کار این است که در هر بخشی از بخش‌ها، ستون موفقیت‌ها را با ستون عدم موفقیت‌ها کنار هم بگذارند و به مردم نشان بدهند، تا مردم جمع‌بندی کنند. ... نباید مردم تصور کنند که ما فقط جنبه‌های مثبت را می‌گوییم و منفی‌ها را نمی‌گوییم.
اقتناع عمومی و تبیین سیاست‌ها	شفاف‌سازی	در این مناظره‌ها و در این گفت‌وگوها و در این گفتارهای تلویزیونی، همه شفاف و راحت حرف زدند، حرف دل‌شان را بر زبان آوردند، یک سیلابی از نقد و انتقاد به راه افتاد و همه مجبور شدند پاسخ‌گویی کنند. به آنها انتقاد شد، آنها در مقام پاسخ‌گویی برآمدند و از خودشان دفاع کردند. ... مردم احساس کردند که در نظام اسلامی بیگانه به حساب نمی‌آیند، نظام کشور اندرونی و بیرونی ندارد.
اقتناع عمومی و تبیین سیاست‌ها	شفاف‌سازی	بنده معتقد به خبررسانی و اطلاع‌رسانی‌ام؛ مکرر هم به رئیس‌جمهور و دوستان دیگر در این زمینه عرض کرده‌ام. باید افکار عمومی را مطلع کرد و اطلاع‌رسانی صحیح و درست انجام داد؛ لیکن اطلاع‌رسانی به‌نگام، به‌جا و به شکل متین و صحیح.
اقتناع عمومی و تبیین سیاست‌ها	شفاف‌سازی	اطلاعات باید عمومی بشود. باید شفاف‌سازی اطلاعات صورت بگیرد.

- [1] Cousins, J.B. and E. Whitmore, Framing participatory evaluation. New Directions for Evaluation, 1998. 1998(80): p. 5-23.
- [2] Estrella, M., J. Gaventa, and S. Institute of Development, Who Counts Reality?: Participatory Monitoring and Evaluation: a Literature Review. IDS Working Papers. 1998: Institute of Development Studies at the University of Sussex.
- [3] Beetham, D., The Legitimation of Power. Political Analysis. 2013: Bloomsbury Publishing.
- [4] Suchman, M.C., Managing Legitimacy: Strategic and Institutional Approaches. The Academy of Management Review 3(20). 1995, p. 571-610.
- [5] Fung, A., Varieties of Participation in Complex Governance. Public Administration Review. 2006, 66(s1): p. 66-75.
- [6] Nabatchi, T. and M. Leighninger, Public Participation for 21st Century Democracy. Bryson Series in Public and Nonprofit Management. 2015: Wiley.
- [7] Putnam, R.D., R. Leonardi, and R.Y. Nanetti, Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy. Book collections on Project MUSE. 1994: Princeton University Press.
- [8] Chambers, R., Whose Reality Counts?: Putting the First Last. 1997: Intermediate Technology Publications.
- [9] Dryzek, J.S., Deliberative Democracy and Beyond: Liberals, Critics, Contestations. Oxford political theory. 2002: Oxford University Press.
- [10] Weber, M., H. Gerth, and C.W. Mills, From Max Weber: Essays in Sociology. From Max Weber: Essays in Sociology. 1946: Oxford University Press.
- [11] Habermas, J., Between Facts and Norms: Contributions to a Discourse Theory of Law and Democracy. 2015: Polity Press.
- [12] Cornwall, A. and R. Jewkes, What is participatory research? Social Science & Medicine. 1995, 41(12): p. 1667-1676.
- [13] Fox, J.A., Social Accountability: What Does the Evidence Really Say? World Development. 2015, 72: p. 346-361.
- [14] Gaventa, J., Exploring Citizenship, Participation and Accountability. IDS Bulletin 2(33). 2002, p. 1-14.
- [15] Arnstein, S.R., A Ladder Of Citizen Participation. Journal of the American Institute of Planners, 35(4). 1969: p. 216-224.
- [16] Fetterman, D.M., S.J. Kaftarian, and A. Wandersman, Empowerment Evaluation: Knowledge and Tools for Self-Assessment and Accountability. 1996: SAGE Publications.
- [17] Patton, M.Q., Developmental Evaluation: Applying Complexity Concepts to Enhance Innovation and Use. 2010: Guilford Publications.
- [18] Bamberger, J.M., M. Clark, and R. Sartorius, Monitoring and Evaluation: Some Tools, Methods, and Approaches. 2004, World Bank: Washington DC.

[19] Garaway, G.B. .Participatory evaluation .Studies in Educational Evaluation : (1)21. 1995. p.85-102 .

- [۲۰] امام خمینی، ر.ا.، صحیفه امام. ۱۳۸۵. جلد ۶، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- [۲۱] رهبر معظم انقلاب اسلامی، بیانات در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله). ۱۳۹۴/۳/۱۴.
- [۲۲] رهبر معظم انقلاب اسلامی، بیانات در مراسم تنفیذ حکم سیزدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران. ۱۴۰۰/۵/۱۲.
- [۲۳] امام خمینی، ر.ا.، صحیفه امام. ۱۳۸۵. جلد ۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- [۲۴] رهبر معظم انقلاب اسلامی، بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت. ۱۳۸۷/۹/۲۴.
- [۲۵] امام خمینی، ر.ا.، صحیفه امام. ۱۳۸۵. جلد ۱۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- [۲۶] امام خمینی، ر.ا.، صحیفه امام. ۱۳۸۵. جلد ۱۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- [۲۷] رهبر معظم انقلاب اسلامی، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری. ۱۳۹۷/۶/۱۵.
- [۲۸] رهبر معظم انقلاب اسلامی، بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی. ۱۳۸۲/۲/۲۲.
- [۲۹] رهبر معظم انقلاب اسلامی، بیانات در دیدار مردم استان همدان. ۱۳۸۳/۴/۱۵.
- [۳۰] رهبر معظم انقلاب اسلامی، بیانات در دیدار نخبگان جوان علمی. ۱۳۹۶/۷/۲۶.
- [۳۱] رهبر معظم انقلاب اسلامی، بیانات در دیدار جمعی از روحانیون. ۱۳۷۱/۵/۷.
- [۳۲] امام خمینی، ر.ا.، صحیفه امام. ۱۳۸۵. جلد ۸، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- [۳۳] رهبر معظم انقلاب اسلامی، بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت. ۱۳۸۴/۷/۱۷.
- [۳۴] امام خمینی، ر.ا.، صحیفه امام. ۱۳۸۵. جلد ۷، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- [۳۵] رهبر معظم انقلاب اسلامی، بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت. ۰۶/۰۶/۱۳۹۲.
- [۳۶] امام خمینی، ر.ا.، صحیفه امام. ۱۳۸۵. جلد ۱۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- [۳۷] رهبر معظم انقلاب اسلامی، بیانات در دیدار مردم شهرستان رفسنجان. ۱۳۸۴/۲/۱۸.
- [۳۸] رهبر معظم انقلاب اسلامی، پیام نوروزی به مناسبت حلول سال ۱۳۸۲. ۱۳۸۲/۱/۱.
- [۳۹] رهبر معظم انقلاب اسلامی، گزیده‌ای از بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت. ۱۳۹۷/۴/۲۴.
- [۴۰] رهبر معظم انقلاب اسلامی، بیانات در حرم مطهر رضوی. ۱۳۹۴/۱/۱.
- [۴۱] رهبر معظم انقلاب اسلامی، بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی. ۱۳۹۹/۱۱/۲۹.
- [۴۲] رهبر معظم انقلاب اسلامی، بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت. ۱۳۸۳/۶/۴.
- [۴۳] رهبر معظم انقلاب اسلامی، بیانات در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور. ۱۳۹۰/۵/۲۶.
- [۴۴] رهبر معظم انقلاب اسلامی، خطبه‌های نماز جمعه تهران. ۱۳۸۸/۳/۲۹.
- [۴۵] رهبر معظم انقلاب اسلامی، بیانات در دیدار مسئولان نظام. ۱۴۰۱/۱/۲۳.
- [۴۶] رهبر معظم انقلاب اسلامی، بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی. ۱۳۸۳/۱۳/۲.
- [۴۷] رهبر معظم انقلاب اسلامی، بیانات در ارتباط تصویری با جلسه هیئت دولت. ۱۳۹۹/۶/۲.
- [۴۸] امام خمینی، ر.ا.، صحیفه امام. ۱۳۸۵. جلد ۶، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- [۴۹] رهبر معظم انقلاب اسلامی، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما. ۱۳۸۳/۹/۱۱.
- [۵۰] رهبر معظم انقلاب اسلامی، بیانات در دیدار رئیس‌جمهور، مسئولان و کارگزاران نظام. ۱۳۸۶/۴/۹.

[51] <https://farsi.khamenei.ir/>

[52] <https://emam.com>

گزیده سیاستی

ارزشیابی مردم‌محور در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی بخشی از ماهیت حکمرانی مردمی و اسلامی است و بر این ایده متکی است که مردم صاحبان اصلی حکومت و داور نهایی عملکرد آن هستند.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، رویروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۳)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۵۸۵۵-۱۵۸۷۵ پست الکترونیک: info@majlis.ir

وبسایت: rc.majlis.ir